



مبحث اول مقررات ملی ساختمان تعاریف

۱-۱- کلیات

- ۲-۱- مفاهیم اصلی و راهنمای تدوین مقررات ملی ساختمان
 - ۱-۲-۱- مقررات ملی ساختمان
 - ۲-۲-۱- موضوع مقررات ملی ساختمان
 - ۲-۲-۱- کاربرد مقررات ملی ساختمان
 - ۴-۲-۱- قلمرو مقررات ملی ساختمان
 - ۵-۲-۱- سازمانهای عهده دار کنترل
 - ۶-۲-۱- مأموران عهده دار کنترل
 - ۷-۲-۱- مراجع تصویب
 - ۸-۲-۱- اعتبار حرفه‌ای و تخصصی مقررات ملی ساختمان
 - ۹-۲-۱- حوزه شمول مقررات ملی ساختمان
 - ۱۰-۲-۱- تدوین مقررات ملی ساختمان
 - ۱۱-۲-۱- طرح کلی مقررات ملی ساختمان ایران
- ۳-۱- شیوه نامه بخش‌بندی و نگارش مباحث
- ۴-۱- نحوه استفاده از مبحث اول
- ۵-۱- فهرست تعاریف

تعاریف

مبحث اول

۱-۱- کلیات

کلیه واژه‌ها و اصطلاحات فنی و حقوقی به کار رفته در تمامی مباحث «مقررات ملی ساختمان در این مبحث گردآوری شده است. اما به دلیل چاپ تدریجی مباحث مختلف مقررات ملی ساختمان، هر مبحث، واژه‌ها و اصطلاحات خود را جداگانه تهیه نموده است، لذا به منظور حفظ هماهنگی در کل مجموعه این مقررات، همه این واژه‌ها در مبحث اول تحت عنوان «تعاریف منتشر می‌گردد.

۱-۱-۱ - هدف

هدف از تدوین این مبحث، ایجاد پایه‌ای برای تفاهم میان دست‌اندرکاران صنعت ساختمان و یکسان سازی مفاهیم در حوزه شمول مقررات ملی ساختمان می‌باشد. همچنین این مبحث منبع مناسبی بر آموزش و ارجاع در کلیه بخش‌های صنعت ساختمان خواهد بود.

از طرفی با توجه به اینکه ممکن است یک تعریف در بخش‌های مختلف این صنعت به گونه‌های متفاوتی ارائه گردند، با گردآوری آنها در یک مجموعه، مرجعی مناسب جهت مقایسه نحوه کاربرد تعاریف در بخش‌های مختلف، برای دست‌اندرکاران و قانونگذاران فراهم می‌گردد، تا هدف خود را از بیان یک واژه، از میان تعاریف مختلف برای آن واژه، بیان نمایند.



۲-۱ مفاهیم اصلی و راهنمای تدوین مقررات ملی ساختمان

۱-۲-۱ مقررات ملی ساختمان

مقررات ملی ساختمان عبارت است از مجموعه:

- الف- اصول و قواعد فنی که رعایت آنها در طراحی، محاسبه، اجرا، بهره‌برداری و نگهداری ساختمانها، به منظور اطمینان از ایمنی، بهداشت، بهره‌دهی مناسب، آسایش و صرفه اقتصادی الزامی است.
- ب- آئین‌نامه کنترل اجرا که حوزه شمول اصول و قواعد آن، ترتیب کنترل اجرای آنها، حدود و اختیارات و وظائف سازمانهای عهده‌دار کنترل و ترویج این اصول و قواعد در هر مبحث را تعیین می‌کند.

۱-۲-۲ موضوع مقررات ملی ساختمان

موضوع مقررات ملی ساختمان، عملیات ساختمانی است که به یکی از صورتهای زیر انجام می‌شود:

- احداث:** یعنی برپا کردن ساختمان در روی زمین خالی؛
- بهسازی:** یعنی امروزی کردن ساختمان موجود، از طریق تغییر تیغه‌بندی و فضاها، نماسازی، تأسیسات مکانیکی و برقی و یا تقویت عناصر باربر با حفظ استخوان‌بندی (پی و عناصر باربر)؛
- بازسازی:** یعنی دوباره سازی بخشهای عمده‌ای از ساختمان که در اثر سانحه یا فرسودگی آسیب دیده‌اند؛
- تغییر کاربری:** یعنی تغییر نوع بهره‌برداری از ساختمان، که مستلزم سنجش توانهای فضائی (معماری)، سازه‌ای، تأسیسات مکانیکی و تأسیسات برقی [و تأسیسات ترافیکی] ساختمان موجود برای بهره‌برداری جدید و ایجاد تغییرات لازم در معماری، سازه، تأسیسات مکانیکی و تأسیسات برقی است؛
- تعمیر:** یعنی تعویض اجزاء فرسوده و از کار افتاده ساختمان، گاهی همراه با تغییرات جزئی در فضاها، بدون بهسازی یا با اندکی بهسازی؛
- تخریب:** یعنی خراب کردن تمام یا بخشهایی از ساختمان موجود برای احداث، بهسازی، بازسازی، تغییر کاربری، تعمیر یا آزاد کردن زمین زیر ساختمان؛
- توسعه:** یعنی گسترش دادن ساختمان موجود در سطح یا افزودن طبقات به آن؛

۱-۲-۳ کاربرد مقررات ملی ساختمان:

مقررات ملی ساختمان، شامل اصول و قواعد فنی و آئین‌نامه کنترل و اجراء، سند مرجع برای اقدامات کنترلی سازمانها و مأموران عهده دار کنترل ساختمان می‌باشد. بنابراین دستگاهها و مأموران کنترل، فعالیتهای ساختمانی را براساس الزامات این سند بازبینی و کنترل می‌کنند، عوامل مسئول در فعالیتهای ساختمانی نیز برای دریافت تأییدیه سازمانهای عهده دار کنترل، فعالیتهای خود را با الزامات این سند منطبق می‌نمایند.

۱-۲-۴ قلمرو مقررات ملی ساختمان:

قلمرو مقررات ملی ساختمان کلیه فعالیتهای طراحی، اجرا، آزمایش، نگهداری و بهره‌برداری را در بر می‌گیرد. در طراحی، نقشه‌ها و محاسبات در اجرا، جزئیات در حال اجرا و اجرا شده، در آزمایش، عین آزمایش یا گزارش نتایج آزمایش، در نگهداری، گزارش نگهداری، و در بهره‌برداری، کیفیت بهره‌برداری مورد بازبینی و کنترل قرار می‌گیرد.

۱-۲-۵- سازمانهای عهده دار کنترل:

سازمانهای عهده دار کنترل عبارتند از: شهرداریها در محدوده و حریم شهرها، استانداریها یا نمایندگان آنها در غیر شهرکهای واقع در خارج محدوده و حریم شهرها، و سازمانهای مسکن و شهرسازی استانها در شهرکهای واقع در خارج محدوده و حریم شهرها.

۱-۲-۶- مأموران عهده دار کنترل:

مأموران عهده دار کنترل عبارتند از کارشناسانی که از طرف سازمانهای عهده دار کنترل مأمور این کار می‌شوند. مشارکت مأموران عهده دار کنترل که دارای بالاترین تجربیات اجرایی در اجرای مقررات ملی ساختمان هستند، در جریان تدوین و بازنگریهای مقررات، امکان‌پذیری عملی آن را تضمین خواهد کرد.

۱-۲-۷- مراجع تصویب:

مرجع تصویب بخشی از مقررات ملی ساختمان که « اصول و قواعد فنی » نام دارد وزارت مسکن و شهرسازی، و مرجع تصویب بخش دیگر که « آئین‌نامه کنترل و اجرا » نام دارد، هیئت وزیران است.

۱-۲-۸- اعتبار حرفه‌ای و تخصصی مقررات ملی ساختمان:

مقررات ملی ساختمان باید حتی‌المقدور قبل از تصویب مراجع قانونی، اعتبار حرفه‌ای و تخصصی لازم را کسب کرده باشد. به این منظور لازم است مشارکت همه نهادهای حرفه‌ای و تخصصی ذیربط از قبیل سازمانهای نظام مهندسی ساختمان استانها، جامعه مشاوران ایران، انجمن صنفی مهندسان معمار و شهرساز، انجمن صنفی شرکت‌های ساختمانی، انجمن صنفی شرکت‌های تأسیساتی و تجهیزاتی، انجمن مهندسان محاسب، انجمن تولیدکنندگان مصالح و لوازم ساختمانی و تجهیزاتی سایر انجمنهای مهندسی و مخصوصاً جامعه مأموران عهده دار کنترل، در جریان تدوین مقررات به نحو گسترده و مؤثر جلب شود.

۱-۲-۹- حوزه شمول مقررات ملی ساختمان:

حوزه شمول اجرای مقررات ملی ساختمان محدوده‌های جغرافیائی معین و انواعی از ساختمان است که در جریان تدوین مقررات براساس نظرخواهی از مجامع حرفه‌ای ذیربط مخصوصاً سازمانهای نظام مهندسی ساختمان استانها پیشنهاد شده و پس از تأیید وزارتخانه‌های «کشور» و «مسکن و شهرسازی» به تصویب هیئت وزیران می‌رسد و به عنوان جزئی از « آئین‌نامه کنترل اجرا » محسوب و ضمیمه «اصول و قواعد فنی» می‌گردد. در مناطق جغرافیائی و انواع ساختمانهائی که در حوزه شمول قرار ندارند اجرای مقررات ملی ساختمان جنبه پیشنهادی دارد.

۱-۲-۱۰- تدوین مقررات ملی ساختمان:

تدوین مقررات ملی ساختمان عبارت است از مجموعه بررسیها و پژوهشها و تبادل نظرهایی که براساس طرح کلی مقررات ملی ساختمان ایران» انجام شده و پس از تهیه پیش‌نویس اولیه مورد نظرخواهی قرار گرفته و مراحل تأیید کمیته‌های تخصصی و شورای تدوین مقررات ملی ساختمان را طی کرده و حسب مورد آماده تصویب وزیر مسکن و شهرسازی یا هیئت وزیران می‌گردد.

۱-۲-۱۱- طرح کلی مقررات ملی ساختمان ایران:

طرح کلی مقررات ملی ساختمان ایران عبارت است از:

- فهرست عناوین مباحث مختلف اصول و قواعد فنی و آئین‌نامه کنترل و اجراء؛
- شیوه‌نامه بخش‌بندی و نگارش مباحث؛
- گردش کار تدوین؛
- مدارک فنی و مرتبط با هر مبحث از قبیل راهنما، تفسیر و فهرست‌های بازرسی (چک لیست ها)؛

* کنترل ساختمان عبارت است از مجموعه اقدامات مربوط به اعمال مقررات ملی ساختمان و نیز ضوابط و مقررات شهرسازی

تعاریف

مبحث اول

۳-۱- شیوه نامه بخش‌بندی و نگارش مباحث

۳-۱-۱- بند یا ردیف به عنوان کوچکترین واحد نگارش مقررات:

هر مبحث بطور سلسله مراتبی به اجزائی تقسیم می‌شود کوچکترین جزء آن یک بند نامیده می‌شود. هر بند باید فقط حاوی یک حکم مستقل درباره موضوع و قلمرو خود بوده و از هرگونه عبارت پردازی استدلالی و تبیینی و آموزشی پرهیز نماید. در صورتیکه حکم دارای فروع یا قیودی باشد در ذیل همان بند به عنوان ردیف به کمک حروف افزوده می‌شود.

۳-۳-۱- بخش‌بندی:

مجموعه ردیفهای مرتبط، یک بند، مجموعه بندهای مرتبط، یک بخش، مجموعه بخشهای مرتبط، یک فصل و مجموعه فصلهای مرتبط یک مبحث را تشکیل میدهند. به عنوان مثال: بند ۱-۱۷-۲-۳ که در آن، عدد ۱۷ شماره مبحث، عدد ۱ شماره فصل، عدد ۲ شماره بخش و عدد ۳ شماره بند می‌باشد.

۳-۳-۱- شماره‌گذاری:

هر بند با یک شماره متشکل از ارقام تعیین کننده هر یک از مراتب تقسیم سلسله مراتبی مشخص می‌گردد.

۳-۳-۱- زبان:

زبان مقررات باید ساده، کوتاه، عاری از هرگونه صنعت ادبی، متمرکز بر بیان حکم و دارای لحن قانونی باشد. در نگارش باید توجه داشت که مقررات ملی در حکم سند مرجع بازبینی و کنترل است نه دستورالعمل طراحی و اجراء یا اثبات صحت علمی یا فوائد علمی اصول و قواعد فنی.

۳-۵-۱- قابلیت اجراء:

احکام مقررات ملی ساختمان باید از حیث وجود مهارتهای فنی، تجهیزات اجرائی، مصالح و لوازم و امکانات اقتصادی قابل اجرا باشد.

۳-۶-۱- هدف مندی:

احکام مقررات ملی ساختمان باید فقط در خدمت اهداف مقرر در قانون یعنی: ایمنی، بهداشت، بهره‌برداری مناسب، آسایش و صرفه اقتصادی باشد و به چیزی غیر از این اهداف نپردازد. تهیه کنندگان پیش‌نویس مقررات باید بتوانند ارتباط احکام پیشنهادی را با اهداف مزبور نشان دهند و این شرط یکی از شرایط تصویب مقررات ملی ساختمان خواهد بود.

۳-۷-۱- قابلیت انعطاف:

احکام مقررات ملی ساختمان علاوه بر قابلیت اجرای کلی، تفاوت امکانات عملی در مناطق مختلف کشور و بر حسب ساختمانها و کاربریهای مختلف را مورد نظر قرار دهند و در این خصوص از تجارب و نظرات سازمانهای نظام مهندسی ساختمان استانها استفاده نمایند. همچنین باید تدریجی بودن اجرای کامل مقررات را ملحوظ نظر داشته باشند.

۱-۳-۸- ارجاعات:

احکام مقررات ملی ساختمان ممکن است به برخی از استانداردهای ملی کشور یا کشورهای دیگر و همچنین آئین‌نامه‌ها ارجاع کند. در این صورت آن قسمت از استاندارد جزئی از متن مقررات شناخته می‌شود. مقررات از ارجاع به متون کتب باید پرهیز نماید.



۴-۱- نحوه استفاده از مبحث اول:

فهرست تعاریف از کلیه مباحث تدوین و منتشر شده گرد آوری گردیده وابتدا به ترتیب حروف الفبا و سپس به ترتیب شماره مبحث، مرتب شده است.

۱-۴-۱- علائم اختصاری:

در کنار هر واژه مرجع یا مبحث مورد نظر آورده شده است. به عنوان مثال: آب گرم(۱۶) یعنی این واژه در مبحث ۱۶ آورده شده است.

م = مبحث

ر. ک . = رجوع کنید به



۱-۵- فهرست تعاریف:

آب آشامیدنی (۱۶):

آبی که از مواد خارجی، به مقداری که سبب بیماری شود یا اثر زیان‌آور بیولوژیک داشته باشد، پاک باشد و از نظر ترکیب فیزیکی، شیمیایی یا میکروبی با استانداردهای آب آشامیدنی، که از طرف مقامات مسئول و قانونی بهداشتی رسماً اعلام شده، مطابقت داشته باشد.

آب خنک‌کننده (۱۴):

آبی که گرمای دفع‌کننده گرمای سیستم تبرید را جذب و آن را به برج خنک‌کن یا هر سیستم دفع‌کننده دیگری، منتقل کند تا به فضای خارج دفع شود. در تأسیسات تهویه مطبوع ساختمان، حداکثر دمای این آب ۴۰ درجه سانتیگراد (۱۰۴ درجه فارنهایت) است.

آب غیرآشامیدنی (۱۶):

آبی که برای آشامیدن، مصارف شخصی و پخت و پز، بهداشتی و مناسب نباشد.

آبغشان اتوماتیک (۱):

وسیله‌ای است که به یک سیستم آبرسانی (شیکه آب) متصل است و هرگاه دما از حدمعینی فرا تر رود، به طور اتوماتیک باز می‌شود و شروع به آب فشانی می‌کند.

آب گرم (۱۶):

آبی که دمای آن بیش از ۴۹ درجه سانتیگراد (۱۲۰ درجه فارنهایت) باشد.

آب گرم‌کن (۱۴) و (۱۶):

هر دستگاهی که آب مصرفی یا آشامیدنی را گرم کند و آن را به شبکه توزیع آب گرم مصرفی ساختمان بفرستد.

آجر (۵):

آجر فرآورده‌ای ساختمانی است که در انواع رسی، شیلی و شیستی، ماسه آهکی و بتنی و شکل‌های گوناگون تولید شده و عمدتاً در دیوار چینی، نماسازی، کرسی چینی، کف‌سازی و کفپوشی، سقف طاق ضری، شیب‌بندی بام (ضایعات آجر) و... به مصرف می‌رسد.

آجر بر حسب مواد خام مورد استفاده در ساخت آن به انواع زیر تقسیم می‌شود:
آجر رسی، شیلی و شیستی:

آجر هم از پخت خشت خام رسی و هم از پخت خشت تهیه شده از شیل و شیست، در دماهای حدود ۱۰۰۰ درجه سلسیوس بدست می‌آید. براساس استاندارد شماره ۷ ایران، آجر رسی ساختمانی بر حسب نوع مصرف به گروه‌های زیر تقسیم می‌شود:

الف) آجر معمولی:

اجری است که برای کارهای عمومی ساختمان مناسب است و استفاده از آن در ساخت اعضای غیر باربر

توصیه شده است .

ب) آجر نما:

آجری است که بدون نیاز به اندودکاری یا پوشش‌های دیگر مستقیماً برای نماسازی به مصرف می‌رسد.

پ) آجر مهندسی:

آجری است که دارای جسم متراکم و پرمقاومت بوده و برای ساخت اعضای باربر مناسب است. این نوع آجر بر حسب میزان مقاومت و جذب آب به سه درجه ۱ و ۲ و ۳ تقسیم می‌شود.

۲- آجر ماسه آهکی:

آجرهای ماسه آهکی از مخلوط ماسه سیلیسی یا سیلیکاتی (یا سنگ خرد شده یا مخلوطی از این دو و آهک)، در زیر فشار بخار آب و گرما تولید می‌شوند. خاکستر بادی (FlyAsh)، سرباره کوره آهنگ‌دازی و به طور کلی ، دیگر ضایعات صنعتی مناسب ، برای تهیه این نوع آجرها قابل استفاده می‌باشند . آجرهای ماسه آهکی معمولاً به صورت تو پر و سوراخدار به ابعاد حدود آجر رسی یا مضاربی از آن ساخته شده و بر حسب مقاومت فشاری دسته‌بندی می‌شوند . آجر ماسه آهکی به رنگ خاکستری است و با افزودن مواد رنگی می‌توان انواع رنگی آن را نیز تولید کرد.

۳- آجر شنی:

آجر ساختمانی بتنی، نوعی بلوک سیمانی تو پر است که از سیمان پرتلند ، سنگدانه‌های معدنی مناسب و آب تهیه می‌شود. برای بهره‌گیری از اثرهای ویژه ، می‌توان مواد دیگری نیز به آن افزود.

آجر توخالی (۱) :

یک واحد بنائی ازگل یا سنگ رسی که سطح برشی خالص آن در هر صفحه موازی سطح بار برش از شصت درصد سطح برش کل صفحه کمتر و از هفتاد و پنج درصد آن بیشتر نباشد .

آجر (سفال) مجوف (۱) :

یک واحد بنایی مجوف است که از رس پخته ، سنگ رسی ، رس نیم‌پخته یا ترکیبی از همه آنها تشکیل شده و دارای خانه‌های موازی یکدیگر است .

آزمایش حریق استاندارد (۲) :

آزمایش یا آزمایش‌های استاندارد ویژه برای شناسایی مقاومت و رفتار مصالح ، فرآورده‌ها، اعضاء و اجزای ساختمانی در مقابل آتش‌سوزی، که مشخصات اجرایی آنها بعداً به وسیله مقررات مربوط به خود تعیین خواهد شد.

آزمایشگاه (۷) :

آزمایشگاه مکانیک خاک واجد شرایط و مجهز ، که آزمایش‌های موردنظر مهندس ژئوتکنیک بر روی نمونه‌های برداشت شده در شناسایی محلی در آنجا انجام شود.

آسانسور (۱۵) :

وسیله‌ای است متشکل از کابین و معمولاً وزنه تعادل و اجزاء دیگر که با روش‌های مختلفی مسافر (نفر) یا بار یا هر دو را در مسیر بین طبقات ساختمان جابجا می‌کند.

آسانسور بار (۱) :

نوعی از آسانسور که برای حمل بار و دارای متصدی مربوطه و افرادی که برای نقل و انتقال بار لازم‌اند و نیز کسانی که از مسئولین ساختمان اجازه ویژه دارند .

آسانسور دستی (۱) :

نوعی از آسانسور باری، که با نیروی انسانی بالا و پایین می‌رود.

آسانسور کششی (۱۵):

نوعی از آسانسور که حرکت آن بر اثر اصطکاک بین سیم بکسل و شیار فلکه کشش، به هنگام چرخش آن توسط سیستم محرکه انجام میشود (ر.ک. شکل ۱۵-۲-۱-۱ مبحث ۱۵)

آسانسور مصالح ساختمانی (۱):

وسیله‌ای است که توسط انرژی الکتریکی کار می‌کند و برای بالا و پایین بردن یا حمل و نقل بار در امتداد قائم در محدوده یک طبقه از بنا یا سازه به کار می‌رود.

آسانسور همکف (۱):

نوعی آسانسور باری که بین یک پیاده‌رو یا محل دیگری خارج از ساختمان و ترازهایی در داخل ساختمان که پایین‌تر از آن محل باشند، کار می‌کند و در حدود فوقانی مسیر حرکت خود به داخل ساختمان، ایستگاهی ندارد و برای حمل اتومبیل نیز از آن استفاده نمی‌شود.

آسانسور هیدرولیکی (۱۵):

در این نوع آسانسور عامل حرکت کابین، سیلندر و پیستون هیدرولیکی است و ممکن است وزنه تعادل نیز داشته باشد و معمولاً برای ارتفاعات کم و سرعت‌های کم کاربرد دارد (ر.ک. شکل ۱۵-۲-۱-۲ مبحث ۱۵)

آسایش (۲):

تأمین راحتی جسمی و روانی مردم.
آگهی علائم تصویری و تابلو (۲۰):
شامل پیام تصویری رنگ و مطالب آنها است.

آلاینده‌های هوا (۱۴):

ذرات جامد، گازها، بویها، دود، ذرات آب و هرگونه ترکیبی از گازهای زیان‌آور، که ممکن است در هوا باشد. بخار آب همراه با هوا آلاینده محسوب می‌شود.

آلودگی ظاهری (۱۶):

آلودگی آب در حدی که کیفیت آن از نظر سلامتی غیربهداشتی نباشد ولی خصوصیات ظاهری آن، مانند رنگ، طعم، بو و غیره در حدی باشد که نتوان آن را به عنوان آب آشامیدنی مناسب دانست.

آلودگی غیربهداشتی (۱۶):

وارد شدن مواد زیان‌آور در لوله‌کشی توزیع آب آشامیدنی، که ممکن است آن را سمی کند یا موجب انتشار بیماری‌های ناشی از فاضلاب شود و از این طریق برای سلامتی عمومی خطر جدی ایجاد نماید.

آویز (۱۴) و (۱۶):

وسیله‌ای دائمی برای آویختن لوله از یک نقطه ثابت و نگهداشتن آن در ارتفاع پیش‌بینی شده، که در این حالت لوله امکان حرکت محدود طولی و عرضی دارد.

آهک ساختمانی (۵):

ماده چسباننده ساختمانی و به عبارت دیگر نوعی سیمان است.

اتصال (۱۴):

چگونگی متصل کردن لوله به لوله، لوله به فتینگ یا فتینگ به فتینگ، در یک سیستم لوله‌کشی. اتصال ممکن است به کمک یک قطعه واسط، یا بدون آن، باشد.

اتصال (۱۶):

۱- اتصال برگشت جریان:

هر اتصالی در لوله‌کشی که ممکن است موجب برگشت جریان شود.

۲- اتصال فشاری:

هر نوع اتصال که به کمک یک واشر یا خمیر آب‌بندی صورت گیرد و در آن دهانه یکی از لوله‌ها به داخل لوله دیگر وارد و فشرده شود.

۳- اتصال غیرمستقیم فاضلاب:

لوله فاضلاب خروجی از لوازم بهداشتی و مصرف‌کننده‌های دیگر که مستقیماً به لوله فاضلاب بهداشتی

ساختمان متصل نمی‌شود. فاضلاب از این لوله با فاصله هوایی به داخل یک سیفون، یکی از لوازم بهداشتی، یا هر دریافت کننده فاضلاب، مانند ترنج روی کف یا کفشوی، می‌ریزد.

۴- اتصال قابل انبساط:

هر نوع اتصال که به صورت قطعه انبساط، حلقه انبساط، خم بیش از ۹۰ درجه یا دو خم با لوله برگشت، انقباض و انبساط لوله را امکان پذیر سازد.

۵- اتصال قابل انعطاف:

هر نوع اتصال بین دو لوله که به یکی از آنها امکان خم شدن یا حرکت بدهد، در حالی که لوله دیگر بدون خم شدن و بدون حرکت باقی بماند.

۶- اتصال لحیمی بدون سرب:

اتصال که در آن مقدار سرب در مفتول لحیم کاری و در تنه کار بیش از ۰/۲ درصد نباشد.

۷- اتصال مستقیم، در لوله‌کشی توزیع آب:

هر اتصال فیزیکی بین دو شبکه لوله‌کشی جداگانه، که یکی از این دو شبکه لوله‌کشی توزیع آب آشامیدنی باشد و دیگری لوله‌کشی آب، بخار، گاز، محلول‌های شیمیایی یا هر سیال دیگر نا مطمئن از نظر بهداشتی و ایمنی باشد و این اتصال فیزیکی، بر اثر اختلال فشار، موجب جریان سیال از یک شبکه به شبکه دیگر شود.

۸- اتصال مکانیکی:

اتصال لوله به لوله، لوله به فی‌تینگ، فی‌تینگ به فی‌تینگ، غیر از اتصال دنده‌ای، سرب و کف واشر و خمیر، لحیمی، جوشی یا سیمانی. اتصالی که در آن، قطعات در امتداد محور به هم فشرده میشوند. گاه اتصال، قسمتی از یک کویلینگ یا آداپتور است.

اتصال خورجینی (۶) :

نوعی اتصال تیر به ستون است که در آن تیرها از دو طرف ستون عبور می‌نمایند و هر تیر با دو نبشی از بالا و پایین به ستون وصل می‌شود.

اتصال زمین عملیاتی (۱۳) :

(اتصال زمین برای هدف‌های عملیاتی)
اتصال به زمینی که برای کار صحیح تجهیزات لازم می‌باشد و یا شرایطی را فراهم می‌آورد که کار قابل اطمینان تأسیسات تضمین شود.

اتصال فتینگ فشاری (۱۴) :

نوعی از اتصال در لوله‌کشی مسی با استفاده از فتینگ فشاری. این اتصال ممکن است با گشاد کردن دهانه لوله یا به کمک یک قطعه واسط برنجی انجام گیرد.

دهانه یک سر قطعه واسط به دهانه لوله مسی فشرده می‌شود و دهانه سر دیگر قطعه واسط، با پیچاندن مهره آن به دهانه لوله، شیر یا دستگاه با اتصال دنده‌ای، متصل می‌شود.

اتصال لحیمی موئینگی (۱۴) :

نوعی از اتصال در لوله‌کشی مسی، با ذوب کردن مفتول لحیم کاری، در این اتصال لحیم ذوب می‌شود و با کشش موئینگی فاصله بین سطح خارجی انتهای نری لوله یا فتینگ و سطح داخلی انتهای مادگی لوله یا فتینگ را پر می‌کند. اگر دمای ذوب مفتول لحیم کاری زیر ۴۲۷ درجه سانتیگراد (۸۰۰ درجه فارنهایت) باشد لحیم کاری نرم و اگر دمای ذوب بالاتر باشد لحیم کاری سخت نامیده می‌شود.

اثر p-A ()

اثر ثانوی بر روی برش‌ها و لنگرهای اجزای قاب است که به واسطه عملکرد بارهای قائم بر روی سازه تغییر شکل یافته ایجاد می‌شود.

اجزای جمع‌کننده (۹) :

اجزایی که بخشی از نیروهای اینرسی ناشی از زلزله داخل دیافراگم را به سیستم مقاوم در برابر بارهای جانبی منتقل می‌کنند.

اجزای لبه (۹) :

اجزایی در امتداد لبه دیوارها یا دیافراگمها که با آرماتورهای طولی و عرضی تقویت شده باشند. این اجزا می‌توانند هم ضخامت دیوارها یا دیافراگمها و یا ضخیمتر از آنها باشند. در صورت لزوم می‌توان در لبه‌های بازشوها در دیوارها و دیافراگمها نیز از اجزای لبه استفاده کرد.

احتراق گاز (۱۷) :

سوختن یا اکسیداسیون سریع گاز که معمولاً با ایجاد گرما و شعله همراه است.

احداث (۱۹) :

برپا کردن ساختمان در روی زمین خالی.

احداث بنا (۲) :

ایجاد ساختمان در قطعه زمین معین.

ارتفاع طبقه و بنا (۳) :

منظور از ارتفاع یک طبقه، فاصله قائم از کف تمام شده آن طبقه تا کف تمام شده طبقه بالاتر است. ارتفاع طبقه آخر بنا، حداقل فاصله کف تمام شده آن طبقه تا کف تمام شده متوسط سطح بام ساختمان می‌باشد. ارتفاع بنا به ارتفاع تمام طبقات یا فاصله قائم از کف زمین طبیعی تا متوسط ارتفاع بام ساختمان گفته می‌شود.

اضافه جریان (۱۳) :

هر جریانی که بیش از جریان اسمی باشد.

اعضاء باربر (۲) :

اعضایی از ساختمان که بار مرده و زنده ساختمان را به شالوده‌ها انتقال می‌دهند.

افزایش بنا (۳) :

انجام هرگونه عملیات ساختمانی که سطح یا حجم یک بنا را افزایش دهد.

الکتروود زمین (۱۳) :

یک قطعه یا قسمت هادی یا گروهی متشکل از قطعات هادی که در تماس بسیار نزدیکی با زمین بوده و با آن اتصال الکتریکی برقرار می‌کند.

الکترودهای زمین مستقل (۱۳) :

از نظر الکتریکی (الکتروود زمین مستقل) الکترودهایی هستند که فاصله آنها از همدیگر به قدری است که در صورت عبور حداکثر ممکن جریان از یکی از آنها، پتانسیل سایر الکترودها به نحوی قابل ملاحظه تغییر نکنند.

امواج صوتی هوابرد (۱۸) :

به امواج صوتی گفته می‌شود که محیط انتشار آن هواست.

انتهای بسنه (کور) (۱۶) :

انتهای شاخه افقی فاضلاب (Branch Discharge) که با کلاهک، دریوش یا هر وسیله دیگری مسدود شده باشد و طول آن، پس از اتصال آخرین انشعاب فاضلاب، بیش از ۶۰ سانتی‌متر باشد.

اوپراتور (۴) :

ر.ک. تبخیر کننده

ایمنی (۲) :

تأمین سلامتی و اطمینان فرد و جامعه در برابر آسیبهای احتمالی.

ایمنی عمومی (۱۲) :

ایمنی عبارت است از:

الف) ایمنی کلیه کارگران و افراد متفرقه که به نحوی در محیط کارگاه با عملیات ساختمانی ارتباط دارند.

ب) ایمنی کلیه افرادی که در مجاورت یا نزدیکی (تا شعاع مؤثر) کارگاه ساختمانی، عبور و مرور، فعالیت یا زندگی می‌کنند.

پ) حفاظت و مراقبت از ابنیه، وسایل نقلیه، تأسیسات، تجهیزات و نظایر آن در داخل کارگاه ساختمانی یا مجاورت آن

اینرسی حرارتی (۱۹):

قابلیت کلی پوسته خارجی و دیوارهای داخلی در ذخیره کردن انرژی (با جذب آن) و باز پس دادن آن (در صورت لزوم) برای به حداقل رسانیدن نوسان‌های دما و بار گرمایی-سرمایی در فضاهای کنترل شده ساختمان. گروه‌بندی اینرسی حرارتی کلی ساختمان با استفاده از جرم سطحی مفید ساختمان (ر.ک. به پیوست ۱مبحث ۱۹) صورت می‌گیرد.

بار وارده (۱۶):

مجموعه کلیه نیروهایی است که به تکیه‌گاه وارد می‌شود و شامل وزن لوله، سیال داخل آن، فیتینگ‌ها، شیرها، عایق و نیز کلیه نیروهایی که بر اثر انقباض و انبساط، فشارهای استاتیکی و دینامیکی، باد، برف یا یخبندان، و غیره به تکیه‌گاه وارد می‌شود.

بازارچه (۳):

مجموعه‌ای بنا که برای عرضه غیرمتمرکز کالاها مختلف در نظر گرفته شده، و یک راه عبور و مرور عمومی با حداقل ۹ متر عرض را در بر می‌گیرد.

بازسازی (۱۹):

دوباره سازی بخشهای عمده‌ای از ساختمان که در اثر سانحه یا فرسودگی آسیب دیده‌اند.

بازشو (۱۹):

کلیه سطوح در پوسته خارجی ساختمان که برای ایجاد دسترسی، تأمین روشنایی، دید به خارج، خروج گاز حاصل از سوخت، تهویه و تعویض هوا ایجاد می‌گردند. (مثل انواع درها، دریچه‌ها، پنجره‌ها، نمای شیشه‌ای، نورگیرها، هواکش‌ها، دودکش‌ها و ...)

بازگردانی هوا (۱۴):

توزیع دوباره هوای برگشتی، که قبلاً در فضا توزیع شده است.

بالابر (۳):

اتاقک یا سکویی که به مکانیسم بالا و پائین شدن در مسیر قائم و ثابت مجهز باشد.

بالاسری (۱۵):

فاصله قائم بین کف بالاترین توقف تا زیر سقف چاه آسانسور را بالاسری گویند. این فاصله برای جلوگیری از برخورد تعمیرکاران یا اجزاء فوقانی کابین با سقف چاه پیش‌بینی می‌شود و اندازه آن متناسب با نوع و سرعت آسانسور از جداول استاندارد بدست می‌آید. (پیوست ۲مبحث ۱۵)

بام تخت (۱۹):

پوشش نهایی هر قسمت از ساختمان که شیبی کمتر یا مساوی ۱۰ درجه نسبت به سطح افقی دارد. بامهای تخت بخشی از پوسته خارجی ساختمان محسوب می‌شوند.

بام شیب‌دار (۱۹):

پوشش نهایی ساختمان که شیبی بیشتر از ۱۰ درجه و کمتر از ۶۰ درجه نسبت به سطح افقی دارد. در بالای سقف شیب‌دار فضای خارج و در زیر آن فضای کنترل شده یا کنترل نشده قرار دارد. در صورتی که فضای زیرین کنترل شده باشد، بام شیب‌دار بخشی از پوسته خارجی ساختمان محسوب می‌شوند.

بتن پوسته (۹):

بتن قسمتی از مقطع عضو که در خارج از قسمت محصور شده با میلگردهای عرضی، هسته، واقع شده باشد.

بخاری اتاقی با دودکش (۱۴):

وسیله‌ای که با سوخت گاز، مایع یا جامد کار می‌کند و برای گرمایش مستقیم اتاقی که در آن نصب شده است، بدون کانال‌کشی توزیع هوای گرم، استفاده می‌شود.

بخاری اتاقی بدون دودکش (۱۴):

بخاری اتاقی گازسوز، که برای گرم‌کردن موضعی فضا به کار می‌رود، این دستگاه به صورت تابشی و یا جابجایی طبیعی هوا، یا با پروانه برقی، هوا را گرم می‌کند. این دستگاه دودکش ندارد.

بدنه هادی (۱۳):

بدنه‌های هادی (فلزی) و اجزای دیگر تجهیزات الکتریکی که هادی می‌باشند و می‌توان آنها را لمس نمود و بطور عادی برقرار نیستند اما در حالت وجود اتصالی، ممکن است برقرار شوند.

برچسب انرژی (۱۹):

برچسبی که توسط مقامات ذیصلاح بر روی تولیدات صنعتی مورد استفاده در ساختمان نصب می‌شود تا حد کیفیت محصولات از بعد مصرف انرژی مشخص گردد.

برش پایه (۶):

مقدار کل نیروی جانبی و یا برش طرح در تراز پایه

برش طبقه (۶):

مجموع نیروهای جانبی طراحی در ترازهای بالاتر از طبقه مورد نظر

برق گرفتگی (۱۳):

پدیده‌ای است پاتوفیزیولوژیکی که در نتیجه عبور جریان الکتریکی از بدن انسان یا حیوان به وجود می‌آید.

برگ پایان کار (۲):

برگی که توسط شهرداری‌ها در اختیار ناظر (ناظران) قرار می‌گیرد و ناظر (ناظران) با تکمیل و ارائه آن به مرجع صدور پروانه، پایان عملیات ساختمانی را اعلام می‌کند.

برگ تعهد (۲):

برگی که توسط شهرداری‌ها در اختیار هر یک از طراحان و ناظران ساختمان قرار داده می‌شود تا براساس مفاد آن انجام وظایف مربوط را درباره ساختمان مشخص تعهد کنند.

برگ شروع کار (۲):

برگی که توسط ناظر (ناظران) تکمیل می‌شود و پس از امضای ناظر، مجری و مالک به شهرداری‌ها تحویل و شروع عملیات ساختمانی به موجب آن اعلام می‌شود.

برگشت جریان (۱۶):

برگشت جریان آب، مایعات، مواد یا محلول‌های دیگر به داخل شبکه لوله‌کشی توزیع آب آشامیدنی، از هر شبکه لوله‌کشی یا منبع دیگر.

بسامد (۱۸):

بسامد به تعداد نوسانات چرخه‌ای و تکرارپذیر یک موج در ثانیه گفته می‌شود واحد تعداد چرخه‌ها در ثانیه هرترز نامیده می‌شود.

بسامد مرکزی استاندارد شده بندهای یک سوم هنگامی (۱۸):

بسامد مرکزی بندهای یک سوم هنگامی که در میحث ۱۸ مقررات ملی ساختمان مورد استفاده قرار می‌گیرد بشرح زیر است:

| | | | | | | | | |
|------|-----|-----|------|------|------|------|------|------|
| هرتز | ۱۰۰ | ۱۲۵ | ۱۶۰ | ۲۰۰ | ۲۵۰ | ۳۱۵ | ۴۰۰ | ۵۰۰ |
| | ۶۳۰ | ۸۰۰ | ۱۰۰۰ | ۱۲۵۰ | ۱۶۰۰ | ۲۰۰۰ | ۲۵۰۰ | ۳۱۵۰ |

بسامد مرکزی استاندارد شده بندهای یک هنگامی (۱۸):

بسامد مرکزی بندهای یک هنگامی که در میحث ۱۸ مقررات ملی ساختمان مورد استفاده قرار می‌گیرد بشرح زیر است:

| | | | | | | | | | |
|------|------|----|-----|-----|-----|------|------|------|------|
| هرتز | ۳۱/۵ | ۶۳ | ۱۲۵ | ۲۵۰ | ۵۰۰ | ۱۰۰۰ | ۲۰۰۰ | ۴۰۰۰ | ۸۰۰۰ |
|------|------|----|-----|-----|-----|------|------|------|------|

بست (۱۴):

ر.ک. تکیه گاه.

بست (۱۶):

وسیله‌ای دائمی که لوله را می‌گیرد و در حالت یا موقعیت معینی نگه می‌دارد.

بناهای ضروری (۶):

آن دسته از بناهایی است که لازم است پس از وقوع زلزله قابل بهره‌برداری باقی بمانند.

بناک موجود (۳):

بنایی که مطابق مقررات و قوانین گذشته اجرا و تکمیل شده است.

بهداشت (۳):

استفاده از طرحها و مصالحی که آثار زیانبار برای مردم در بر نداشته باشد.

بهره‌دهی مناسب (۳):

تأمین شرایط استفاده از مناسب‌ترین طرحها و مصالح و روشها.

بهسازی (۱):

امروزی کردن ساختمان موجود، از طریق تغییر تیغه‌بندی و فضاها، ناماسازی، تأسیسات مکانیکی و برقی و یا

تقویت عناصر باربر با حفظ استخوان بندی (پی و عناصر باربر)؛

پای کار (۱۱) :

محلّی است که ساختمان فولادی در آن بنا می شود.

پایه (۱۶) :

وسیله‌ای که بار قائم یک لوله قائم را، از انتهای تخرانی آن، به فونداسیون یا اسکلت دیگری منتقل می‌کند.

پایانه حرارتی (۱۹) :

بخشی از یک سیستم مرکزی سرمایی یا گرمایی که در آخر مدار قرار دارد و انرژی منتقل شده توسط مدار توزیع را به فضا یا فضاها کنترل شده انتقال می‌دهد (مانند رادیاتور).

پرچم (۲۰) :

علائمی منصوب بر پایه از مصالح قابل انعطاف مثل پارچه و... است.

پروانه اشتغال به کار (۲) :

سندی که توسط وزارت مسکن و شهرسازی به عنوان مجوز اشتغال دارنده آن، براساس قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان صادر می شود.

پروانه ساختمان (۲) :

سندی که توسط مرجع صدور پروانه ساختمان به عنوان مجوز عملیات ساختمانی با شرایط معین در ملک مشخص صادر می شود.

پلاستیک های ساختمانی (۵) :

واژه پلاستیک که امروزه به طور معمول به کار می رود، اشاره به گروهی از مواد مصنوعی دارد که از یک سری مواد معمولی همچون زغال سنگ، نمک، روغن، نفت، گاز طبیعی، پنبه، چوب و آب ساخته شده اند. از این مواد، مواد شیمیایی نسبتاً ساده ای به نام منومر که قادر به انجام واکنش به یکدیگرند، تولید می شود. از بهم پیوستن منومرها، مولکولهای زنجیره ای با جرم مولکولی بسیار زیاد به نام پلیمر حاصل می شود. مواد اصلی پلاستیکها را پلیمرها تشکیل می دهند. به طور کلی پلاستیک ترکیب شده است از جسم چسبنده و جسم پرکننده (گردهای آلی یا معدنی رشته های نخی، پارچه ها و ورقها). برای بهره گیری بیشتر معمولاً پلاستیک با یک یا چند جسم دیگر ترکیب می شود تا ویژگی های فیزیکی دلخواه در فرآورده بدست آید. مواد نرم کننده برای کار پذیری بیشتر، مواد پرکننده برای افزایش حجم و در نتیجه ارزانتر شدن، الیاف برای افزایش تاب و پایایی مواد سخت کننده به منظور گیرش سریعتر به مواد پلاستیکی افزوده می شود.

پلاک (۲۰) :

تابلوهای کوچک با حداکثر مساحت تعیین شده در مقررات که پیامهایی چون معرفی کاربری‌های مستقر در بنا دارد.

پل حرارتی (۱۹) :

نقاطی از ساختمان که به علت عدم تداوم و یکپارچگی عایق حرارت پوسته خارجی ساختمان باعث افزایش میزان انتقال حرارت می‌گردند.

پلکان خارجی (۲) :

پلکانی که حداقل از یک طرف در ارتباط مستقیم با فضای آزاد باشد.

پلکان متحرک (۲) :

پلکانی که به کمک وسایل و دستگاههای مکانیکی حرکت کند. (ر.ک. بند ۱-۳-۴-۶-۴-۶ میبحث ۳)

پلنوم (۱۴) :

قسمت بسته ای از ساختمان که به منظور جا به جایی هوا طراحی شده و بخشی از یک سیستم توزیع هوا را تشکیل می دهد.

پمپ حوضچه فاضلاب یا آب باران (۱۶) :

پمپ مخصوص انتقال فاضلاب یا آب باران به تراز بالاتر. این پمپ که با موتور برقی کار می‌کند، از سطح فاضلاب یا آب باران داخل حوضچه فرمان می‌گیرد و قطع و وصل می‌شود.

پنجره حریق (۲) :

پنجره ای که با « آزمایش حریق استاندارد حائز شرایط مقاومت و محافظت در برابر حریق متناسب با محل استقرار خود باشد.

پنجره چشمی (۲) :

پنجره ای که فقط برای تأمین دید به فضای مجاور تعبیه شده باشد.

پوزولان (۹) :

مواد سیلیسی یا سیلیسی و آلومینی که خود به تنهایی فاقد ارزش چسبانندگی بوده و یا دارای ارزش چسبانندگی کم هستند، اما به شکل ذرات بسیار ریز در مجاورت رطوبت طی واکنش شیمیایی با هیدروکسید کلسیم در دمای معمولی ترکیب هایی با خاصیت سیمانی به وجود می آورند.

مصرف مواد پوزولانی در بتن می تواند برای تأمین یک یا چند خاصیت مشروح زیر باشد:

کاهش میزان سیمان

کاهش سرعت و میزان حرارت حاصل از فرآیند آبیگری سیمان

بهبود کارایی بتن

افزایش مقاومت بتن

افزایش پایایی بتن از طریق کاهش نفوذ پذیری

پوسته خارجی (۹):

کلیه سطوح پیرامونی ساختمان، اعم از دیوارها، سقفها، بازشوها، سطوح نورگذر و نظایر آنها که از یک طرف با فضای خارج و یا فضای کنترل نشده، و از طرف دیگر با فضای کنترل شده داخل ساختمان در ارتباط هستند. پوسته خارجی الزاماً در تمام موارد با پوسته فیزیکی ساختمان یکی نیست، زیرا پوسته فیزیکی ممکن است دربرگیرنده فضاهای کنترل نشده نیز باشد. پوسته خارجی ساختمان شامل عناصری که در وجه خارج خود مجاور خاک و زمین هستند نیز می باشد.

پوسته فیزیکی (۱۹):

کلیه سطوح پیرامونی ساختمان، اعم از دیوارها، سقفها، کفها، بازشوها و نظایر آنها که از یک طرف با فضای خارج و از طرف دیگر با فضای داخل یا فضای کنترل نشده در ارتباط هستند.

پیمانکار (۱۲):

شخصی حقیقی یا حقوقی که عملیات ساختمانی را بر طبق قرارداد کتبی که فیما بین وی و صاحب کار و یا پیمانکاران دیگر منعقد شده، عهده دار می شود.

پی (۷):

مجموعه بخشهایی از سازه و خاک در تماس با آن که انتقال بار بین سازه و زمین، از طریق آن صورت می پذیرد « پی نام دارد. به طور کلی پی ها به چهار گروه عمده تقسیم می گردند:

پی های سطحی یا شالوده

پی های عمیق، مانند پی های شمعی

پی های نیمه عمیق، مانند پی های چاهی

پی سازی (۷):

اتخاذ تدابیر لازم و اجرای در خور آنها به منظور تأمین پایداری هر نوع ساختمان برای بوجود آوردن تعادل مناسب بین بنا و زمین در تماس با آن پی سازی نام دارد.

پی های سطحی (۷):

ر.ک. شالوده ها

پی های عمیق (۷):

آن دسته از پی ها را که نسبت عمق آنها به کوچکترین بعد افقیشان از ۶ تجاوز کند، پی های عمیق می نامند. انواع پی های شمعی، دیوارکها، و دیوارهای جداکننده از جمله پی های عمیق اند. پی های عمیق معمولاً به وسیله یک سازه میانجی که شالوده نامیده می شود بارهای سازه را می گیرند و به زمین منتقل می کنند.

پی های نیمه عمیق (۷):

پی های نیمه عمیق، مانند پی های چاهی، حد فاصل شالوده ها و پی های شمعی را تشکیل می دهند، نحوه محاسبه این گونه پی ها بیشتر شبیه محاسبه شالوده ها است.

پی های ویژه (۷):

پی های ویژه، مانند پی های با صندوقه، مهارها، ستونهای شنی و غیره، با سه گونه قبلی پی ها تفاوت زیادی دارند و برای انتقال بارهای سازه به زمین، ممکن است با بهره گیری از فشار، کشش یا اصطکاک کار کنند.

می توان به منظور عمومیت بخشیدن به مسأله انتقال نیرو بین سازه و خاک اطراف، پوششهای تونلها را هم از جمله پی های ویژه به حساب آورد. با این دید سازه های نگهبان، مانند سپرهای فلزی، دیوارهای جدا کننده و غیره نیز پی ویژه به حساب می آیند.

تأسیسات الکتریکی (۱۲):

مجموعه‌ای از تجهیزات الکتریکی به هم پیوسته، برای انجام هدف یا اهداف معین که دارای مشخصه‌های هماهنگ و مرتبط باشند.

تأیید شده، تصویب شده (۳):

تأیید و تصویب مصالح، لوازم و تأسیسات ساختمانی، طرحها، روشها و ساختارها، یعنی تأیید و تصویب آنها توسط مقامات قانونی مسئول، مراکز و آزمایشگاهها دارای صلاحیت که مطابق ضوابط، استانداردها و مقررات مربوطه، با انجام آزمایش و بررسی مستقیم یا غیر مستقیم (توسط اشخاص مورد اعتماد، یا بر حسب اصول مطمئن از طرف مقامات ذیصلاح و نهادهای علمی و فنی شناخته شده) صورت می‌گیرد.

تأیید و تصویب تصرف، یعنی تأیید و تصویب یک یا چند نوع بهره‌گیری از بنا، که بنا بدان مقاصد مورد استفاده قرار خواهد گرفت، توسط مقامات دارای صلاحیت قانونی و مسئول که مطابق مقررات مربوطه با استناد به ارائه ادله دقیق و قاطع برای هماهنگی کامل ساختمان با مقررات اصولی در مورد آن تصرف یا تصرفها انجام می‌شود.

تابلو کنترل آسانسور (۱۵):

مجموعه‌ای است شامل مدارهای فرمان و قدرت که وظیفه کنترل حرکت کابین و پاسخگویی به احضار را بعهده دارد، قسمت فرمان در انواع قدیمی از رله‌های متعدد و در انواع جدید عموماً از ریز پردازنده‌ها و سایر قطعات الکترونیکی ساخته می‌شود.

تابلوها و علائم تصویری (۲۰):

علائمی است که با ترکیبی از شکل، رنگ، نوشته، سمبل و نشانه تصویری دیده می‌شود و حاوی پیام مشخصی باشد. ممکن است دارای سازه یا فاقد آن بوده، به ساختمان یا دیواری الصاق یا روی زمین و نرده و امثال آن قرار گیرد.

تابلوها و علائم تصویری الکتریکی (۲۰):

تابلویی که سیم‌کشی برق داشته و کارکرد آن گاهی یا در همه اوقات با نیروی برق است. ولی علائم تصویری و تابلوهایی که با منبع روشنایی خارجی نورپردازی می‌شوند مشمول آن نیستند.

تابلوها و علائم تصویری ایستاده (با پایه مستقل) (۲۰):

توسط پایه نگهدارنده روی زمین قرار می‌گیرند. پایه نگهدارنده می‌تواند سازه خاص تابلو یا نرده یا دیوار باشد.

تابلوها و علائم تصویری ایمنی در ساختمانها و کارگاهها (۲۰):

علائمی را که دارای پیامهای منع کننده کاری خطرناک یا هشدار وجود خطری یا الزام به انجام کاری یا راههای گریز از خطر یا کمک‌های اولیه را از جهت کارکرد نشان میدهد و شامل انواع زیر است:

علائم تصویری بازدارنده

علائم تصویری هشدار دهنده

علائم تصویری الزام کننده

علائم تصویری آگاه کننده نسبت به شرایط ایمن

علائم تصویری مربوط به تجهیزات اطفای حریق

علائم مکمل جهت دار برای دسترسی به وسائل اطفای حریق

علائم خروج اضطراری و مسیرهای فرار

علائم مکمل برای نشان دادن جهت خروج اضطراری

علائم تصویری مربوط به کمک های اولیه

تابلوها و علائم تصویری حجم‌دار (۲۰):

تابلوهایی که ضخامت آنها بیش از ۲۵ سانتیمتر بوده و یا در آنها از عناصر حجم‌دار که بیش از ۲۵ سانتیمتر ضخامت دارند استفاده شده باشد.

تابلوها و علائم تصویری روی بام (۲۰):

هر نوع علامت تصویری که بر بام ساختمان نصب گردد.

تابلوها و علائم تصویری روی سایبان (۲۰):

تابلوهایی که به سایبانهای بنا نصب یا ترسیم شده و یا از آنها آویخته باشند. چنین سایبان‌هایی عبارتند از: سازه‌هایی که با پوشش‌های مناسب پوشانده شده و از جداره ساختمان بیرون زده و بخشی از فضای مجاور بنا را می‌پوشانند.

تابلوه‌ها و علائم تصویری طره (عمودی) (۲۰):

تابلوهایی که به صورت عمود بر دیواره یا نمای ساختمان و سازه نصب می‌گردند.

تابلوه‌ها و علائم تصویری قابل حمل (۲۰):

تابلوهایی که قابلیت جابجائی به مکانی دیگر دارند.

تابلوه‌ها و علائم تصویری کتیبه (افقی) (۲۰):

تابلوهایی که مستقیماً منطبق و متصل به دیواره خارجی بنا یا عناصر سازه‌ای به صورت موازی با دیوار خارجی بنا نصب می‌گردند.

تابلوه‌ها و علائم تصویری متحرک (۲۰):

تابلوهایی که تمام یا بخشی از آنها به منظور خاصی حرکت کند.

تابلوی اطلاع‌رسانی (۲۰):

تابلوهائی که حاوی اطلاعات شهری در محله، ناحیه و یا شهر باشند.

تابلوی انتظامی (۲۰):

تابلویی که پیامی را جهت تنظیم، هشدار یا راهنمایی عبور و مرور وسائل نقلیه یا مردم، به کمک حروف یا علائم، انتقال می‌دهد.

تابلوی تبلیغاتی (۲۰):

تابلویی که اشاره به کسب، خدمات یا تسهیلات و تأسیساتی می‌کند که معرف کاربریهای موجود در محل نصب آن نبوده و یا اگر در آن محل نصب شده، از نظر مسئولین پیامی تبلیغاتی محسوب شود.

تابلوی ترافیکی (۲۰):

ر.ک. تابلوی انتظامی

تابلوی راهنمای شهری و راهنمای مسیر (۲۰):

تابلویی که در حریم خیابانها و یا سایر فضاهای شهری قرار گرفته و اشاره به محل وقوع کاربری، مقصد یا مسیر مناسب برای مراجعه مردم (سواره یا پیاده) می‌نماید.

تابلوی معرف کاربری (۲۰):

تابلویی که دارای هرگونه نوشته شامل حروف، اعداد، اشکال، تصاویر، تزئینات، نمادها، یا نظائر آنها باشد و به منظور پیام‌رسانی درباره معرفی کاربری در همان ملک یا ساختمان نصب شود و از معبر عمومی قابل رویت باشد. (مانند تابلو مغازه‌ها و ادارات و...)

تابلوی نام ساختمان (۲۰):

تابلویی که به منظور معرفی ساختمان، در محل‌های مجاز نصب می‌گردد.

تبخیرکننده/اوپراتور (۱۴):

قسمتی از سیستم که در آن مبرد مایع تبخیر می‌شود و عمل تبرید صورت می‌گیرد.

تجهیزات الکتریکی (۱۳):

وسائل، تجهیزات، لوازم، دستگاهها و مصالحی‌اند که برای تولید، انتقال، توزیع یا مصرف انرژی الکتریکی به کار می‌روند مانند مولدها، لوازم و اسبابها و دستگاههای برقی، وسائل اندازه‌گیری، وسائل حفاظتی، تجهیزات و مصالح سیستمهای سیم‌کشی و لوازم مصرف کننده انرژی الکتریکی.

تجهیزات دستی (۱۳):

تجهیزاتی هستند قابل حمل که در هنگام استفاده عادی در دست گرفته می‌شوند و در آنها، موتور، در صورتیکه وجود داشته باشد قسمتی جدانشدنی از تجهیزات را تشکیل می‌دهد.

تجهیزات نصب ثابت (۱۳):

تجهیزاتی است که به نگهدارهایی محکم شده باشند یا به نحوی دیگر در محل معینی محکم و ثابت شده باشند.

تغییر کاربری: یعنی تغییر نوع بهره‌برداری از ساختمان، که مستلزم سنجش توانهای فضائی (معماری)، سازه‌ای، تأسیسات مکانیکی و تأسیسات برقی [و تأسیسات ترافیکی] ساختمان موجود برای بهره‌برداری جدید و ایجاد تغییرات لازم در معماری، سازه، تأسیسات مکانیکی و تأسیسات برقی است؛ تعمیر: یعنی تعویض اجزاء فرسوده و از کار افتاده ساختمان، گاهی همراه با تغییرات جزئی در فضاها، بدون بهسازی یا با اندکی بهسازی؛

تخریب (۱):

خراب کردن تمام یا بخشهایی از ساختمان موجود برای احداث، بهسازی، بازسازی، تغییر کاربری، تعمیر یا آزاد کردن زمین زیر ساختمان؛

تخریب (۲):

امحاء و از بین بردن ساختمان یا تأسیسات موجود یا بخشی از آن.

تخلیف ساختمانی (۲):

عدم رعایت ضوابط شهرسازی، مقررات ملی ساختمان، نقشه‌ها، مدارک فنی لازم‌الاجرا یا اعمال تغییرات اساسی غیر مصوب در ساختمان یا نادیده گرفتن مندرجات پروانه ساختمانی.

تخلیه خروج (۳):

بخشی از «راه خروج که بین «خروج و معبر عمومی قرار گرفته است.

تخلیه هوا (۱۴):

عمل تخلیه هوا از فضا و هدایت آن به خارج از ساختمان به طور طبیعی یا با وسایل مکانیکی، بدون استفاده مجدد از آن.

تراز پایه (۶):

ترازی است که فرض می‌شود در آن تراز حرکت زمین به سازه منتقل می‌شود یا به عنوان تکیه‌گاه سازه در ارتعاش دینامیکی محسوب می‌شود.

تراز پایه (۹):

ترازی که فرض می‌شود تکان‌های زلزله تا آن تراز از زمین به ساختمان منتقل می‌شود و از آن تراز به بالا ساختمان حرکت جداگانه خود را نسبت به زمین داراست. این تراز لزوماً در محاذات سطح زمین نیست.

تراز صدا (۱۸):

تراز صدا بر حسب دسی‌بل براساس یکی از دو رابطه $L_p = 20 \log \frac{I}{I_0}$ یا $L_p = 20 \log \frac{P}{P_0}$ مشخص می‌گردد که مقدار آنها در عمل با یکدیگر برابرند. (ر.ک. ۱۱-۳-۱-۱۸)

تراز فشار صدای کوبه‌ای (۱۸):

تراز میانگین فشار صدا در یک بند بسامدی مشخص در اتاق دریافت در شرایطی که طرف بالای سقف مورد آزمایش بوسیله دستگاه یاکوب به ارتعاش درآمده باشد. مقدار تراز فشار صدای کوبه‌ای طبق

$$L_f = 20 \log \frac{P_1 + P_2 + P_3 + \dots + P_n}{nP_0}$$

رابطه محاسبه می‌گردد. (ر.ک. ۲۱-۳-۱-۱۸)

تراز فشار صدای کوبه‌ای معمول شده (۱۸):

به شاخصی گفته می‌شود که مقدار تراز فشار صدای کوبه‌ای اندازه‌گیری شده L_f را با توجه به شرایط آکوستیکی داخلی اتاق دریافت معمول می‌نماید. مقدار تراز فشار صدای کوبه‌ای معمول شده طبق

$$L_s = L_f + 10 \log \left(\frac{A}{A_0} \right) = L_f - 10 \log \left(\frac{61.5T}{V} \right)$$

رابطه محاسبه می‌گردد.

(ر.ک. ۲۲-۳-۱-۱۸)

تراز فشار صدای کوبه‌ای معمول شده وزن یافته (۱۸):

کمیتی است تک عددی بر حسب دسی‌بل که برای درجه‌بندی کردن نمودار تراز صدای کوبه‌ای معمول شده تراگسیل یافته از سقف در بسامد ۵۰۰ هرتز که براساس نمودار مبنا درجه‌بندی می‌شود. (ر.ک. ۲۳-۳-۱-۱۸)

تراز فشار صدای وزن یافته (۱۸) (L_{PA}) (A)

$$L_{PA} = 20 \log \left(\frac{P_A}{P_0} \right)$$

تراز فشار صدای وزن یافته A، که بر حسب dB است، براساس رابطه محاسبه می‌گردد. (ر.ک. ۱۳-۳-۱-۱۸)

تراز معادل صدای وزن یافته (۱۸) (a):

تراز معادل صدای وزن یافته با نمودار استاندارد A، که اصطلاحاً L_{eq} گفته می‌شود. عبارت است از مقدار تراز فشار صدای ممتد، پایدار و وزن یافته با نمودار A، که در یک مدت زمان معین T دارای همان فشار صدای موثر است که هر صدای مورد نظر با تراز متغیر دارد. این تراز معادل طبق رابطه

$$L_{AeqT} = 10 \log \left[\frac{1}{T} \int_0^T \frac{P_A^2(t)}{P_0^2} dt \right]$$

مشخص می‌گردد و بر حسب dB است. (ر.ک. ۱۴-۳-۱-۱۸)

تراز طبقه شدن (۱۵):

منظور هم تراز شدن کف کابین با کف تمام شده طبقه در محل ورودی به آسانسور است.

تراگسیل (۱۸):

پدیده‌ای که فرایند انتقال انرژی در یک محیط یا از درون یک جداکننده را مشخص می‌کند.

تراگسیل پیکری (۱۸):

هرگاه جداکننده‌ای به وسیله یک جسم مرتعش به ارتعاش درآید نحوه انتقال یافتن صدای اولیه به فضای موردنظر را تراگسیل پیکری گویند.

تراگسیل هوابرد (۱۸):

هرگاه جداکننده‌ای به وسیله امواج صوتی هوابرد به ارتعاش درآید، نحوه انتقال یافتن صدای اولیه به فضای موردنظر را تراگسیل هوابرد گویند.

ترمینال اصلی زمین (۱۳):

(شینه اصلی زمین)

ترمینال یا شینه‌ای که برای اتصال هادیهای حفاظتی شامل هادیهای همبندی برای هم ولتاژ کردن و هادیهای اتصال زمین عملیاتی (در صورت وجود) پیش‌بینی و نصب می‌شود.

نصرف (۳):

نوع بهره‌گیری از بنا یا بخشی از آن است که به مقاصد معلوم در دست بهره‌برداری بوده و یا قرار است برای آن مقاصد مورد استفاده واقع شود.

تصفیه هوا (۱۴):

روشهایی برای کاهش ذرات داخل هوا، از قبیل میکروارگانیزمها، ذرات معلق، دود، گازها و غیره.

تعمیرات اساسی ساختمان (۲):

هرگونه تعمیری که از نظر تأمین ایمنی یا بهداشت ساختمان ضروری باشد.

تعمیرکار (۱۵):

فرد یا افراد مجاز و متخصص صاحب صلاحیت که وظیفه سرویس و یا تعمیر آسانسور را به عهده دارند.

تعویض هوا (۱۹):

تأمین شرایط بهداشتی در داخل فضای کنترل شده با عوض کردن میزان مشخصی از هوای آن با هوای تازه در هر ساعت.

تعویض هوا یا نهویه (۱۴):

عمل ورود هوا به یک فضا و یا خروج هوا از آن، به طور طبیعی یا با وسایل مکانیکی.

تغییرات (۳):

هرگونه دگرگونی یا تغییر و تبدیل در ساختمان، در راههای خروج از ساختمان و در تأسیسات مکانیکی و برقی ساختمان که به قصد افزایش ساختمان نباشد.

تغییرات اساسی ساختمان (۲):

تغییراتی که با انجام آن مشخصات اصلی معماری یا سازه یا تأسیسات ساختمان عوض شود.

تغییرات جزئی (۲):

تغییراتی که برای انجام آنها نیاز به دریافت پروانه ساختمان نباشد.

در موارد زیر مشروط به رعایت کامل مقررات ملی ساختمان و ضوابط شهرسازی الزامی به دریافت پروانه ساختمان نیست:

الف- مرمت پشت‌بام؛

ب- تعویض کف‌سازی؛

پ- نقاشی، سفیدکاری و نصب کاشی؛

ت- محوطه سازی منوط به عدم حذف پارکینگ؛

ث- تعمیر، تعویض و نصب سرویس‌های بهداشتی؛

ج- تعویض در و پنجره مشروط به عدم تغییر در وضعیت معماری و فنی ساختمان؛

چ- تعمیر یا تعویض لوله‌کشی مشروط به عدم تغییر در مشخصات تأسیسات مکانیکی ساختمان؛

ح- حفر چاه اضلاب؛

خ- احداث سرویس بهداشتی مجزا از ساختمان، حداکثر به مساحت دو متر مربع؛

د- تعویض یا ترمیم دیوار غیر باربر که بر اصلاحی نداشته باشد.

ذ- تجدید نامسازی با همان روش و مصالح قبلی؛

تغییر کاربری ساختمان (۲):

عوض کردن کاربری ساختمان از نوعی به نوع دیگر (مثلاً مسکونی به تجاری)؛

تغییر کاربری (۱۹):

تغییر نوع بهره‌وری از ساختمان موجود.

تغییر مکان نسبی طبقه (۶):

تغییر مکان جانبی یک کف نسبت به کف پایین آن.

نکته‌گاه (۱۶):

وسیله‌ای دایمی که بست لوله را به اجزای ساختمان متصل می‌کند و در حالت یا موقعیت معینی نگه می‌دارد.

نکته‌گاه (بست) (۱۴):

وسیله‌ای دائمی که لوله را در حالت یا موقعیت معین نگاه می‌دارد.

نکته‌گاه لغزنده (۱۶):

وسیله‌ای مرکب از دو قطعه مسطح یا منحنی که یکی از آنها به لوله متصل می‌شود و حرکت لغزشی لوله را در امتداد طولی یا عرضی امکان‌پذیر می‌سازد.

تماس غیرمستقیم (۱۳):

تماس اشخاص و حیوانات اهلی (دام) با بدنه‌های هادی‌ای است که در شرایط بروز اتصالی، برقرار شده‌اند.

تنش (۱۷):

نیروی مقاوم بر واحد سطح است که به صورت‌های کششی، فشاری، برشی، پیچشی ایجاد می‌گردد.

تنظیم کننده مکش (۱۴):

وسیله‌ای که در دستگاه، لوله رابط یا کلاهی تعادل دودکش نصب می‌شود و با وارد کردن مقداری هوا به داخل آن، مکش دودکش را بطور خودکار به میزان معینی ثابت نگاه می‌دارد.

تنظیم مجدد خودکار (۱۴):

در صورتیکه شیراظمینان قطع سوخت مشعل دیگ، به علت یک مشکل و با فرمان کنترل، بسته شود، فرآیند راه‌اندازی مجدد آن بطور خودکار صورت گیرد. مثلاً در دیگ‌های گروه H₂O و C شیر قطع خودکار سوخت باید با امکان تنظیم مجدد خودکار باشد، که برنامه کنترل مشعل فرمان بگیرد.

تنظیم مجدد دستی (۱۴):

در صورتیکه مشعل دیگ، به علت یک مشکل و با فرمان کنترل، خاموش شود فرآیند راه‌اندازی مجدد آن بطور دستی صورت گیرد. مثلاً در دیگ‌های آب گرم کنترل دمای حد بالا باید با امکان تنظیم مجدد دستی باشد.

تنظیم‌کننده فشار گاز (رگولاتور) (۱۷):

وسیله‌ای است که فشار شبکه توزیع گاز را در یک مرحله تقلیل داده و آن را به میزان مجاز برای مصرف خانگی یا تجاری، ثابت نگه می‌دارد.

تنگ ویژه (۹):

خاموتی است بسته متشکل از یک یا چند میلگرد که هر یک از آنها در دو انتها به قلاب ویژه ختم شده باشند. تنگ ویژه می‌تواند بصورت دورپیچ باشد و در دو انتها به قلاب ویژه ختم شود.

توسعه (۱۹):

گسترش ساختمان موجود در سطح یا افزودن طبقات به آن.

توسعه بنا (۲):

افزایش سطح زیربنای ساختمان اعم از گسترش افقی یا عمودی ساختمان.

تهویه (۱۴):

ر.ک. تعویض هوا؛

تهویه (۱۹):

روند دمیدن و یا مکیدن هوا از طریق طبیعی یا مکانیکی به هر فضایی یا از هر فضایی، برای تأمین شرایط بهداشت و آسایش (کنترل دما و احتمالاً میزان رطوبت هوا، جلوگیری از بروز میعان، جلوگیری از رشد میکروارگانیسم‌ها و...) چنین هوایی می‌تواند مطبوع شده باشد.

تهویه طبیعی (۱۴):

جریان هوا به داخل یا به خارج از فضاهای ساختمان، از راه دهانه‌های بازشو از قبیل پنجره و در، یا از طریق هواکش‌های غیر مکانیکی.

تهویه مطبوع (۱۴):

کنترل هم زمان دما، رطوبت و پاکیزگی هوا و توزیع مناسب آن، به منظور تأمین شرایط مورد نیاز فضای ساختمان.

تهویه مطبوع (۱۹):

نوعی از تهویه همراه با تنظیم عواملی همچون دما، رطوبت (رطوبت‌گیری یا رطوبت‌زنی) همراه با حذف آلاینده‌های مختلف (بو، گرد و غبار، میکروارگانیسم‌ها و...) برای تأمین آسایش حرارتی.

تهویه مکانیکی (۱۴):

جریان هوا به داخل یا به خارج فضاهای ساختمان به کمک دستگاه‌های مکانیکی

تیر در سیستم تیر - دال (۹):

تیر در دالها شامل جان تیر و قسمتی از دال است که در هر سمت تیر دارای عرضی برابر با تصویر مایل ۴۵ درجه آن قسمت از جان تیر باشد که در زیر یا در روی دال، هر کدام ارتفاع بیشتری دارد، قرار می‌گیرد مشروط بر آنکه این عرض در هر سمت جان بزرگتر از چهار برابر ضخامت دال نباشد.

جدار نورگذر (۱۹):

جداری که ضریب انتقال نور آن بزرگتر از ۰/۲، باشد. جدار نورگذر بر دو نوع شفاف و مات بوده و شامل پنجره‌ها، نماها و درهای خارجی نورگذر، نورگیرها و مشابه آنها است.

جداکننده (۱۸):

نوعی جداکننده که در مقطع، از یک یا چند لایه تشکیل شده است، لذا چگالی سطحی (وزن واحد سطحی) آن در نقاط مختلف یکسان است. مانند در، پنجره، دیوار آجری با اندود گچ و خاک یا دیوار دو جداره آجری.

جداکننده ساده (۱۸):

نوعی جداکننده که در مقطع، از یک یا چند لایه تشکیل شده است، لذا چگالی سطحی (وزن واحد سطح) آن در نقاط مختلف یکسان است. مانند در، پنجره، دیوار آجری با اندود گچ و خاک یا دیوار دو جداره آجری.

جداکننده مرکب (۱۸):

نوعی جداکننده که سطح آن از چند جداکننده ساده تشکیل شده باشد. مانند دیواری که در و پنجره دارد.

جرم سطحی (۱۹):

جرم متوسط یک مترمربع از سطح پوسته داخلی و خارجی ساختمان.

جرم سطحی مفید جدار (19) ($f m$):

جرم سطحی قسمت رو به داخل جدار تشکیل دهنده پوسته خارجی ساختمان که در محاسبه جرم مفید و اینرسی حرارتی ساختمان در نظر گرفته می‌شود. (ر.ک. پیوست ۱ مبحث ۱۹)

جرم سطحی مفید ساختمان (19) (m):

نسبت جرم مفید ساختمان به سطح زیربنای مفید (ر.ک. پیوست ۱ مبحث ۱۹)

جرم مفید ساختمان (19) (M):

مجموع جرم قسمت‌های رو به داخل جدارهای تشکیل دهنده پوسته خارجی ساختمان که در محاسبه اینرسی حرارتی ساختمان در نظر گرفته می‌شود. (ر.ک. پیوست ۱ مبحث ۱۹)

جریان اتصال کوتاه (فلزی) (۱۳):

اضافه جریان‌ی است که در نتیجه بروز اتصالی با امیدانسی بسیار کوچک بین هادیهای برقداری که در شرایط عادی دارای اختلاف پتانسیل می‌باشند، ایجاد شود.

جریان اضافه بار (یک مدار) (۱۳):

اضافه جریان‌ی است که در مداری برقرار می‌شود که از نظر الکتریکی آسیب ندیده باشد.

جریان باقیمانده (۱۳):

جمع جبری مقادیر آنی جریان‌هایی (منتجه جریان‌های آنی) است که از همه هادیهای برقدار یک مدار معین، در یک نقطه از تأسیسات الکتریکی، عبور می‌کند.

یادآوری- این جریان را گاهی به غلط «جریان اتصال به زمین نیز خوانده‌اند.

جریان برق‌گرفتگی (۱۳):

جریان‌ی است که از بدن انسان یا حیوان عبور کند و مشخصه‌های آن به نحوی باشد که احتمالاً موجب برق‌گرفتگی شود.

جریان ثقلی (۱۶):

جریان فاضلاب یا آب باران در داخل شبکه لوله‌کشی وقتی ثقلی است که بر اثر اختلاف ارتفاع و شیب لوله‌ها و بدون استفاده از پمپ برقرار شود.

جریان مجاز (۱۳):

(جریان مجاز حرارتی یا جریان اسمی یک هادی)

حداکثر جریان‌ی است که بطور مداوم در شرایطی تعیین شده، بدون اینکه دمای و وضعیت تعادل یک هادی از میزان معینی تجاوز نماید، می‌تواند از آن عبور کند.

جریان نشت (در یک تأسیسات) (۱۳):

جریان‌ی است که بین مداري که از نظر الکتریکی آسیب ندیده است و زمین یا بدنه‌های هادی بیگانه، برقرار شود.

یادآوری- این جریان ممکن است دارای مؤلفه‌ای خازنی باشد که شامل جریانهای مربوط به خازنهایی است که دانسته مورد استفاده قرار می‌گیرند.

جریه الکتریکی (۱۳):

کلیه اجزای سیستمی که در آن وسایط نقلیه با برداشت نیروی برق از خطوط نصب شده در طول راه‌آهن یا خیابانها، نیروی محرکه اصلی را برای حرکت قطارها یا وسایل حمل و نقل شهری، فراهم می‌کنند (لوکوموتیو یا تراموا یا اتوبوس برقی و مشابه آنها).

جوشکاری (۵):

جوش دادن عبارت است از ایجاد پیوستگی مولکولی بین دو یا چند قطعه فلزی که حداقل یکی از آنها به طور موضعی تحت اثر حرارت به حالت خمیری یا مذاب در آمده باشد.

چاه (۱۵):

فضایی است که ریل و برخی تجهیزات آسانسور در آن نصب می‌شوند و کابین و وزنه تعادل در این مکان حرکت می‌نماید. معمولاً با دیوارها، درهای طبقات و درها و دریچه‌های اضطراری محصور می‌گردد، در آسانسورهای نما باز قسمتی از دیوارها ممکن است محصور نباشد.

چاهک (۱۵):

فاصله قائم بین کف پایین‌ترین توقف تا کف چاه آسانسور (باعد چاه آسانسور) را چاهک می‌گویند، این اندازه مانند بالاسری از اهمیت زیادی برخوردار است و از جداول استاندارد، متناسب با نوع و سرعت آسانسور انتخاب می‌شود.

چشمه دال (۹):

قسمتی از سیستم دال است که به محورهای ستونها، تیرها، یا دیوارهای تکیه گاهی محدود میشود.

چگالنده/کندانسور (۱۴):

یک مبدل گرمایی که به منظور میعان یک گاز مبرد، با گرفتن گرما از آن، طراحی شده باشد.

چوب (۵):

نوعی از مصالح ساختمانی که مستقیماً از درخت بدست می‌آید (چوب طبیعی) یا اینکه از خرده چوبها، سر شاخه‌ها و ضایعات کشاورزی به همراه چسبهای مخصوص طی فرآیندهای خاص تولید می‌شود (چوب‌های ساختگی یا تخته‌های مرکب) و در ساختمان بصورت تیر، ستون، خرپا، نماسازی و کف‌سازی به مصرف رسیده و در کارهای کمکی مانند قالب‌بندی و داربست به کار می‌رود.

حائل (۱۴):

قطعه‌ای حائل محافظ از مواد نسوختنی که به منظور ایجاد فاصله هوایی بین مواد سوختنی با سطوح گرم و دستگاهها و اجزای تأسیسات گرمایی، قرار داده شود.

حادثه (۱۲):

واقعه‌ای غیر عمدی که بطور غیر منتظره اتفاق افتد و باعث خسارات مالی و یا صدمه جانی شود.

حادثه ناشی از کار (۱۲):

حادثه‌ای که در حین انجام وظیفه و به سبب آن برای شاغلین در کارگاه اتفاق می‌افتد. همچنین حوادث ناشی از کمک‌رسانی به افراد حادثه دیده نیز حادثه ناشی از کار محسوب می‌گردد.

حداکثر فشار کار مجاز (۱۴):

حداکثر فشار کاری که هر قطعه از اجزای لوله‌کشی برای آن طراحی و ساخته شده است و مجاز نیست در معرض فشاری بیش از آن قرار گیرد.

حد پایین قابلیت اشتعال (۱۴):

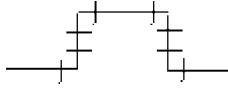
حداقل تراکم مبرد که قابلیت گسترش اشتعال در یک مخلوط یکنواخت مبرد و هوا را داشته باشد.

حد مجاز مبرد در محیط کار (۱۴):

مقدار مجاز تراکم مبرد یا مواد شیمیایی دیگر در هوا، که کارگران بطور مکرر، ۸ ساعت کار عادی در روز و ۴۰ ساعت کار در هفته در معرض آن قرار داشته باشند و هیچ اثر زیان‌آوری، با گواهی مرکز بهداشتی مسئول، بر آنها نداشته باشد.

حریق بند (۲):

اعضایی از بنا، شامل دیوار، سقف و کف مقاوم حریق که بتواند در مقابل سوختن تمام بار حریق واقع در فضای مربوط به خود، ایستادگی و مقاومت کند.

حلقه انبساط (۱۴):

تغییر امتداد لوله در یک صفحه با چهار زانو به شکل به منظور جذب حرکات لوله، ناشی از تغییر دما و انقباض و انبساط.

حلقه انبساط (۱۶):

وسیله‌ای برای جذب حرکت لوله، ناشی از تغییر دما یا عوامل دیگر، که با ایجاد خم‌ها یا منحنی‌هایی در طول لوله، ساخته می‌شود.

حوضچه (۱۶):

حوضچه، تانک یا چاهکی است که زیر سطح تراز شمال فاضلاب یا آب باران داخل ساختمان نصب می‌شود و فاضلاب یا آب باران ساختمان به طور ثقلی در آن می‌ریزد. خروج فاضلاب از این حوضچه به تراز بالاتر باید به طریق مکانیکی صورت گیرد.

حیاط (۳):

فضای باز بدون سقف و بدون تصرف که از دو یا چند طرف با دیوارهای خارجی بنا محصور باشد و اگر از همه طرف به دیوارهای خارجی بنا محصور شود. در آن صورت به آن حیاط داخلی گفته می‌شود.

خانه (۳):

فضای زندگی حداکثر با دو طبقه ارتفاع که به منظور سکونت یک یا دو خانوار در نظر گرفته شده باشد.

خروج (۳):

بخشی از «راه خروج که به وسیله ساختار و تجهیزات مقاوم حریق، براساس ضوابط و مقررات از سایر فضاهای ساختمان جدا و ایمن شده و مستقیم یا از طریق تخلیه خروج به معبر عمومی منتهی شود. (ر.ک. بند ۳-۱-۳-۳-۳-۳ میحث ۳).

خروج افقی (۳):

خروج از یک بنا به مکانی امن در برابر حریق به بنایی دیگر یا در همان بنا که سطح کف آنها تقریباً در یک تراز واقع شده باشد. (ر.ک. بند ۳-۴-۱-۳-۴-۱-۳-۴-۱-۳ میحث ۳).

خط اصلی فاضلاب مشترک (۱۶):

لوله اصلی فاضلاب که افقی است و فاضلاب و آب باران ساختمان را به طور مشترک از ساختمان دور می‌کند.

خلاء (۱۶):

فشار کمتر از اتمسفر هوای آزاد در داخل شبکه لوله کشی آب یا فاضلاب.

خلاء شکن (۱۶):

یک نوع مانع برگشت جریان که روی دهانه خروجی آب از لوله نصب می‌شود تا اگر فشار آب داخل لوله از فشار اتمسفر کم تر شود، از این وسیله هوا وارد شود و فشار داخلی را به فشار اتمسفر برساند و از برگشت جریان جلوگیری شود.

خم انبساط (۱۴):

تغییر امتداد لوله در یک صفحه با یک زانویا خم، به منظور جذب حرکات لوله، ناشی از تغییر دما و انقباض و انبساط.

خود بسته شو (۳):

اصطلاح «خود بسته شو هنگامی که در مورد درهای حریق یا سایر بازشوهای حفاظتی به کار برده شود. به مفهوم بسته بودن در (یا بازشو) در حالت عادی و بسته شدن آن پس از عبور است که برای اطمینان از انجام این عمل، در به یک وسیله مکانیکی تأیید شده مجهز می‌شود.

خودکار (۳):

اصطلاح «خودکار در مورد تجهیزات محافظت در برابر حریق، برای وسایل و دستگاه‌هایی بکار برده می‌شود که در اثر واکنش به برخی از محصولات احتراق، خود به خود و بدون دخالت انسان عمل کنند.

خودکار بسته شو (۳):

هنگامی که این اصطلاح در مورد درهای حریق یا سایر بازشوهای حفاظتی به کار برده شود، منظور بسته شدن در (یا بازشو) به هنگام حریق در اثر واکنش به برخی از محصولات احتراق یا از طریق گرفتن فرمان از محلی دیگر است.

خویش فرما (۱۲):

شخصی ذیصلاح که در کارگاه ساختمانی (محل کار) بدون به کارگیری کارگران دیگر و بر طبق قرارداد کتبی پیمانکاری، مسئولیت انجام تمام یا قسمتی از عملیات ساختمانی را با وسایل و ابزار کار متعلق به خود بر عهده می‌گیرد. خویش فرما در کارگاه ساختمانی پیمانکار جزء محسوب می‌شود.

خیابان (۳):

هر نوع راه عبور و مرور عمومی در فضای باز، اعم از کوچه، خیابان یا بلوار که دست کم دارای ۹ متر عرض بوده و به نحوی طرح شده باشد که امکان استفاده واحدهای آتش‌نشانی برای اطفای حریق را فراهم آورد. معابر داخل فضاهای بسته و تونلها اگر چه مورد استفاده عبور و مرور عمومی قرار گرفته و ماسین رو باشند، به عنوان خیابان ملحوظ نمی‌شوند.

داربست (۹):

سازه‌ای که برای نگهداری قالب‌بندی سکوه‌های کار و تحمل بارهای حین اجرا بر پا می‌شود مشتمل بر شمع‌بندی، پایه‌های قائم، صفحات افقی، بادبندها، زیرسریها و نظایر اینها.

دارنده و مسئول علائم تصویری و تابلو (۲۰):

دارنده جواز، مسئول علائم تصویری و تابلو شناخته می‌شود. در مواردی که نیاز به اخذ جواز نباشد. مسئولین مؤسسات و نهادهای عمومی و... که نصب آن علائم تصویری و تابلو در حیطة وظایف آنهاست مسئول شناخته می‌شوند.

در حریق (۲):

دری که با انجام «آزمایش حریق استاندارد حائز شرایط مقاومت و محافظت در برابر حریق متناسب با محل استقرار خود باشد.

در دسترس (۱۴):

دستگاه‌های تأسیسات گرمایی، تعویض هوا و تهویه مطبوع، یا اجزای آنها، وقتی «در دسترس اند که دسترسی مستقیم باشد و نیاز به بازکردن، برداشتن یا جا به جا کردن هیچ مانعی نباشد.

در دسترس (۱۶):

لوازم بهداشتی، دستگاه‌های مصرف کننده آب و اجزای لوله‌کشی وقتی «در دسترس اند که دسترسی مستقیم باشد و نیازی به بازکردن، برداشتن یا جابجا کردن مانعی نباشد.

در کابین (۱۵):

دری است که در ورودی کابین قرار گرفته و معمولاً بطور خودکار باز و بسته می‌شود و سیستم محرکه باز و بسته کردن درهای خودکار طبقات معمولاً روی در کابین وجود دارد و هنگامیکه در طبقه موردنظر توقف می‌کند همزمان با بازشدن یا بسته شدن در کابین، در خودکار طبقه نیز باز یا بسته می‌شود.

دریافت کننده آب محوطه (۱۶):

دریافت کننده آب باران یا آبهای سطحی محوطه، به صورت کفشوی، شبکه، حوضچه یا هر شکل دیگر، که برای جمع‌آوری و هدایت آبهای سطحی یا آب باران سطوح باز محوطه طراحی شده باشد.

دریافت کننده فاضلاب (۱۶):

هر وسیله دریافت کننده فاضلاب، مانند کفشوی، حوضچه فاضلاب، شبکه روی کف و غیره.

دریافت‌کننده مایع (۱۴):

مخزنی برای دریافت و ذخیره میرد مایع که بطور دائمی توسط لوله‌های ورودی و خروجی به یک سیستم تبرید متصل باشد.

درهای طبقات (۱۵):

درهایی که در محل ورودی طبقات به کابین قرار می‌گیرند، درهای طبقات انواع مختلفی دارند مانند درهای تلسکوپی (یک طرف بازشو)، درهای سانترال (وسط بازشو)، درهای آکاردئونی، درهای لولایی و... انتخاب نوع و اندازه بازشوی درهای طبقات متناسب با نوع کاربری و مطابق با استانداردهای مربوطه صورت می‌گیرد.

دریچه بازدید (۱۶):

دریچه قابل دسترسی روی لوله فاضلاب یا آب باران قائم یا افقی که برای تمیز کردن و خارج کردن هرگونه مانع جریان داخل لوله و رفع گرفتگی آن، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

دسترس (۱۲):

منطقه ای است که حدود آن از سطح محل فعالیت یا رفت و آمد عادی افراد بدون هرگونه کمک، قابل لمس باشد. (ر.ک. شکل ۱ صفحه ۱۰ میحث ۱۳)

دسترس خروج (۲):

بخشی از « راه خروج که از هر نقطه ساختمان منتهی به قسمت « خروج می‌شود. (ر.ک. بند ۳-۱-۳-۲-۳مبحث ۳).

دستگاه (۱۴):

هر دستگاه مکانیکی که با مصرف برق، گاز (مایع یا گاز طبیعی)، سوخت مایع یا جامد و هر نوع انرژی دیگری، به منظور استفاده در تأسیسات گرمایی، تعویض هوا و تهویه مطبوع، طراحی و ساخته شود.

دستگاه با دمای پایین (۱۴):

هر دستگاه که دمای کار گازهای حاصل از سوخت مایع یا گاز در آن، در نقطه ورود به دودکش، در شرایط کار عادی، حداکثر ۵۲۸ درجه سانتیگراد (۱۰۰۰ درجه فارنهایت) باشد.

دستگاه با دودکش (۱۴):

دستگاهی که محصول احتراق آن، توسط دودکش، مستقیماً به هوای خارج از ساختمان منتقل شود.

دستگاه با محفظه احتراق بسته برای سوخت جامد (۱۴):

دستگاه گرمای با محفظه احتراق بسته برای سوخت جامد که جز خروجی دودکش، درجه تغذیه سوخت جامد و درجه تنظیم هوای احتراق، هیچ بازشوی دیگری نداشته باشد.

دستگاه بدون دودکش (۱۴):

دستگاهی که دودکش نداشته باشد و محصول احتراق آن مستقیماً به هوای خارج از ساختمان منتقل نشود.

دستگاه تهویه مطبوع اتاقی (۱۴):

دستگاه تهویه مطبوع اتاقی یکپارچه‌ای که شامل کلیه قطعات و لوازم برای خنک کردن (و با امکان گرم کردن) فضا به صورت مستقل طراحی و ساخته شده باشد.

دستگاه گازسوز (۱۷):

وسیله‌ای مشتمل بر یک یا چند مشعل که گاز برای منظورهای مختلف در این مشعل‌ها می‌سوزد.

دستگاه گرمای برقی (۱۴):

دستگاهی که با استفاده از انرژی برق به وسیله المنت حرارتی و کمپرسور در پمپ گرمایی یا مشابه آنها برای گرم کردن فضاها، انرژی گرمایی تولید کند.

دستگاه‌های گرم‌کننده و خنک‌کننده ویژه (۱۴):

هر دستگاه مکانیکی که با مصرف هر نوع انرژی (سوخت مایع، گاز، جامد یا برق) به منظور گرم کردن یا خنک کردن موضعی فضاها یا ساختمان طراحی و ساخته شده باشد.

دستگاه‌های یکپارچه (۱۴):

دستگاه‌هایی که بطور کامل در کارخانه ساخته، نصب، سوار و آزمایش شده و به صورت یک واحد مستقل با همه قطعات و اجزای متحرک و موتور محرک، آماده نصب باشد.

دستگیره محافظ (۲):

لوله، چوب یا هر پروفیلی که در طول راه پله و بالکن برای گرفتن دست و نلغزیدن انسان نصب شود.

دستگاه نظارت (۱۱):

اشخاص حقیقی یا حقوقی هستند که کلیه عملیات اجرایی مطابق نقشه‌ها و مشخصات فنی مصوب، تحت نظر آنها انجام می‌پذیرد که باید دارای تعداد کای نیروی انسانی متخصص در کارگاه ساخت و در پای کار باشد. راهنمایی و دستور کارها ی دستگاه نظارت مکمل نقشه‌ها و مدارک فنی است. دستگاه نظارت باید ارتباط کافی و مستمر با مهندسین مشاور و تهیه کنندگان مدارک فنی پروژه داشته باشند.

دسی بل (۱۸):

دسی بل مقیاسی است نسبی و لگاریتمی که در مورد صدا، براساس یکی از دو رابطه

$$dB = 10 \log \frac{I_1}{I_2} \quad dB = 20 \log \frac{P_1}{P_2}$$

مشخص می‌گردد و به dB نمایش داده می‌شود. (ر.ک. ۱۸-۱-۳)

(۱۰)

دفترچه محاسبات (۲):

مجموعه‌ای پیوسته و مکتوب که روند محاسبات سازه یا تأسیسات یک ساختمان را به طور مرتب در بردارد.

دفع فاضلاب بطور خصوصی (۱۶):

دفع فاضلاب در سپتیک تانک، در دستگاه تصفیه فاضلاب خصوصی یا در هر سیستم دیگری که از شبکه دفع فاضلاب شهری به کلی جدا باشد.

دمای کار طراحی (۱۴):

حداکثر دمای مجاز کار که سیستم لوله‌کشی برای آن طراحی شده است.

دمپر (۱۴):

وسیله‌ای که جریان هوا، مقدار آن یا محصول احتراق را با فرمان دستی یا خودکار، تنظیم می‌کند.

دمپر آتش (۱۴):

وسیله‌ای فلزی که در محل عبور کانال هوا از یک منطقه آتش به منطقه مجاور نصب می‌شود و به هنگام آتش‌سوزی بطور خودکار بسته می‌شود و مانع انتقال آتش از یک منطقه به منطقه مجاور آن می‌شود.

دود (۱۴):

وسیله‌ای که به منظور جلوگیری از عبور هوا و دود طراحی می‌شود و با دریافت فرمان از حسگر به طور خودکار بسته می‌شود.

دوام در برابر حریق (۲):

مدتی که مصالح یا قطعات و اجزای ساختمانی در مقابل شرایط خاص اجرای «آزمایش حریق استاندارد همچنان عملکرد خود را حفظ نماید.

دودکش (۱۷):

مجرایی است قائم به شکل استوانه یا مکعب مستطیل جهت هدایت گازهای محفظه احتراق به بیرون و بر سه نوع است:

الف) دودکش ساخته شده در کارخانه: دودکشی که در کارخانه مطابق با شرایط استاندارد و مخصوص وسیله گازسوز ساخته شده باشد.

ب) دودکش با مصالح ساختمانی: دودکشی که از مصالح ساختمانی مانند آجر، سنگ یا بتن ساخته شده باشد.

پ) دودکش فولادی: دودکشی که از ورق فولادی گالوانیزه یا از ورق فولادی سیاه در کارگاه و یا در محل ساختمان ساخته می‌شود.

دودکش القایی (۱۴):

قسمتی از دودکش که گازهای حاصل از احتراق را، با کمک یک بادزن، در فشار استاتیک منفی (مکشی) به خارج منتقل می‌کند.

دودکش با دمای پایین (۱۴):

دودکشی که برای انتقال گازهای حاصل از دستگاه با سوخت مایع یا گاز، با دمای حداکثر ۵۲۸ درجه سانتیگراد (۱۰۰ درجه فارنهایت)، در شرایط عادی کار دستگاه، طراحی و آزمایش شده باشد. اندازه‌گیری دما در نقطه خروج از دستگاه صورت می‌گیرد.

دودکش پیش‌ساخته (۱۴):

دودکش پیش‌ساخته در کارخانه، شامل معبر انتقال دود، که برای نوع و کلاس معینی از دستگاه، با سوخت مایع یا گاز مشخصات آن از طرف مؤسسه با صلاحیت گواهی شده و پلاک تأیید داشته باشد.

دودکش دو جداره (۱۷):

دو دودکش یک جداره که با فاصله حداقل ۲۵ میلیمتر در داخل هم قرار گرفته و به صورت هم محور می‌باشند.

دودکش رانشی (۱۴):

قسمتی از دودکش که گازهای حاصل از احتراق را، با کمک یک بادزن، در فشار استاتیک مثبت (رانشی) به خارج منتقل می‌کند.

دودکش قائم (۱۴):

یک شافت قائم، یا تقریباً قائم، شامل یک یا چند معبر عبور دود، برای انتقال محصول احتراق یک یا چند دستگاه با سوخت مایع یا گاز به هوای خارج از ساختمان.

دودکش‌های پیش‌ساخته (۱۷):

قطعات این نوع دودکش‌ها، پیش ساخته بوده و به طوری که سوار کردن قطعات در محل به راحتی ممکن می‌باشد.

دودکش یک جداره (۱۷):

لوله‌ای فلزی که از ورق گالوانیزه با حداقل ضخامت یک میلیمتر و یا ورق فولادی سیاه با حداقل ضخامت ۱/۵ میلیمتر ساخته شده است.

دوخم (۱۶):

ترکیبی از دو زانو یا دو خم در مسیر لوله‌کشی فاضلاب که امتداد لوله قائم فاضلاب را از قائم به افقی (با شیب) و سپس دوباره به حالت قائم تغییر می‌دهد. سرعت جریان فاضلاب در قسمت افقی از دو قسمت قائم

کمتر است. لوله قائم فاضلاب پس از دو خم، تغییر جا می‌دهد.

دهانه بازشوی خارجی (۱۴):

پنجره، در، دریچه یا پنجره‌های سقفی، که به هوای خارج از ساختمان بازشو داشته باشد.

دیافراگم (۶):

سیستمی افقی و یا تقریباً افقی است که نیروهای جانبی را به اجزای مقاوم قائم منتقل می‌نماید. این سیستم می‌تواند به صورت مهاربندی افقی در نظر گرفته شود. در ساختمانها معمولاً کفهای سازه‌ای تحمل کننده بارهای ثقیلی نقش دیافراگم‌ها را به عهده دارند.

دیافراگم‌های سازه‌ای (۹):

قطعات سازه‌ای مانند دالهای کف و سقف که نیروهای اینرسی ناشی از زلزله را به سیستم مقاوم در برابر بارهای جانبی منتقل می‌کنند.

دیگ (۱۴):

یک دستگاه گرمزای بسته که برای تأسیسات گرمایی آب گرم یا بخار تولید می‌کند. فشار کار دیگ بخار کم فشار برابر 15 (Psig) یا 103 (KPa) یا کمتر و دیگ آب گرم کم فشار 160 (Psig) یا 1103 (KPa) یا کمتر است. فشار کار دیگ بخار پرفشار بالاتر از 15 (Psig) یا 103 (KPa) و دیگ آب گرم پرفشار بالاتر از 160 (Psig) یا 1103 (KPa) است.

دیگ خودکار (۱۴):

دیگی که به کنترل‌های خودکار، از جمله کنترل‌های حد، به ترتیبی که در « (بند ۱۴-۷-۸) لوازم کنترل و ایمنی مبحث ۱۴ آمده، مجهز باشد.

دیوار (۱۹):

بخشی از پوسته خارجی غیر نورگذر ساختمان که عمودی است یا با زاویه بیش از ۶۰ درجه نسبت به سطح افق قرار گرفته است.

دیوار باربر (۹):

دیواری که به طور عمده زیر اثر بارهای قائم واقع در میان صفحه خود، توأم با لنگر خمشی یا بدون آن، قرار می‌گیرد.

دیوار برشی (۶):

دیواری است که برای مقاومت در برابر نیروهای جانبی، که در صفحه دیوار عمل می‌کنند، به کار گرفته می‌شود. به این دیوارها دیافراگم قائم نیز گفته می‌شود.

دیوار برشی (۹):

نوعی دیوار سازه‌ای که به طور عمده زیر اثر بارهای افقی واقع در میان صفحه خود قرار می‌گیرد و نقش عمده آن شرکت در انتقال نیروهای جانبی ناشی از زلزله یا اثر باد است.

دیوار پای بست (۹):

دیواری با رفتاری مشابه تیرتیغه که در سیستم پی نقش انتقال یا توزیع بار را دارد و ارتباط بنا را با شالوده آن برقرار می‌کند.

دیوار جان پناه (۳):

بخش امتداد یافته دیوارهای خارجی بنا در بام که به منظور فراهم نمودن ایمنی و تفکیک هم‌سایگی اجرا می‌شود.

دیوار حائل (۹):

دیواری که به طور عمده زیر اثر بارهای عمود بر میان صفحه خود قرار می‌گیرد.

دیوار دودبند (۳):

دیوار یا دیواره‌ای که راهروی خروج را قطع کرده و به یک یا چند در مجهز است. این دیوار باید مانع گسترش آتش و دود باشد.

دیوار کتیبه (۳):

بخشی از دیوار خارجی ساختمان که پائین یا بالای پنجره (یا باز شو) واقع می‌شود.

دیوار مشترک (۳):

دیواری که در مرز مالکیت دو ساختمان برای بهره‌گیری مشترک ساخته می‌شود.

دیوارهای سازه‌ای (۹):

دیوارهایی که برای مقاومت در برابر اثر توأم نیروهای محوری، لنگرهای خمشی و تنش برشی ناشی از بارهای قائم و بار زلزله واقع در میان صفحه آنها طراحی می‌شوند.

دیوارهای همبسته (۹):

اعضای سازه‌ای متشکل از دو یا تعداد بیشتری دیوار برشی منفرد که بوسیله تیرهایی با شکل‌پذیری کافی (تیرهای همبند) با نظم مشخصی به یکدیگر متصل شده‌اند.

راه پله (۳):

بخشی از مجموعه راه خروج شامل تعدادی پله یا سکو که در مجموع رفت و آمد از یک طبقه به طبقه دیگر را بدون تداخل و برخورد با مانع امکان‌پذیر می‌کند. (ر.ک. بند ۳-۱-۴-۱-۴ مبحث ۳)

راه خروج (۳):

مسیر ممتد و بدون مانعی که برای رسیدن از هر نقطه ساختمان به یک محوطه باز یا معبر عمومی در نظر گرفته شود. راه خروج از سه بخش مشخص « دسترس خروج، « خروج و « تخلیه خروج تشکیل شده است. (ر.ک. بند ۳-۱-۴-۱-۴ مبحث ۳)

رنگهای دارای مفهوم ایمنی (۲۰):

در علائم تصویری، نورانی و نوری ایمنی رنگهای خاص دارای مفاهیم مشخصی است. جدول یک تعیین کننده کلی این رنگهاست.

روانگرایی (۴):

حالتی از دگرگونی و تغییر مکان همراه با کاهش شدید مقاومت در زمین‌های تشکیل شده از خاکهای ماسه‌ای نامتراکم اشباع می‌باشد که بر اثر وقوع زلزله رخ می‌دهد.

روز درجه سرمایش (۱۹):

واحدی براساس دما و زمان، که برای برآورد مصرف انرژی و تعیین بار سرمایش یک ساختمان در اوقات گرم سال به کار می‌رود. روز درجه سرمایش برابر است با مجموع اختلاف دمای متوسط روزانه نسبت به ۲۱ درجه سانتیگراد مربوط به دوره‌ای از سال که دمای متوسط روزانه از ۲۱ درجه سانتیگراد بالاتر است.

روز- درجه سرمایی (۱۴):

واحدی براساس اختلاف دما و زمان که از آن در برآورد مصرف انرژی سرمایی ساختمان استفاده می‌شود. در هر روز، وقتی دمای متوسط بیشتر از یک دمای مینا (معمولاً ۱۸/۳ درجه سانتیگراد = ۶۵ درجه فارنهایت) باشد مقدار روز درجه سرمایی برابر است با اختلاف دمای متوسط در آن روز و دمای مینا. روز درجه سرمایی سالانه (ADDC) مجموع روز درجه‌ها در طول یک سال تقویمی است.

روز- درجه گرمایی (۱۴):

واحدی براساس اختلاف دما و زمان که از آن در برآورد مصرف انرژی گرمایی ساختمان استفاده می‌شود. در هر روز، وقتی دمای متوسط کمتر از یک دمای مینا (معمولاً ۱۸/۳ درجه سانتیگراد = ۶۵ درجه فارنهایت)

روز درجه گرمایش (۱۹):

واحدی براساس دما و زمان، که برای برآورد مصرف انرژی و تعیین بار گرمایشی یک ساختمان در اوقات سرد سال به کار می‌رود. روز درجه گرمایش برابر است با مجموع اختلاف دمای متوسط روزانه نسبت به ۱۸ درجه سانتیگراد مربوط به دوره‌ای از سال که دمای متوسط روزانه از ۱۸ درجه سانتیگراد پایین‌تر است.

ریلهای راهنما (۱۵):

اجزای فلزی با مقطع T هستند که برای هدایت کابین یا وزنه تعادل (در صورت وجود) بکار می‌روند.

زمان واخنش (۱۸):

مدت زمانی که پس از قطع منبع صدا، تراز فشار صدا، ۶۰ دسی‌بل افت کند زمان واخنش نام دارد که طبق

یکی از دو رابطه $T = \frac{0.163V}{4mV - SL_p(1-a)}$ یا $T = \frac{0.163V}{A}$ (رابطه تقریبی) محاسبه می‌گردد. (ر.ک. ۱۸-۱-۳-۱۹)

زمین (جرم کلی زمین) (۱۲):

جرم هادی زمین است که پتانسیل همه نقاط آن به طور قراردادی برابر صفر انتخاب می‌شود.

توضیح: جرم کلی زمین را می‌توان دارای خواص زیر دانست:

آن را مانند شینه‌ای با مقطع بزرگ فرض کرد که مقاومت بین هر دو نقطه آن عملاً نزدیک به صفر است.

وصل شدن به جرم کلی زمین تنها از راه الکتروود زمین امکان‌پذیر است.

اتصال الکتروود زمین به جرم کلی زمین همیشه همراه با مقاومتی است که همان مقاومت اتصال به زمین یا مقاومت الکتروود زمین یا بطور خلاصه مقاومت زمین است.

رنجیر جریان (سیم بگسل جریان) (۱۵):

در ساختمانهای مرتفع وقتی که کابین در بالا یا پایین‌ترین طبقه قرار می‌گیرد مجموع وزن سیم بگسلها که مقدار قابل ملاحظه‌ای است به یک سمت فلکه کشش منتقل می‌شود و مشکلاتی مانند سرخوردن روی فلکه

کشش، گرم کردن موتور، مصرف انرژی زیاد را به وجود می‌آورد. برای جلوگیری از این موارد، سیم بگسل یا زنجیری، هم وزن سیم بگسلها، از تیر پایین یوک کابین به تیر پایین وزنه تعادل متصل می‌شود که اضافه وزن بوجود آمده بوسیله سیم بگسلها را جبران می‌نماید و به آن زنجیر یا سیم‌بگسل جبران می‌گویند.

زیرزمین (۳):

قسمتی از ساختمان که تمام یا بخشی از آن پایین‌تر از کف زمین طبیعی قرار گرفته و به عنوان طبقه به حساب نیاید.

ساختمان (۲):

هر بنای محصور و دارای سقف که به منظور سکونت یا استفاده‌های دیگر نظیر اداری، تجاری، آموزشی، بهداشتی و غیره احداث شود.

ساختمان با درزهای معمولی (۱۴):

ساختمانی که با مصالح معمولی ساخته شده باشد و درزبندی جدارهای خارجی آن امکان تعویض هوای طبیعی به میزان $\frac{1}{2}$ دفعه حجم فضا در ساعت یا بیشتر را بدهد.

ساختمان با درزهای هوایند (۱۴):

ساختمانی که جداره‌های خارجی آن، از قبیل درز درها و پنجره‌ها، محل عبور لوله‌ها و کابلها و غیره با نوارهای درزبندی یا وسایل دیگر، تا اندازه‌ای حفاظت شده باشد که تعویض هوای طبیعی کمتر از $\frac{1}{2}$ دفعه حجم فضا در ساعت باشد.

ساختمان غیرمسکونی (۱۵):

به ساختمانهای تجاری، اداری، هتل، بیمارستان و آموزشی گفته می‌شود.

ساختمان ویلایی (۱۹):

ساختمان مستقلی است که فقط یک واحد مسکونی دارد.

ساختمان های عمومی (۱۷):

ساختمانهایی که مورد استفاده و مراجعه عموم مردم می‌باشد.

سازه علائم تصویری و تابلو (۲۰):

وسیله نگهدارنده سطح آگهی علائم تصویری و تابلوهاست.

سازه‌های غیر ساختمانی (۶):

به کلیه سازه‌ها، به جز سازه‌هایی که به طور معمول در در ساختمانها به کار برده می‌شود، اطلاق می‌گردد. (این سازه‌ها در بندهای ۶-۶-۹ و ۶-۷-۹-۶ میحث ششم مشخص شده‌اند).

سختی طبقه (۶):

برابر جمع سختی جانبی اعضای قائم باربر جانبی است. برای محاسبه این سختی‌ها می‌توان تغییر مکان جانبی واحدی را در سقف طبقه موردنظر وارد کرد در حالتی که کلیه طبقات زیرین بدون حرکت باقی بمانند

سرسرره فرار (۲):

سطح لغزنده‌ای که به منظور فرار به خارج از ساختمان طراحی شده باشد. (ر.ک. بند ۳-۱-۴-۸ میحث ۳)

سرعت نامی (۱۵):

حداکثر سرعت کابین هنگام حرکت عادی را سرعت نامی می‌گویند.

سطح تراز بحرانی (۱۶):

حداقل ارتفاعی است که یک مانع برگشت جریان یا خلاء شکن باید بالاتر از تراز سر ریز لوازم بهداشتی و هر مصرف کننده دیگر آب، نصب شود. اگر پایین‌تر از آن نصب شود ممکن است برگشت جریان اتفاق بیفتد. در صورتی که سازه این تراز را مشخص نکرده باشد، باید زیر مانع برگشت جریان یا خلاء شکن را سطح تراز بحرانی آن گرفت.

سطح حرارتی (۱۷):

سطوحی از دستگاه گازسوز است که گرما را از شعله یا گازهای دودکش می‌گیرد و به موادی مانند هوا و آب، که باید گرم شوند منتقل می‌نماید.

سطح خالص (۲):

سطح خالص هر طبقه از ساختمان فقط به فضاهای قابل تصرف گفته شده و سطوح مربوط به فضاهای عمومی و ارتباطی و ضخامت دیوارها را شامل نمی‌گردد.

سطح هود (۱۴):

سطح داخلی دهانه ورود هوا زیر هود، در صورتیکه این سطح افقی باشد. اگر سطح زیر هود افقی نباشد با ید

تصویر آن بر صفحه افقی اندازه‌گیری شود.

سطح زیر بنای مفید^{A₄} (۱۹):

مجموع سطح زیربنای فضاهای کنترل شده در یک ساختمان.

سطح علائم تصویری و تابلو (۲۰):

مساحت تابلو سطح یکپارچه درون قاب و سازه علائم تصویری و تابلو یا در صورت نبود قاب، سطح یکپارچه آگهی پیام آن است.

سطح مفید کابین (۱۵):

سطح مفیدی است که برای ایستادن مسافر و یا گذاشتن بار به کار گرفته می‌شود. مقدار آن متناسب با ظرفیت بار یا مسافر محاسبه می‌شود (جداول ۱۵-۳-۲-۲-۲ الف و ب میحث ۱۵)

سطح مؤثر دهانه (۱۶):

کوچکترین سطح مقطع دهانه خروجی آب از شیر یا لوله، در شیرهای لوازم بهداشتی باید کوچکترین مقطع عبور آب اندازه‌گیری شود.

سطوح جدارهای نورگذر^{A_F} (۱۹):

مساحت کل جدارهای نورگذر (اعم از شفاف یا مات) و قابهای احتمالی نگهدارنده آنها.

سفال (۵):

فرآورده ای ساختمانی که با استفاده از خاک رس، شیل و یا مواد مناسبی که منشاء رسی دارند در دمای بیش از $930^{\circ}C$ پخته می‌شود و در ساخت دیوارهای باربر و غیرباربر، پوشش بام و... استفاده می‌شود.

سفت کاری (۲):

عملیات ساختمانی شامل اجرای پی، اجرای اسکلت، آجر کاری و کارهای سنگی.

سند مالکیت (۲):

سندی که برابر ماده ۲۸۷ قانون مدنی، طبق مقررات قانونی در اداره ثبت اسناد و املاک تنظیم و صادر شده باشد.

سنگ ساختمانی (۵):

از جمله مصالح ساختمانی طبیعی که از کانیهای مختلف تشکیل شده و در صنعت ساختمان به شکل‌های گوناگون در پی‌سازی، دیوارچینی، کف سازی و سنگ کف، پله، نماسازی، راهسازی، پل‌سازی و... به مصرف می‌رسد.

برای شکل دادن و قواره کردن سنگ باید از ابزارهای ساده مانند یتک، چکش، قلم، تیشه و ابزارهای برش و ساب برقی استفاده کرد.

سنگدانه‌ها (۵):

مصالحی طبیعی یا مصنوعی که در ساخت ملات، بتن و بتن آسفالتی به مصرف می‌رسند.

سیستم اضافه بار (۱۵):

در برخی آسانسورها برای جلوگیری از اضافه بار حسگری را به شیوه‌های مختلف تعبیه می‌کنند تا هنگام سوار شدن مسافر یا گذاشتن بار بیش از ظرفیت پیش‌بینی شده در کابین، ضمن اعلام خبر از حرکت آسانسور تا تخلیه بار اضافی جلوگیری شود.

سیستم باربر جانبی (۶):

قسمتی از کل سازه است که برای تحمل بارهای جانبی به کار گرفته می‌شود.

سیستم بسته (۱۴):

سیستم تبرید غیرمستقیمی که در آن یک سیال ثانویه، که با عمل تبرید سرد یا گرم شده، با گردش در یک مدار بسته با تماس غیرمستقیم، هوا یا ماده دیگری را بطور غیرمستقیم سرد یا گرم کند.

سیستم بسته ولی مربوط به هوای آزاد (۱۴):

سیستم تبرید غیرمستقیمی که در آن یک سیال ثانویه، که با عمل تبرید سرد یا گرم شده، با گردش در یک مدار بسته، هوا یا ماده دیگری را سرد یا گرم کند. در این سیستم اواپورا تور یا کندانسور در یک مخزن باز به هوای آزاد قرار می‌گیرد.

سیستم پاششی باز (۱۴):

سیستمی که در آن یک سیال ثانویه، که با عمل تبرید سرد یا گرم شده، با گردش در یک مدار باز و تماس مستقیم، هوا یا ماده دیگری را سرد یا گرم می‌کند.

سیستم پاشش باز غیر مستقیم دو مرحله‌ای (۱۴):

سیستم تبرید غیر مستقیمی که در آن یک سیال ثانویه، که با عمل تبرید سرد یا گرم شده، با گردش در یک

مدار بسته، یک سیال واسط را در یک مدار باز و تماس مستقیم با هوا یا ماده دیگری که باید سرد شود، خنک می‌کند.

سیستم تبرید غیرمستقیم (۱۴):

سیستمی که در آن با گردش یک سیال ثانویه، که با عمل تبرید سرد یا گرم شده، هوا یا ماده دیگری بطور غیرمستقیم سرد یا گرم شود.

سیستم تبرید مستقیم (۱۴):

سیستمی که اوپراتور یا کندانسور آن با هوا یا ماده دیگری که باید سرد یا گرم شود، در تماس مستقیم باشد.

سیستم ترمز ایمنی (سیستم پاراشوت) (۱۵):

سیستم مکانیکی که ترجیحاً در قسمت زیرین یا بالای چهارچوب (یوک) کابین یا وزنه تعادل (در صورت لزوم) قرار می‌گیرد و در مواقع اضطراری با افزایش غیرعادی سرعت، فعال شده و سبب توقف کابین یا وزنه تعادل بوسیله قفل شدن کابین یا وزنه تعادل به ریلها می‌شود. ترمزهای ایمنی به سه دسته تقسیم می‌شوند: آنی یا لحظه‌ای برای سرعت‌های تا ۰/۶۳ متر بر ثانیه - آنی با ضربه‌گیر برای سرعت‌های تا ۱ متر بر ثانیه و تدریجی برای سرعت‌های بیشتر یا مساوی ۱ متر بر ثانیه.

سیستم توزیع هوا (۱۴):

هر سیستمی از کانال‌کشی، پلنوم و هوارسان که برای گردش هوا در تمام یا قسمتی از فضاها ساختمان طراحی و نصب شده باشد.

سیستم تهویه (۱۷):

سیستمی که فضای داخل اتاق یا محل نصب دستگاه گازسوز را جهت تعویض هوا یا ایجاد جریان هوای تازه در آن محل، به طور مستقیم یا غیر مستقیم به هوای آزاد راه می‌دهد.

سیستم دال (۹):

به مجموعه‌ای از قطعات صفحه‌ای با یا بدون تیر گفته می‌شود که تحت اثر بارهای عمود بر صفحه خود قرار می‌گیرند. سیستم‌های معمول دالها عبارتند از تیر - دال، دال تخت، دال قارچی و دال مشبک.

سیستم دوگانه یا ترکیبی (۶):

سیستم سازه‌ای است متشکل از قابهای خمشی همراه با دیوارهای برشی یا قابهای مهاربندی شده. در این سیستم بارهای قائم عمدتاً به وسیله قابهای خمشی تحمل می‌شود و بارهای جانبی به وسیله مجموعه دیوارهای برشی یا قابهای مهاربندی شده و قابهای خمشی، به نسبت سختی جانبی هر یک، تحمل می‌شوند.

سیستم دیوارهای باربر (۶):

سیستم سازه‌ای است که فاقد قابهای ساختمانی کامل برای بردن بارهای قائم می‌باشد. در این سیستم دیوارهای باربر عمدتاً بارهای قائم را تحمل نموده و مقاومت در برابر نیروهای جانبی به وسیله دیوارهای باربر که به صورت دیوارهای برشی عمل می‌نمایند تأمین می‌شود.

سیستم غیرفعال خورشیدی (۱۹):

سیستمی که قسمتهایی از جدارهای پوسته خارجی را تشکیل می‌دهد و به گونه‌ای طراحی شده است که با یک مکانیسم غیرفعال، انرژی خورشیدی را در خود جمع‌آوری و ذخیره می‌نماید تا در زمان مناسب به فضای داخلی ساختمان منتقل گردد. (مانند فضای گلخانه‌ای)

سیستم غیرمستقیم بسته (۱۴):

سیستمی که در آن هوا یا هر سیال سرد شونده یا گرم شونده دیگری با یک سردکننده ثانویه در یک مدار بسته، تماس مستقیم دارد.

سیستم غیرمستقیم بسته ولی مربوط به هوا (۱۴):

سیستمی که در آن هوا یا هر سیال سرد شونده و یا گرم شونده دیگری با یک سردکننده ثانویه در یک مدار بسته، تماس دارد، با این تفاوت که اوپراتور یا کندانسور در یک مخزن باز قرار دارد.

سیستم غیرمستقیم پاششی باز (۱۴):

سیستمی است که در آن هوا یا سیال سردشونده یا گرم شونده دیگری با یک سردکننده ثانویه باز تماس مستقیم دارد.

سیستم فراخوانی آسانسور (۱۵):

نحوه پاسخ به احضار مسافرین در آسانسور با توجه به نوع کاربری ساختمان می‌تواند متفاوت باشد و انتخاب صحیح سیستم کنترل اهمیت زیادی دارد.

انواع مرسوم سیستم‌های فراخوانی به شرح زیر می‌باشد:

ساده (پوش باتن): در این نوع، آسانسور به اولین احضار پاسخ داده و تا انجام این فرمان، احضارهای بعدی بی تأثیر است. این سیستم که ساده‌ترین است برای مکانهای کم ترافیک، آسانسورهای باربر و بیماربر (مخصوص حمل تخت یا برانکاردر) با تعداد طبقات کم مناسب است. دگمه احضار در طبقات، تکی است. جمع‌کن رو به پایین (کالکتیودان): در این نوع، آسانسور در حین حرکت از بالا به پایین به کلیه احضارها پاسخ می‌دهد و برای ساختمانهای مسکونی و پرجمعیت و ساختمانهای اداری که در طبقات آن شرکت‌های مستقل از هم قرار دارند و کم ترافیک هستند مناسب می‌باشد، دگمه احضار در طبقات، تکی است. جمع‌کن رو به بالا (کالکتیو آپ): شبیه جمع‌کن رو به پایین است به احضارهای از پایین به بالا پاسخ می‌دهد و برای ساختمانهای کم ترافیک که طبقه اصلی در بالا و سایر طبقات در پایین است مناسب می‌باشد، دگمه احضار در طبقات، تکی است.

جمع‌کن انتخابی (کالکتیو سلکتیو): در این نوع، آسانسور به احضارهای در جهت حرکت کابین پاسخ داده و در نتیجه از توقفهای غیر ضروری در پاسخ به احضارهایی که خلاف جهت حرکت کابین است جلوگیری به عمل می‌آید. در هر طبقه دو دگمه با علامت بالا و پایین (به غیر از طبقات انتهایی بالا و پایین که یک دگمه می‌باشد) وجود دارد. این نوع کنترل برای ساختمانهای اداری پر ترافیک توصیه می‌شود. فراخوانی گروهی: اگر کنترل بصورت دوتایی، سه تایی یا بیشتر باشد دو، سه یا چند آسانسور با یک فرمان کنترل شده و نزدیکترین کابین هم جهت به احضار پاسخ می‌دهد. در این سیستم زمان انتظار مسافری حداقل خواهد بود و برای برجهای مرتفع، هتلها و مؤسسات بزرگ که از چند دستگاه آسانسور نزدیک به هم استفاده می‌نمایند مناسب می‌باشد.

سیستم قاب خمشی (۴):

سیستم سازه‌ای است که در آن بارهای قائم توسط قابهای ساختمانی کامل تحمل شده و مقاومت در برابر نیروهای جانبی به وسیله قابهای خمشی تأمین می‌گردد.

سیستم قاب ساختمانی ساده (۴):

سیستم سازه‌ای است که در آن بارهای قائم عمدتاً توسط قابهای ساختمانی کامل تحمل شده و مقاومت در برابر نیروهای جانبی به وسیله دیوارهای برشی و یا قابهای مهاربندی شده تأمین می‌شود.

سیستم قطع و کنترل اتوماتیک (۱۹):

سیستمی که با روشن و خاموش کردن تأسیسات گرمایی یا سرمایی، دمای رفت یا دمای فضاها را در محدوده تعیین شده به صورت خودکار تنظیم می‌نماید.

سیستم مقاوم در برابر بارهای جانبی (۹):

قسمتی از سازه که برای مقاومت در برابر نیروهای جانبی زلزله محاسبه شده باشد.

سیستم مهاربندی افقی (۴):

سیستم خرابایی افقی است که برای انتقال نیروهای جانبی به اجزاء مقاوم قائم به کار گرفته می‌شود.

سیستم نوین تهویه (۱۹):

سیستمی که برای کنترل دبی تهویه بکار می‌رود و به طور محسوس دبی هوای تازه را برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی محدود می‌کند. این سیستم‌ها باید مطابق با ضوابط بهداشت و مورد تأیید مراجع ذیصلاح باشند.

سیستم‌های با احتمال بالا (۱۴):

سیستم‌های تیرید که طراحی و عمل نصب اجزای آنها به ترتیبی باشد که احتمال نشت میرد، از اتصالها یا اجزای معیوب آنها و ورود آن به فضاهای محل کار یا اقامت افراد (جز موتورخانه)، وجود داشته باشد.

سیستم‌های با احتمال پایین (۱۴):

سیستم‌های تیرید که طراحی و عمل نصب اجزای آنها به ترتیبی باشد که احتمال نشت میرد، از هیچ اتصال یا اجزای سیستم آنها و ورود آن به فضاهای محل کار یا اقامت افراد (جز موتورخانه)، وجود نداشته باشد.

سیفون (۱۶):

وسیله‌ای که با نگهداری مقداری آب در خود، در مسیر عبور فاضلاب، مانع از انتشار هوای آلوده و گازهای داخل شبکه لوله‌کشی فاضلاب در فضای ساختمان می‌شود و در عین حال هیچ اثری بر جریان عادی فاضلاب ندارد.

سیفون ساختمان (۱۶):

هر وسیله‌ای که روی لوله اصلی فاضلاب (یا آب باران) خروجی از ساختمانی نصب شود و مانع از جریان هوا بین شبکه لوله‌کشی فاضلاب (یا آب باران) ساختمان و لوله خروجی از ساختمان تا محل دفع شود.

سیمان (۹):

واژه سیمان یا سیمنت در معنی کلمه، بر هر یک از مواد گوناگونی که برای چسباندن اجسام مختلف به کار

می‌رود، اطلاق می‌شود و به مفهوم عنصر یا عامل پیوند دهنده یا چسباننده نیز آمده‌است.

سیمان آبی (۵):

سیمان آبی ماده چسباننده‌ای است که در هوا و زیر آب و جایی که هوا نباشد می‌گیرد و سخت می‌شود و در ساختن بتن و ملات‌های سیمانی به کار می‌رود.

شاخص خورشیدی I_s (۱۹):

ضریبی که براساس آن، مقدار بهره‌گیری ساختمان از انرژی تابشی خورشید تعیین می‌شود.

شاخص کاهش صدا (R) (۱۸):

شاخص کاهش صدای یک جداکننده که افت تراگسیل نیز نامیده می‌شود، طبق

$$R = 10 \log \left(\frac{W_1}{W_2} \right) = 10 \log \frac{1}{\tau}$$

رابطه یا TL تعریف می‌گردد. (ر.ک. ۱۸-۱-۳-۱۸)

شاخص کاهش صدای وزن یافته (۱۸):

شاخص کاهش صدای وزن یافته یا به عبارتی دیگر، گروه یا درجه تراگسیل (STC) کمیته‌ای است تک عددی به

دسی‌بل برای درجه‌بندی نمودار افت تراگسیل جداکننده‌ها در بسامد ۵۰۰ هرتز، که براساس نمودار مبنا در

جدول ۱۸-۱-۲ مندرج و در شکل ۱۸-۱-۲ رسم گردیده است. (ر.ک. ۱۸-۱-۳-۲۰)

شاخه افقی (۱۶):

لوله افقی فاضلاب در طبقات ساختمان که لوله‌های انشعاب فاضلاب لوازم بهداشتی به آن می‌ریزد. این لوله فاضلاب را به لوله قائم فاضلاب هدایت می‌کند.

شاخه افقی هواکش (۱۶):

یک لوله افقی هواکش که هواکش یک یا چند عدد از لوازم بهداشتی به آن متصل می‌شود. این لوله افقی به یک لوله قائم هواکش یا به ادامه لوله قائم فاضلاب متصل می‌شود.

شالوده (۷):

شالوده‌ها پی‌هایی هستند که در عمق کم و نزدیک سطح زمین اجرا می‌شوند و بارهای سازه را به زمین منتقل می‌کنند. شالوده‌ها بر سه نوع‌اند:

شالوده‌های منفرد

شالوده‌های نواری

شالوده‌های گسترده

شالوده ممکن است سنگی، بتنی یا بتن‌آرمه باشد. آنچه معمولاً در زیر ساختمان و بر روی پی‌های عمیق اجرا می‌شود و بارهای سازه را به پی عمیق منتقل می‌کند نیز شالوده است.

شالوده (۹):

به قسمتی از سازه ساختمان اطلاق می‌شود که روی سطح فوقانی آن ستون یا دیوار قرار گرفته و سطح تحتانی آن مستقیماً روی زمین یا روی شمع تکیه دارد و بار سازه را گرفته به زمین منتقل می‌نماید. شالوده متکی بر شمع « سرشمعی نامیده می‌شود.

شالوده مرکب (۷):

شالوده‌های منفرد که نزدیک به هم باشند، می‌توانند به یکدیگر پیوسته شوند و به صورت « شالوده مرکب کار کنند.

شیکه لوله‌کشی آب باران (۱۶):

شیکه لوله‌کشی داخل ساختمان که برای جمع‌آوری آب باران و دیگر آب‌های سطحی و هدایت آن به خارج از ساختمان، طرح و نصب می‌شود.

شیکه هواکش (۱۶):

شیکه‌ای از لوله‌کشی که به منظور برقراری جریان هوا از لوله‌کشی فاضلاب یا به آن، یا به منظور تأمین جریان هوا در داخل این شبکه فاضلاب و حفاظت آب هوا بند سیفون، در برابر فشار معکوس یا مکش سیفونی، به کار می‌رود.

شخص دیصلاح (۱۲):

شخصی است که دارای پروانه اشتغال به کار مهندسی یا کاردانی از وزارت مسکن و شهرسازی و یا پروانه مهارت فنی از سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی در رشته مربوطه باشد.

شرایط بهره‌برداری یک فضا (۱۸):

به شرایطی گفته می‌شود که کلیه اجزاء تأسیساتی و تجهیزاتی مثل سیستم تهویه و هوارسانی و مبلمان در

حال بهره‌برداری بوده و افراد حاضر در آن فضا نیز مشغول فعالیت معمول خود باشند.

شرایط تحویل یک فضا (۱۸):

به شرایطی گفته می‌شود که کلیه تأسیسات غیرقابل حمل و وابسته به ساختمان فعال بوده، ولی اجزاء تجهیزاتی و عوامل قابل حمل مانند تلفن، تلویزیون، جاروبرقی و همچنین افراد در آن فضا فعال نباشند.

شرایط عادی جوی (۱۹):

شرایط جوی که بطور معمول در یک منطقه جغرافیایی حاکم است.

شرکت گاز ناحیه (۱۷):

سازمانی است که برخی از وظایف شرکت ملی گاز ایران را در سطح کوچکتری در هر ناحیه به عهده دارد.

شفث (۳):

فضای ارتباطی قائم بین طبقات یا بین کف تا بام ساختمان که به منظور تعیبه آسانسور، بالابر، آشپزخانه، تأمین روشنایی، انجام تهویه، عبور دادن کانالها و لوله‌ها، تخلیه زباله و غیره در نظر گرفته می‌شود.

شکل‌پذیری (۶):

به قابلیت جذب و اتلاف انرژی و حفظ ظرفیت باربری یک سازه، هنگامی که تحت تأثیر تغییر مکانهای غیرخطی چرخه‌ای ناشی از زلزله قرار می‌گیرد، اطلاق می‌شود.

شکل‌پذیری (۹):

قابلیت استهلاک انرژی توسط رفتار غیرالاستیکی کل سازه یا اعضای آن تحت اثر تغییر شکل‌های رفت و برگشتی با دامنه بزرگ بدون کاهش مهم در مقاومت آنها.

شمعک (۱۴):

شعله کوچکی که برای روشن کردن مشعل اصلی دیگ به کار می‌رود.

شمعک (۱۷):

وسیله‌ای که با ایجاد شعله ای کوچک در وسایل گازسوز، برای روشن کردن مشعل یا مشعل‌های اصلی دستگاه مورد استفاده قرار می‌گیرد. در اغلب وسایل گازسوز این شعله باعث بازنگه داشتن شیر اصلی گاز نیز می‌شود و در صورت خاموش شدن آن، جریان گاز به مشعل اصلی قطع می‌گردد.

شمعک دائمی (۱۴):

شمعکی که در تمام طول مدتی که دیگ مورد استفاده است، روشن باشد، چه مشعل کار کند و چه کار نکند.

شمعک قطع شونده (۱۴):

شمعکی که موقع روشن شدن مشعل اصلی، به مدت کوتاهی، روشن شود ولی در زمان کار مشعل اصلی خاموش باقی می‌ماند.

شمعک متناوب (۱۴):

شمعکی که با مشعل اصلی روشن می‌شود و در تمام طول مدت کار مشعل اصلی روشن باقی می‌ماند. این شمعک با خاموش شدن مشعل خاموش می‌شود.

شومینه ساختمانی (۱۴):

نوعی بخاری دیواری که با مصالح ساختمانی نسوز شامل کوره یا محفظه احتراق و دودکش ساخته می‌شود و با سوخت جامد و یا گاز کار می‌کند.

شومینه ساخته شده در کارخانه (۱۴):

نوعی بخاری تزئینی که تمام یا قسمتی از قطعات آن در کارخانه ساخته شده باشد و در محل کاربرد، براساس دستورالعمل کارخانه، نصب و یا مونتاژ و نصب شود.

شیربراه (۳):

سطحی دارای شیب حداقل ۱ به ۲۰ و حداکثر ۱ به ۸ که به عنوان راه دسترسی مورد استفاده واقع شود. (ر.ک. بند ۳-۱-۴-۷ مبحث ۳)

شیر اصلی مصرف کننده (۱۷):

شیر ربع گرد توپکی که بعد از کنتور بر روی لوله‌کشی داخلی نصب می‌شود.

شیر اطمینان (۱۵):

شیر هیدرولیکی است که هنگام سقوط یا افزایش ناگهانی سرعت در آسانسورهای هیدرولیک بکار می‌رود و هنگام افزایش جریان روغن بیش از حد مجاز، بسته شده و از سقوط یا افزایش سرعت کابین جلوگیری می‌نماید.

شیر اطمینان بخار (۱۴):

شیر اطمینان دیگ بخار که در فشاری که برای آن تنظیم شده کاملاً باز شود و بخار را برابر ظرفیت دیگ خارج

کند. این شیر در حالت کار عادی دیگ با فنر مخصوص در حالت بسته باقی می ماند.

شیر اطمینان دما (۱۶):

شیری که برای باز کردن در دمای معینی طراحی شده است. این شیر در دمای تنظیم شده به طور خودکار باز می کند و آب را خارج می نماید.

شیر اطمینان فشار (۱۶):

شیری که برای باز کردن در فشار معینی طراحی شده است. این شیر در حالت عادی، توسط فنر یا وسیله ای دیگر، بسته است و در فشار تنظیم شده به طور خودکار باز شده و آب را خارج می نماید.

شیر اطمینان فشار- دما (۱۶):

شیری ترکیبی که می تواند از دما یا فشار آب داخل لوله یا مخزن فرمان گیرد، به طور خودکار باز شود و آب را خارج کند.

شیر اطمینان فشار (۱۴):

شیر حساس به فشار که به وسیله یک فنر، یا وسیله دیگری، در حالت عادی بسته و طوری طراحی شده باشد که اگر فشار از حد پیش بینی شده بالاتر رود به طور خودکار باز کند و فشار را کاهش دهد.

شیر برداشت آب (۱۶):

شیر انتهایی لوله آب که باز کردن آن باعث خروج آب از لوله می شود و در صورت بستن آن، آب در لوله باقی می ماند.

شیر پیاده رو (۱۷):

شیری که در قسمت افقی انشعاب لوله گاز ساختمان در زیرزمین نصب می شود و دسترسی به آن از طریق دریچه ای واقع در سطح زمین امکان پذیر بوده و توسط آچار مخصوص باز و بسته می شود.

شیر شناور (۱۶):

شیر ورودی آب به مخزن که به وسیله یک گوی شناور از تراز سطح آب داخل مخزن فرمان می گیرد و باز یا بسته می شود.

شیر شناور ضد سیفون (۱۶):

شیر شناوری که یک وسیله ضد سیفون، به فرم یک فاصله هوایی یک یا چند خلاء شکن، دارد و پس از یک شیر قطع و وصل نصب می شود و از برگشت جریان جلوگیری می کند.

شیر فرعی (۱۷):

شیر ربع گرد توپکی که بعد از انشعاب، برای هر واحد روی لوله کشی آن واحد نصب می شود.

شیر قبل از رگولاتور (۱۷):

شیر سماوری گوشواره ای که قبل از رگولاتور نصب می گردد و در حالت بسته، قابل قفل کردن بوده و باید برای فشار کار تا 4 (psi 60) مناسب باشد.

شیر قطع خودکار گاز (۱۴):

شیری که در مشعل دیگهای گازسوز مخصوص تولید و توزیع آب گرم کننده، پس از دریافت فرمان از وسیله قطع خودکار گاز، بسته می شود و ورود گاز را به مشعل قطع می کند.

شیر قطع سریع (۱۴):

شیری که با یک حرکت سریع دستی یا خودکار به طور کامل می بندد. شیری که با گردش یک چهارم دور بسته می شود (ربع گرد) نیز شیر قطع سریع می باشد.

شیر مصرف (۱۷):

شیر ربع گرد نوع توپکی که لوله کشی داخلی را به دستگاه گازسوز وصل می کند.

شیر یک طرفه دوتایی (۱۶):

شامل دو عدد شیر یک طرفه فنر دار با دریچه آب بند که پشت سر هم روی لوله نصب می شوند و بین این دو شیر یک انشعاب مخصوص آزمایش با شیر قطع و وصل قرار می گیرد. دو طرف این مجموعه باید شیرهای قطع و وصل روی لوله نصب شود.

شیر یک طرفه مورد تأیید (۱۶):

شیر یک طرفه فنر دار، با دریچه آب بند، که در حالت بسته هیچ جریان معکوس یا نشت نتواند از آن عبور کند.

شیشه (۵):

جسمی بی رنگ، شفاف، نورگذران، سخت و شکننده که سختی آن ۶ تا ۷ و وزن توده ویژه آن ۲/۵ است. از شیشه برای عبور نور و در عین حال جلوگیری از تأثیر عوامل جوی به داخل ساختمان استفاده می شود.

شیشه نویسی (۲۰):

هر آگهی منصوب، منقوش و متصل به سطح شفاف ویتربین و یا قرار گرفته در پشت شیشه که از بیرون قابل تشخیص باشد شیشه‌نویسی محسوب می‌شود.

صاحب کار (۱۲):

شخصی حقیقی یا حقوقی که مالک یا قائم مقام مالک کارگاه ساختمانی بوده و انجام عملیات ساختمانی و مسئولیت ایمنی آن را بر طبق قرارداد کتبی به پیمانکار یا فرد خویش فرما واگذار می‌نماید. در صورتیکه صاحب کار خود رأساً عملیات اجرایی را عهده‌دار شود، کارفرما محسوب می‌شود.

صرفه اقتصادی (۲):

بهره‌برداری بهینه از منابع (مصالح، ماشین‌آلات، انرژی و نیروی انسانی)؛

ضد سیفون (۱۶):

هر شیر یا وسیله مکانیکی دیگری که عمل مکش سیفونی را حذف کند و از بین ببرد.

ضد ضربه قوچ (۱۶):

وسیله‌ای که امواج فشار ضربه قوچ را، که بر اثر توقف ناگهانی جریان آب در لوله ایجاد می‌شود، جذب می‌کند.

ضربه‌گیر (بافر) (۱۵):

وسیله‌ای ارتجاعی که برای جلوگیری از اصابت کنترل نشده کابین و یا وزنه تعادل به کف چاهک بکار می‌رود و طوری طراحی و انتخاب می‌شود که قسمتی از انرژی جنبشی کابین را مستهلک کند. ضربه‌گیر لاستیکی تا سرعت ۱ متر بر ثانیه، ضربه‌گیر فنر حلقوی تا سرعت ۱/۶ متر بر ثانیه و ضربه‌گیر هیدرولیک برای هر سرعتی قابل استفاده است (ر.ک. شکل ۱۵-۲-۱-۳-۱۵ مبحث ۱۵) باید توجه داشت که ضربه‌گیر برای متوقف کردن کابین در سقوط آزاد طراحی نشده است.

ضرب انتشار شعله (۱۴):

مقدار عددی مربوط به آزمایش مواد و مصالح بر طبق استاندارد ANSI/ASTM E84

ضرب انتقال حرارت طرح (H) (19):

ضرب انتقال حرارت طرح ساختمان یا بخشی از آن برابر است با مجموع انتقال حرارت از جدارهای فضاهای کنترل شده، در صورتی که اختلاف دمای داخل و خارج برابر یک درجه باشد. واحد مورد استفاده برای ضرب انتقال حرارت { W/K } است. در روش کارکردی برای کنترل صحت طراحی، این ضرب با ضرب انتقال حرارت مرجع مقایسه می‌گردد.

ضرب انتقال حرارت سطحی (U) (19):

ضرب انتقال حرارت سطحی قسمتی از پوسته خارجی ساختمان برابر است با توان حرارتی منتقل شده از سطحی از آن، با مساحت یک متر مربع در صورتی که اختلاف دمای داخل و خارج برابر یک درجه باشد. واحد مورد استفاده برای ضرب انتقال حرارت { $W/m^2 \cdot K$ } است.

ضرب انتقال حرارت مرجع (H) (19):

ضرب انتقال حرارت مرجع، ضرب انتقال حرارت حداکثر مجاز ساختمان یا بخشی از آن است و با استفاده از روابط ارائه شده در مبحث نوزدهم محاسبه می‌گردد. واحد مورد استفاده برای ضرب انتقال حرارت { W/K } است.

ضرب انتقال حرارت سطحی مرجع (U) (19):

ضرب انتقال حرارت سطحی مرجع، ضرب انتقال حرارت سطحی انواع مختلف جدارهای تشکیل دهنده پوسته خارجی ساختمان (دیوار، سقف، کف، جدار نورگذر، در و ...) است که در مبحث نوزدهم برای محاسبه ضرب انتقال حرارت مرجع مورد استفاده قرار می‌گیرد. واحد مورد استفاده برای ضرب انتقال حرارت سطحی مرجع { $W/m^2 \cdot K$ }

ضرب انتقال خورشیدی سطح نورگذر (۱۹):

نسبت انرژی عبور کرده به انرژی تابیده شده به سطح نورگذر

ضرب تبادل حرارت در سطح جدار (۱۹):

نسبت شدت جریان حرارت سطحی به اختلاف دما بین سطح جدار و هوای محیط مجاور در حالت پایدار (ر.ک. پیوست ۸ مبحث ۱۹)

ضرب تراگسیل یک جداکننده (۱۸):

$$\tau = \frac{I_r}{I_i}$$

ضرب تراگسیل یک جدا کننده براساس رابطه $\tau = \frac{I_r}{I_i}$ تعریف می‌گردد. (ر.ک. ۱۸-۱-۳-۸)

ضرب تصحیح انتقال حرارت مرجع (۱۹):

ضربیی که در صورت طراحی مناسب و بهره‌گیری بهینه از انرژی خورشیدی در مناطق سردسیر برای تصحیح

مقادیر انتقال حرارت مرجع محاسبه می گردد. ضریب تصحیح انتقال حرارت مرجع با γ نشان داده می شود.
ضریب جذب یک جدا کننده (۱۸):

$$a = \frac{I_a}{I_i}$$

ضریب جذب یک جدا کننده توسط رابطه $a = \frac{I_a}{I_i}$ تعریف می گردد. (ر.ک. ۱۸-۱-۳-۹)
ضریب گسترش دود (۱۴):

مقدار عددی مربوط به آزمایش مواد و مصالح بر طبق استاندارد ANSI/ASTM E84
ضریب هدایت حرارت (۱۹):

مقدار حرارتی که در یک ثانیه از یک متر مربع عنصری همگن به ضخامت یک متر، در حالت پایدار، عبور می کند و اختلافی برابر یک درجه کلونین بین دمای دو سطح طرفین عنصر ایجاد نماید. ضریب هدایت حرارتی با λ نشان داده می شود و واحد آن [W/m.K] است. (ر.ک. پیوست ۷ مبحث ۱۹).

طبقه (۲):

فاصله بین دو کف متوالی در ارتفاع ساختمان.

طبقه (۳):

بخشی از ساختمان که بین دو کف متوالی واقع شود. در مواردی که فاصله کف تمام شده از سطح زمین طبیعی از ۱۲۰ سانتیمتر بیشتر نباشد، فضای زیر آن طبقه به عنوان زیرزمین منظور می گردد.

طبقه اصلی ورودی (۱۵):

طبقه‌ای که ورودی افراد پیاده به ساختمان از آن طریق انجام می شود و معمولاً هم تراز خیابان است چنانچه در ساختمانی دسترس‌های اصلی مختلفی به یک آسانسور وجود داشته باشد پایین‌ترین آنها طبقه اصلی محسوب می شود.

طبقه خیابان (۳):

طبقه‌ای از بنا که از کف خیابان یا محوطه خارج بنا حداکثر با شش پله قابل دسترس باشد. در مواردی که دو یا چند طبقه ساختمان بتوانند در اثر تغییرات تراز مستقیماً به خیابان یا محوطه اطراف راه یابند. ساختمان به همان تعداد دارای طبقه خیابان خواهد بود. به همین ترتیب، چنانچه هیچ یک از طبقات بنا نتوانند با شرایط یاد شده امکان دسترسی به خیابان و محوطه خارج داشته باشند، ساختمان بدون طبقه خیابان منظور می گردد.

طراح (۲):

شخص حقیقی یا حقوقی که طبق قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان تهیه طرح و نقشه یا گزارش فنی برای ساختمان یا انجام محاسباتی را در مورد ساختمان در حیطه صلاحیت و ظرفیت اشتغال بر عهده دارد.

طرح هماهنگی شهری (۲):

طرحی که در آن هماهنگی ساختمان یا مجموعه ساختمانها از دیدگاههای شهرسازی با طرح جامع و طرح تفصیلی شهر و ویژگی‌های محلی که ساختمان در آن احداث می شود، بررسی و جزئیات لازم مشخص شود.

طرف فشار بالا (۱۴):

قسمتی از یک سیستم تبرید که در معرض فشار کندانسور باشد.

طرف فشار پایین (۱۴):

قسمتی از یک سیستم تبرید که در معرض فشار اواپراتور باشد.

طول مسیر حرکت (۱۵):

ارتفاع بین کف طبقه اصلی ورودی تا کف بالاترین طبقه توقف آسانسور، طول مسیر حرکت نامیده می شود.

طوقه دودکش (۱۷):

طوقه‌ای متصل به دستگاه گازسوز که به صورت برجسته یا فرورفته تعبیه شده و برای اتصال کلاهدک تعدیل جریان دودکش و یا لوله رابط دودکش به کار می رود.

ظرفیت راه خروج (۳):

مجموع مقدار عرضی که مجموعه راه خروج در تمام طول مسیری با توجه به بار تصرف با آن اندازه می شود. در شرایط معمولی حداقل مقدار این عرض ۷۵ سانتیمتر است. (ر.ک. بند ۳-۱/۰-۵ مبحث ۳)

عایق (عایق حرارت) (۹):

مصالح یا سیستم ترکیبی که انتقال گرما را از محیطی به محیطی دیگر بطور مؤثر کاهش دهد. در مواردی عایق حرارت می تواند علاوه بر کاهش انتقال حرارت، توانایی‌های دیگری نیز مانند باربری، صدابندی و... داشته باشد. در این راهنما، بطور اختصار کلمه عایق حرارت استفاده می شود. تحت شرایط ویژه‌ای، هوا نیز می تواند عایق حرارت محسوب شود.

عایق حرارت قابل استفاده در ساختمان به عایقی اطلاق می شود که دارای ضریب هدایت حرارتی کمتری یا

مساوی 0.065 m.k. w/m و مقاومت حرارتی مساوی یا بیشتر از $5 \text{ m}^2 \text{ K/W}$ باشد (مقادیر ذکر شده مربوط به اندازه‌گیری در شرایط حرارتی استاندارد می‌باشند).

عایق کاری حرارتی بوسیله یک ماده یا مصالح خاص و یا توسط سیستمی با چندین کارایی صورت می‌گیرد. برای مثال، یک دیوار باربر می‌تواند در عین حال نقش عایق کاری حرارتی را نیز تأمین کند. ولی در اکثر موارد، لازم است که لایه‌ای ویژه صرفاً به عنوان عایق حرارت به جدار اضافه شود.

عایق کاری حرارتی (گرمابندی) (۱۹):

منظور استفاده از عایق‌های حرارت به منظور محدود کردن میزان انتقال حرارت در اجزای ساختمانی می‌باشد. سیستم عایق کاری حرارتی (گرمابندی) باید دو شرط زیر را دارا باشد:

مقاومت حرارتی کل پوسته خارجی + عایق حرارت از حد مشخص شده‌ای بیشتر باشد.

ضریب هدایت حرارتی عایق مصرفی از حد مشخص شده‌ای بیشتر نباشد.

مصالح بکار رفته در پوسته خارجی می‌تواند بدون نیاز به عایق حرارت مقاومت حرارتی مورد نیاز در مقررات را تأمین نماید.

در صورت عایق کاری حرارتی (گرمابندی) مناسب عناصر ساختمان، تأمین و حفظ شرایط آسایش حرارتی فضاهای کنترل شده براحتی و همراه با صرفه‌جویی در مصرف انرژی انجام می‌گردد.

عایق کاری حرارتی از داخل (۱۹):

عایق کاری حرارتی (گرمابندی) اجزای ساختمانی که با افزودن یک لایه عایق حرارت در سمت داخل صورت می‌گیرد.

عایق کاری حرارتی (گرمابندی) از خارج (۱۹):

عایق کاری حرارتی (گرمابندی) اجزای ساختمانی که با افزودن یک لایه عایق حرارت در سمت خارج صورت می‌گیرد.

عایق کاری حرارتی پیرامونی (۱۹):

عایق کاری حرارتی با عرضی محدود در کف روی خاک در مجاورت و امتداد دیوارهای پوسته خارجی ساختمان.

عایق کاری حرارتی همگن (۱۹):

نوعی عایق کاری حرارتی که در آن مصالح ساختمانی مصرف شده (اعم از سازه‌ای و غیرسازه‌ای) در بخش اعظم ضخامت پوسته خارجی (دیوار، سقف، کف) مقاومت حرارتی بالایی داشته باشد.

علائم ایمنی (۲۰):

علائمی که توسط تابلو، رنگ، علامت نورانی (روشنایی) یا علائم صوتی، ارتباط کلامی یا علائم ناشی از حرکت دست، توصیه‌ها و اطلاعاتی درباره ایمنی عمومی و بهداشت کار را انتقال می‌دهند و شامل تابلوها و علائم تصویری، علائم نورانی، علائم نوری، علائم صوتی، علائم کلامی و علائم ایمنی با حرکات دست می‌گردند.

علائم ایمنی با حرکات دست (۲۰):

حرکت یا جابجایی بازوها و یا دستها، دارای مفهوم خاصی در رساندن پیام به شخص در حال انجام کار خطرناک (به خاطر حفظ ایمنی جان خود و سایرین) است.

علائم ایمنی کلامی (۲۰):

پیامهای ایمنی از قبل هماهنگ و تعیین شده که توسط انسان و یا صدای مصنوعی بصورت زنده یا ضبط شده ارائه می‌شود. از علائم ایمنی کلامی می‌توان به منظور هدایت عملیات مخاطره آمیز استفاده نمود. مکالمات اینگونه پیامها باید واضح و خلاصه و به راحتی قابل درک باشد.

علائم تصویری الزام کننده (۲۰):

علائمی که الزام و اجبار کننده کار خاصی است.

خصوصیات اصلی:

الف) دایره‌ای شکل

ب) نشانه تصویری سفیدرنگ روی زمینه آبی (قسمت آبی رنگ حداقل ۵۰٪ سطح علامت را بپوشاند).

علائم تصویری بازدارنده (۲۰):

منع کننده کاری که احتمال خطر را افزایش داده یا آن را به وجود می‌آورد.

خصوصیات اصلی:

الف) دایره‌ای شکل

ب) نشانه تصویری به رنگ سیاه روی زمینه سفید با حاشیه دایره و خط مورب به رنگ قرمز (از چپ به راست که قسمت قرمز رنگ حداقل ۲۵٪ سطح علامت را بپوشاند).

علائم تصویری مربوط به خروج اضطراری و کمک‌های اولیه (۲۰):

علائم تصویری آگاه‌کننده نسبت به شرایط ایمن که اطلاعاتی را راجع به امکانات نجات و امدادی مثل خروج اضطراری و راه فرار، کمک‌های اولیه و... ارائه می‌کنند.
خصوصیات اصلی:

الف) مربع یا مستطیل شکل

ب) نشانه تصویری سفیدرنگ روی زمینه سبز (قسمت سبز رنگ حداقل ۵۰٪ سطح علامت را بپوشاند).

علائم تصویری مربوط به تجهیزات اطفای حریق (۲۰):

اطلاعاتی را راجع به امکانات و تجهیزات اطفای حریق ارائه می‌کنند.
خصوصیات اصلی:

الف) مربع یا مستطیل شکل

ب) نشانه تصویری سفیدرنگ روی زمینه قرمز (قسمت قرمز رنگ حداقل ۵۰٪ سطح علامت را بپوشاند).

علائم تصویری مربوط به کمک‌های اولیه (۲۰):

اطلاعاتی را راجع به امکانات کمک‌های اولیه و... ارائه می‌کنند.

علائم تصویری و تابلوی دائم (۲۰):

محدودیتی به لحاظ مدت زمان نصب نداشته باشد. تابلوهایی که جواز نصب آنها دارای زمان محدود است نیز در صورتی که امکان تمدید جواز داشته باشند، تابلوی دائم محسوب می‌گردند.

علائم تصویری و تابلوی موقت (۲۰):

برای مدتی محدود به نمایش در می‌آید. در چنین تابلوهایی الزامی به استفاده از مصالح مقاوم نیست، اما نکات ایمنی باید رعایت گردد.

علائم تصویری و تابلوی ناهماهنگ با مقررات (۲۰):

تابلویی است که با این مقررات و ضوابط مصوب دیگر مغایر باشد.

علائم تصویری هشدار دهنده (۲۰):

علائمی که احتمال خطری را هشدار می‌دهند.

خصوصیات اصلی:

الف) مثلثی شکل

ب) نشانه تصویری به رنگ سیاه روی زمینه زرد با حاشیه سیاه (قسمت زرد رنگ حداقل ۵۰٪ سطح علامت را بپوشاند).

علائم صوتی ایمنی (۲۰):

پیام‌هائی شنیداری است که انتشار آنها با فرکانس ثابت یا متغیر صدای مصنوعی انجام می‌شود (مانند آژیر خطر) برای اینکه علائم صوتی در فواصل طولانی‌تر قابل شنود باشند لازم است فرکانس علامت صوتی به طرز قابل توجهی از حدود صداهای محیط بالاتر باشد (برای مثال 10 db بالاتر از سطح صدای محیط در همان فرکانس)، بطوریکه اصوات به سادگی قابل تشخیص و گوش خراش نباشد.

علائم نوری (۲۰):

پیام‌های بصری است که انتشار آنها با استفاده از تابش نورهای دارای مفهوم رنگ‌های ایمنی (ر.ک. جدول شماره یک مبحث ۲۰) صورت می‌گیرد و می‌تواند صورت ثابت یا چشمک‌زن با دور و فرکانس خاموش و روشنی مختلف پیام خود را ارائه نماید. چنانچه دستگاه علامت دهنده، علامت پیوسته (دائم) و متناوب نوری منتشر نماید، از علائم متناوب بایستی برای درجات بالای خطر و یا نیازهای فوری استفاده نمود. مدت زمان چشمک‌زدن علائم متناوب و یا تعداد آن در مدت معین باید طوری باشد که مفهوم پیام ابلاغی به وضوح برداشت شود و از هرگونه تداخل و ابهام با دیگر علائم جلوگیری کند.

علائم و تابلوهای نورانی (۲۰):

علائمی با نور پردازی داخلی که سطح آنها از موادی ساخته شده که نور از آن عبور کرده و سطح تابلو روشن و پیام واضح می‌شود.

علم تخلیه فاضلاب (۱۶):

یک لوله قائم فاضلاب که ممکن است برای تخلیه غیر مستقیم فاضلاب خروجی از ماشین رخت‌شویی یا ماشین ظرفشویی به کار رود و فاضلاب ماشین از طریق شلنگ به آن ریخته شود.

عملیات ساختمانی (۱۲):

که شامل موارد زیر می‌باشد:

الف: عملیات خاکی شامل خاکبرداری، خاکریزی، تسطیح زمین، گودبرداری و پی‌کنی با وسایل دستی یا

ماشین‌آلات.

ب: هرگونه تغییر یا جابجایی در دیوارها یا اعضای اصلی سازه‌ای و نیز توسعه بنا یا اضافه کردن اشکوب
ج: مرمت و بازسازی و هرگونه تعمیر اساسی که موجب افزایش توان باربری ساختمان باشد، نظیر تعویض سقف یا هر یک از اعضای اصلی سازه‌ای یا بازسازی ساختمانهایی که در اثر عوامل مختلف تخریب شده‌اند.
د: عملیاتی که به منظور نگهداری ساختمان انجام شود، شامل مراقبت و حفاظت ساختمان از بروز خرابیها، تعمیر یا تجدیدنما، تعمیر آسانسور و سایر تجهیزات و تأسیسات ساختمانی، نظافت نما و شیشه‌های بیرونی، نقاشی، نازک‌کاری و نظایر آنها.
ه: تخریب بنا شامل جمع‌آوری و کندن مواد و مصالح نصب شده نظیر درب، پنجره، شیشه، لوازم برقی و تأسیساتی و تخریب اسکلت و بنای باقیمانده و جمع‌آوری و حمل آن به خارج از کارگاه
و: حفر چاه‌ها و مجاری آب و فاضلاب و کانال‌کشی برای تأسیسات زیربنایی با وسایل دستی یا ماشین‌آلات.
ز: احداث ساختمان شامل:

حفاظت پی و پی‌سازی

عملیات اجرایی اسکلت و سفت‌کاری ساختمان، اعم از ساختمانهای با اسکلت فلزی، بتنی، چوبی، مصالح بنایی، قطعات پیش‌ساخته یا ترکیبی از آنها.
عملیات اجرایی تأسیسات حرارتی، برودتی، آب، برق، گاز، فاضلاب، آتش‌نشانی، آسانسور، وسایل بهداشتی و نظایر آنها.

عملیات اجرایی نازک‌کاری، نماسازی، نجاری، نقاشی، پوشش کف، نصب کابینت و نظایر آن
ساخت قطعات پیش‌ساخته در محل کارگاه ساختمانی

عناصر ساختمانی (۱۹):

قسمت‌هایی از ساختمان که به منظور تأمین نیازهای سازه‌ای و یا غیر سازه‌ای طراحی و ساخته شده‌اند و در پیوند با یکدیگر، تمامیت یک ساختمان را شکل می‌بخشند (مانند بام، سقف، کف، دیوار، بازشوها و...)
عوامل ویژه (۱۹):

عواملی که نقش تعیین وضعیت ساختمان را از نظر میزان صرفه جویی در مصرف ایفا می‌کنند.
(ر.ک. ۱۹-۲-۲ و ۱۹-۲-۳ مبحث ۱۹) این عوامل شامل دو نوع اصلی و فرعی می‌باشند.

غلاف تهویه شونده (۱۴):

غلاف فلزی، در محل عبور دودکش قائم فلزی از بام، به منظور جداکردن سطح خارجی دودکش از مصالح سوختنی و ایجاد فاصله برای جریان هوا بین سطح خارجی دودکش و سطح داخلی غلاف.

فاصله مجاز (۱۴):

حداقل فاصله هوایی بین سطوح گرم دستگاههای با سوخت جامد، مایع و گاز یا لوازم و دستگاههای تأسیسات گرمائی با سطوح اجزا و لوازم دیگر که از مواد سوختنی باشد.

فاصله هوایی (۱۴):

فاصله هوایی بین مواد سوختنی با سطوح گرم قطعات محافظ بطوری که جریان هوا در این فاصله به صورت وزش امکان پذیر باشد.

فاصله هوایی - در لوله کشی توزیع آب (۱۶):

هر فاصله قائم در فضای آزاد و بدون مانع بین لبه پایین دهانه خروجی آب از لوله یا شیر برداشت آب که به مخزن، لوازم بهداشتی یا هر مصرف کننده دیگری آب می‌رساند، تا لبه سرریز دستگاه دریافت کننده آب، فاصله هوایی نامیده می‌شود.

فاصله هوایی - در لوله کشی فاضلاب (۱۶):

هر فاصله قائم در فضای آزاد و بدون مانع بین دهانه خروجی فاضلاب تا لبه سرریز وسیله‌ای که این فاضلاب در آن می‌ریزد، فاصله هوایی نامیده می‌شود.

فاضلاب (16) (sewage):

هر نوع فاضلاب که مواد گیاهی یا حیوانی، به صورت معلق یا محلول، داشته باشد.

فاضلاب (16) (waste):

هر نوع فاضلاب خروجی از لوازم بهداشتی و دیگر دستگاههای مصرف کننده آب، بدون فاضلاب توالت یا پیسوار.

فاضلاب بهداشتی (۱۶):

فاضلاب خروجی از لوازم بهداشتی و دیگر مصرف کننده های آب، بدون آب باران، آب های سطحی یا آب های زیر زمینی.

فاضلاب خاکستری (۱۶):

فاضلاب خروجی از وان، زیر دوشی، دستشویی، لگن یا ماشین رختشویی که در شبکه لوله کشی غیر

آشامیدنی داخل همان ساختمان، منحصراً برای شستشوی توالت ها و پیسوارها ممکن است مورد استفاده دوباره قرار گیرد.

فشار جریان (۱۶):

فشار آب لوله، قبل از شیر برداشت آب و نزدیک به آن، در حالتی که شیر کاملاً باز باشد.

فشار طراحی مخزن (۱۴):

فشار طراحی مخزن عبارت است از حداکثر فشار وارده به ته آن، در حالتی که مخزن و لوله های هواکش آن کاملاً از سوخت مایع پر شود. فشار طراحی برابر است با عمق مخزن به اضافه ارتفاع لوله هواکش به اضافه افت فشار جریان سوخت مایع در لوله هواکش.

فشار کار طراحی (۱۴):

حداکثر فشار مجاز کار که سیستم برای آن طراحی شده است.

فشار معکوس - در لوله کشی توزیع آب (۱۶):

مواردی که بر اثر وجود یمپ، مخزن مرتفع، دیگ آب گرم یا بخار و مانند آنها، فشاری بیش از فشار شبکه لوله کشی توزیع آب آشامیدنی ایجاد شود و احتمال برگشت جریان و نفوذ آب از یک شبکه لوله کشی آب غیر بهداشتی به داخل شبکه لوله کشی توزیع آب آشامیدنی پیش آید.

فشار معکوس - در لوله کشی فاضلاب (۱۶):

فشاری که بر اثر کاهش سرعت جریان فاضلاب یا علت های دیگر، در جهت عکس جریان فاضلاب در داخل لوله، بعد از سیفون نزدیک ترین لوازم بهداشتی، ممکن است بر آب هوا بند سیفون وارد شود.

فضای پناه دهی (۳):

فضایی که در مقابل حریق به میزان مشخصی مقاومت می نماید.

فضای با حجم کافی (۱۴):

فضای محل نصب دستگاه های با سوخت مایع یا گاز که حجم کل آن مساوی یا بیش از یک متر مکعب برای هر ۱۷۷ کیلو کالری در ساعت (۵۰ فوت مکعب برای هر ۱۰۰۰ بی تی یو در ساعت) حجم فضایی که مستقیماً به محل دستگاه باز باشد (بدون در و پنجره) ممکن است جزیی از حجم فضای محل نصب دستگاه به حساب آید. فضای با حجم ناکافی (۱۴):

فضای محل نصب دستگاه های با سوخت مایع یا گاز که حجم کل آن کمتر از یک متر مکعب برای هر ۱۷۷ کیلو کالری در ساعت (۵۰ فوت مکعب برای هر ۱۰۰۰ بی تی یو در ساعت) باشد.

فضای با خطر (۱۴):

هر فضایی از ساختمان که به علت وجود گازها و گرد و غبار قابل اشتعال، الیاف سوختنی و دیگر مواد شدیداً سوختنی، خطر آتش سوزی بالایی داشته باشد.

فضای به طور غیر عادی درزبند (۱۴):

ساختمانی که دیوارها و سقف آن در برابر نفوذ رطوبت مقاوم باشد و همه درزهای درها و پنجره های آن با نوارهای درزبند مسدود شده باشد، بطوریکه میزان نفوذ رطوبت به داخل آن از یک پرم (۵۷ نانوگرم بر ثانیه بر متر مربع برای یک پاسکال اختلاف فشار) بیشتر نباشد.

فضای زیستی (۱۹):

فضای مورد استفاده روزمره انسانها اعم از فضای مسکونی، فضای کار و مشابه آن.

فضای کنترل شده (۱۹):

بخشهایی از فضای داخل ساختمان، اعم از فضای زیستی و غیر زیستی، که به علت داشتن عملکرد خاصی، بطور مداوم و تا دمایی برابر و یا بالاتر (یا پایین تر) از دمای زیستگاه، گرم (یا خنک) می شوند. شرایط حرارتی آنها در ساختمان باید در محدوده آسایش باشد. ساختمانهای مجاور ساختمان موردنظر، از نوع فضای کنترل شده تلقی می شوند مگر آنکه از نوع ذکر شده در تعریف فضای کنترل نشده باشند.

فضای کنترل نشده (۱۹):

بخشهایی از فضای ساختمان که تعریف فضای کنترل شده در موردشان صادق نیست (همانند فضاهای درز انقطاع بین دو ساختمان، راه پله ها، دالانها و پارکینگهایی که مورد گرمایش و سرمایش قرار نمی گیرند).

فلزات (۵):

فلزها عناصر ساده ای هستند که در دمای معمولی جامدند (به جز جیوه) و بیشتر آنها دارای وزن ویژه زیاد هستند. فلزها نورگذران نیستند مگر طلا و نقره که ورق نازک آنها نورگذران است. گرماسانی و برق رسانی فلزها خوب است و به سادگی یون مثبت تشکیل می دهند. بیشتر فلزها شکل پذیرند چکش خوارند و می توان آنها را به صورت ورقه و مفتول درآورد. فلزها جلا پذیرند و هرگاه سطح آنها جلا داده شود، درخشندگی ویژه

ای که به جلای فلزی موسوم است از خود نشان می دهند و نور را باز می تابانند.
فلزات ساختمانی اساساً به دو گروه آهنی و غیر آهنی به شرح زیر تقسیم می شوند:

الف- فلزات آهنی:

آهن خالص مصرف ساختمانی ندارد، اما انواع فولاد و چدن که آلیاژهای آن به حساب می آیند از پر مصرف ترین مصالح فلزی اند.

ب- فلزات غیر آهنی:

عمده ترین فلزات غیر آهنی مصرفی در ساختمان عبارتند از: آلومینیوم، مس، سرب، روی و قلع. از سایر فلزات مانند نیکل و منیزیم در ساخت آلیاژها یا به عنوان پوشش استفاده می شود.

فلاش تانک (۱۶):

وسیله‌ای شامل یک مخزن و شیر شناور ورود آب که هر بار با فرمان دستی مقدار پیش‌بینی شده‌ای آب، به منظور شستشو، وارد لوازم بهداشتی کند.

فلاش والو (۱۶):

شیری که هر بار با فرمان دستی مقدار پیش‌بینی شده‌ای آب، به منظور شستشو وارد لوازم بهداشتی می‌کند و با فشار آب یا مکانیسم دیگری به طور خودکار و به تدریج بسته می‌شود، تا از ایجاد ضربه قوچ جلوگیری شود.

فیتینگ (۱۶):

اجزایی از لوله‌کشی که برای تغییر امتداد، گرفتن انشعاب یا تغییر قطر لوله به کار می‌رود، مانند زانو، سه راه، تبدیل و غیره.

فیلتر روغن (۱۴):

وسیله‌ای که، در صورت لزوم، در داخل هود آشپزخانه نصب می‌شود و ذرات روغن و چربی را از هوای گرم، بخار آب، دود و غیره، که از دستگاه‌های پخت به داخل هود می‌رسد، قبل از ورود به کانال تخلیه، جدا می‌کند.

فیوز (۱۳):

وسیله‌ای که از طریق ذوب یک یا چند المان خود که به نحوی مخصوص طراحی و تناسب یافته اند، با قطع جریان برق اگر شدت آن از مقداری تعیین شده به مدت کافی بیشتر شود، مدار را که در آن قرار گرفته است، باز می‌کند.

فیوز (۱۴):

وسیله‌ایمینی که طوری طراحی شده است تا در دمای معینی ذوب شود و دو قطعه را از هم جدا کند، یا دمپری را رها کند.

قاب خمشی (۴):

قابی که در آن اتصالات تیرها به ستونها به صورت پیوسته است و رفتار اعضا و اتصالات آنها عمدتاً خمشی می‌باشد.

قاب خمشی بتن آرمه متوسط (۴):

قاب خمشی بتن آرمه‌ای که مطابق ضوابط آئین‌نامه بتن ایران برای شکل‌پذیری متوسط طراحی شده باشد.

قاب خمشی معمولی (۴):

قابی خمشی فولادی یا بتن آرمه‌ای که برای رفتار شکل‌پذیر طراحی نشده باشند.

قاب خمشی ویژه (۴):

قابی خمشی فولادی یا بتن آرمه‌ای که برای رفتار شکل‌پذیر زیاد، مطابق ضوابط مبحث دهم و آئین‌نامه بتن ایران طراحی شده باشد.

قاب مهاربندی شده (۴):

قابی به شکل خرپای قائم که برای مقاومت در برابر نیروهای جانبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اعضای مورب خرپا ممکن است به صورت هم محور و یا برون محور به اعضای اصلی خرپا متصل شوند.

قاب مهاربندی شده هم محور (۴):

قاب مهاربندی شده‌ای که در آن اعضای مورب بطور متقارب به اعضای اصلی قاب متصل شده‌اند. در این قابها اعضا عمدتاً تحت اثر بارهای محوری قرار می‌گیرند.

قاب مهاربندی شده برون محور (۴):

نوعی قاب مهاربندی شده فولادی که در آن اعضا مورب به طور متقارب به اعضای اصلی قاب متصل نشده‌اند. طراحی این قابها براساس ضوابط ویژه‌ای که در مبحث دهم مقررات ملی ساختمان آورده شده است، صورت می‌گیرد.

قابل دسترسی (۱۴):

دستگاههای تأسیسات گرمایی، تعویض هوا و تهیه مطبوع یا اجزای لوله‌کشی و کانال‌کشی، وقتی « قابل دسترسی‌اند که برای دسترسی باز کردن یک دریچه یا برداشتن مانعی لازم باشد.

قابل دسترسی (۱۶):

لوازم بهداشتی، دستگاههای آب و اجزای لوله‌کشی وقتی « قابل دسترسی‌اند که برای دسترسی به آنها، باز کردن یک دریچه یا برداشتن مانعی لازم باشد.

قالب (۹):

سازه‌ای موقت برای در بر گرفتن بتن قبل از سخت شدن و کسب مقاومت کافی برای تحمل بار خود.

قالب دوخت (۹):

میلگردی که در یک انتها دارای قلابی با زاویه خم حداقل ۱۳۵ درجه و قسمت مستقیم انتهایی به طول حداقل ۸ برابر قطر میلگرد یا ۱۰۰ میلیمتر و در انتهای دیگر دارای قلابی با زاویه خم حداقل ۹۰ درجه و قسمت مستقیم انتهایی به طول حداقل ۸ برابر قطر میلگرد، باشد. این قلاب‌ها باید میلگردهای طولی واقع در محیط مقطع عضو را در برگیرند. محل خم ۹۰ درجه قلاب‌ها باید به صورت یک در میان، در مقاطع متوالی در طول عضو، عوض شود.

قالب ویژه (۹):

قلابی با خم حداقل ۱۳۵ درجه با انتهای مستقیمی به طول حداقل ۸ برابر قطر میلگرد و یا ۱۰۰ میلیمتر. این قلاب باید میلگردهای طولی را در بر گیرد و انتهای آن به سمت داخل خاموت متمایل باشد.

قسمت برقدار (۱۳):

هر سیم یا هادی دیگری که با نیت برقدار شدن آن در بهره برداری عادی مورد استفاده قرار می‌گیرد و شامل هادی خنثی نیز می‌باشد ولی بطور قراردادی هادی مشترک حفاظتی/خنثی (PEN) را شامل نمی‌شود. یادآوری- این اصطلاح الزاماً خطر برق‌گرفتگی را اطلاق نمی‌کند.

قسمت هادی بیگانه (۱۳):

هر سیم یا هادی‌ای است که جزء تأسیسات الکتریکی نمی‌باشد ولی قادر است پتانسیلی را که معمولاً پتانسیل زمین است در معرض تماس قرار دهد. (در اثر بروز اتصالی برقدار گردد) یادآوری- قسمت‌های هادی بیگانه برای مثال عبارتند از:

اسکلت فلزی و قسمت‌های فلزی ساختمانها ؛

لوله‌های فلزی گاز، آب و حرارت مرکزی و غیره و کلیه بخش‌های دیگر غیر برقی که از نظر الکتریکی به آنها متصل باشند) مانند رادیاتورها، اجاق‌های خوراک پزی گازی و زغالی، طشتک‌های فلزی ظرفشویی‌ها و غیره؛ کفها و دیوارهای غیر عایق؛

قطران (۵):

هنگامی که مواد آلی مانند چوب، زغال سنگ و تورب را در ظروف سر بسته و دور از هوا گرما دهند از آنها گازهایی متصاعد می‌شود که از سرد کردن آنها قطران خام بدست می‌آید. بر اثر پالایش و تقطیر قطران خام مواد فرار آن خارج شده و جسم جامد یا نیمه جامد از آن به جا می‌ماند که زفت قطران نامیده می‌شود. معمولترین قطرانی که در ساختمان و راهسازی مصرف دارد قطران زغال سنگ و زفت آن است.

قطعات محافظ (۱۴):

هر نوع قطعات و اجزای محافظ، ساخته شده از مواد نسوختنی، که به منظور کاهش فاصله مجاز بین مواد سوختنی و سطوح گرم دستگاهها و اجزای تأسیسات گرمایی، قرار داده شوند.

قطعاتی که در آن واحد در دسترس‌اند (۱۳):

هادیها یا اجزای هادی‌ای هستند که همزمان توسط یک شخص، یا یک حیوان اهلی، قابل لمس باشند. یادآوری- قطعات زیر ممکن است در آن واحد در دسترس باشند:

قسمت‌های برقدار

بدنه‌های هادی

قسمت‌های هادی بیگانه

هادیهای حفاظتی

الکترودهای زمین

قطعه انبساط (۱۴):

وسیله‌ای برای جذب حرکات لوله، ناشی از تغییر دما و انقباض و انبساط؛

قیر (۵):

ماده‌ای چسبنده، به رنگ سیاه میل به قهوه‌ای که از شمار زیادی هیدروکربنهای آلی با ترکیبات پیچیده

شیمیایی ساخته شده است.

قیبر در دمای محیط تقریباً جامد- نیمه جامد است و بر اثر حرارت روان می‌شود. قیبر در روغن‌های معدنی و حلال‌هایی مانند سولفید کربن و تتراکلرید کربن حل می‌شود. قیبرها عمدتاً به دو نوع تقسیم می‌شوند. اگر از معدن بدست آید قیبر طبیعی و هرگاه از پالایش نفت خام حاصل شود، قیبر ساختگی نام دارد.

کابین (۱۵):

جزیی از آسانسور که مسافر، بار یا هر دو را در خود جای میدهد کابین دارای کف برای ایستادن، دیوارهایی برای حفاظت مسافری یا بار، سقف و معمولاً دارای درب می‌باشد.

کابین دو درب (۱۵):

کابینی که دو درب دارد، در صورتیکه این دو درب در دو ضلع روبرو باشند «کابین دو درب روبرو و در صورتیکه در دو ضلع مجاور باشند کابین دو درب مجاور نامیده می‌شود. (ر.ک. شکل ۱۵-۲-۱-۴ مبحث ۱۵)

کاربری (۶):

به نوع استفاده از ساختمان، مانند استفاده به صورت مسکونی یا اداری و غیره اطلاق می‌شود؛

کاربری (۱۴):

نوع اشغال و تصرف هر فضای ساختمان توسط انسان:

کاربری گروه A:

فضای اجتماعات با داشتن سن و جمعیت ۱۰۰۰ نفر یا بیشتر (Division 1)

فضای اجتماعات با داشتن سن و جمعیت کمتر از ۱۰۰۰ نفر (Division 2)

فضای اجتماعات بدون سن و جمعیت ۲۰۰ نفر یا بیشتر (آموزشی) (Division 2.1)

فضای اجتماعات بدون سن و جمعیت کمتر از ۱۰۰۰ نفر (آموزشی) (Division 3)

استادیوم یا پارک تفریحی (Division 4)

کاربری گروه E:

ساختمان آموزشی تا پایان دبیرستان و بیش از ۵۰ نفر و بیش از ۱۲ ساعت کار در هفته یا ۴ ساعت در روز (Division 1)

ساختمان آموزشی تا پایان دبیرستان و کمتر از ۵۰ نفر و بیش از ۱۲ ساعت کار در هفته یا ۴ ساعت در روز (Division 2)

کودکستان بیش از ۶ کودک (Division 3)

کاربری گروه I:

کودکستان تمام وقت زیر ۶ سال و بیش از ۵ نفر، بیمارستان، خانه بهداشت، خانه سالمندان بیش از ۵ نفر با برانکار و ساختمانهای مشابه (Division 1)

خانه سالمندان بیش از ۵ نفر و روی پای خود، خانه کودکان بالای ۶ سال (Division 2)

بیمارستان روانی، خانه بیماران روانی و ساختمانهای مشابه (Division 3)

کاربری ساختمان (۲):

نحوه استفاده از ساختمان احداث شده.

کاربری ساختمان (۱۹):

نوع کاربرد ساختمان طبق گروه‌بندی ارائه شده در پیوست ۴ مبحث نوزدهم (گروه‌بندی کاربری ساختمانها)

کار در ساعت غیر عادی (۱۲):

کاری که در خارج از وقت عادی یا ساعت کار انجام شود. کار نگهبانان و کارگران حفاظت و ایمنی، کار در ساعت غیرعادی تلقی نمی‌شود.

کارفرما (۱۲):

شخصی حقیقی یا حقوقی که یک یا چند نفر کارگر را در کارگاه ساختمانی (محل کار) به حساب خود و با پرداخت مزد به کار می‌گمارد، اعم از اینکه پیمانکار اصلی، پیمانکار جزء یا صاحب کار باشد.

کارگاه ساخت (۱۱):

محل مناسبی که دارای امکانات و تجهیزات کافی برای عملیاتی مانند برشکاری، سوراخکاری، جوشکاری، خمکاری، و همچنین نیروی انسانی ماهر باشد به نحوی که ساخت قطعات تحت نظر گروه کنترل کیفیت به صورت مطلوب انجام پذیرد.

کارگاه ساختمانی (۱۲):

محل که یک یا تعدادی از عملیات ساختمانی مندرج در مفاد بند (۱۲-۱-۲-۲) مبحث دوازدهم در آن انجام

شود.

کارگر (۱۲):

شخصی که در کارگاه ساختمانی (محل کار) در مقابل دریافت مزد به درخواست و به حساب کارفرما کار کند.

کاشی (۵):

فرآورده‌ای سرامیکی، متشکل از دانه‌های ظریف بلورین و متخلخل است که معمولاً در حرارتی بالاتر از ۱۰۰۰ درجه سلسیوس پخته شده و در انواع لعابدار و بدون لعاب تولید می‌شود. رویه لعابی کاشی ممکن است براق، نیمه براق، مات، ساده، گلدار سفید و یا رنگی باشد.

کانال (۱۴):

مجریایی برای هدایت هوای رفت، برگشت یا تخلیه.

کانال قائم (۱۴):

کانالی که به طور قائم، یک طبقه یا بیشتر، ادامه یابد.

کانوپی (۱۴):

کلاهی که روی دستگاه پخت و پز قرار می‌گیرد.

کف (۱۹):

عنصر ساختمانی افقی یا دال، که در بالا با یک فضای کنترل شده، و در پایین با خاک یا با فضای کنترل نشده یا فضای خارجی در تماس است. کف بخشی از پوسته خارجی ساختمان محسوب می‌شود.

کف‌شوی آب باران (۱۶):

دریافت کننده آب باران که روی بام نصب می‌شود و آب باران بام را به لوله قائم آب باران هدایت می‌کند.

کلافها (۹):

قطعاتی که معمولاً به صورت عضو کششی نیروهای اینرسی ناشی از زلزله را منتقل می‌کنند و مانع جدا شدن اجزای دیگر سازه مانند شالوده‌ها و دیوارها از یکدیگر می‌شوند.

کلاهیک تعادل (۱۴):

وسیله‌ای که روی لوله رابط دودکش یا در محل خروج از دستگاه گازسوز، به منظورهای زیر نصب می‌شود. در صورت نبود مکش، مسدود بودن دودکش یا پس زدن دود، خروج دود از دهانه باز آن امکان پذیر می‌شود. در صورت مکش اضافی دودکش، مقداری هوای اضافی به داخل دودکش وارد می‌کند و ضمن رقیق کردن آن، جریان دود را در داخل دودکش متعادل می‌سازد.

کلاهیک تعدیل جریان دودکش (۱۷):

وسیله‌ای که روی لوله رابط دودکش در محلی بلافاصله پس از دستگاه گازسوز قرار داده می‌شود و جزئی از این لوله به شمار می‌آید. این وسیله ممکن است درون خود دستگاه نیز تعبیه شده باشد. کلاهیک تعدیل جریان دودکش به منظورهای زیر نصب می‌شود:

الف) در صورت نبودن مکش، یا عدم وجود جریان یا بسته شدن بخشی از لوله رابط دودکش که پس از کلاهیک قرار دارد، بیرون آمدن محصولات احتراق را امکان‌پذیر می‌نماید.

ب) مانع ورود پس جریان به دستگاه گازسوز می‌گردد.

پ) اثرات تغییرات ایجاد شده در جریان دودکش را بر کار دستگاه گازسوز خنثی می‌نماید.

ت) محصولات احتراق داخل دودکش را برای تنظیم جریان دودکش رقیق می‌نماید.

کلید آتش‌نشان (۱۵):

کلیدی که در مواقع ضروری توسط آتش نشان فعال شده و کنترل آسانسور فقط توسط آتش نشان (راهبر داخل کابین) صورت می‌گیرد و به سایر احضارها پاسخ داده نمی‌شود تا کارایی آسانسور با حذف توقف‌های غیرضروری بیشتر شود.

کلید جداکننده (ایزولاتور- مجزا کننده) (۱۳):

یک وسیله مکانیکی قطع و وصل که در حالت قطع، فاصله جدایی لازم را طبق مشخصات تعیین شده، به وجود می‌آورد.

یادآوری- کلید جداکننده قادر است فقط هنگامی یک مدار را قطع یا وصل کند که جریانهای قابل اغماض برقرار شده یا قطع شوند و یا تغییر قابل ملاحظه‌ای بین ولتاژ دو سر هر یک از قطبهای کلید جداکننده ایجاد نشود.

همچنین کلید جداکننده می‌تواند جریانهایی را در شرایط عادی از مدار عبور دهد و برای زمانی مشخص جریانهایی را در شرایط غیر عادی مانند اتصال کوتاه تحمل کند.

کلید جداکننده زیربار (کلید ایزولاتور زیربار) (۱۳):

کلیدی که هر دو خاصیت مربوط به کلیدهای جداکننده و قطع بار را دارا باشد.

کلید خودکار (کلید اتوماتیک) (۱۳):

وسیله مکانیکی قطع و وصل خودکار جریان که قادر است در شرایط عادی مدار، جریانهایی را وصل یا قطع کند و یا از خود عبور دهد و در شرایط مشخص ولی غیر عادی مدار مانند اتصال کوتاه، جریانهایی را وصل و قطع کند یا به مدتی کوتاه از خود عبور دهد. این نوع کلید مجهز به وسایلی است که جریانهای غیر عادی (اضافه بار، اتصال کوتاه) را به طور خودکار قطع کند.

کلید فیوز جداکننده (۱۳):

کلید جداکننده ای که در آن فشنگ فیوز و یا نگهدار فیوز همراه با فشنگ فیوز کنتاکتهای متحرک کلید جداکننده را تشکیل می‌دهد.

کلید فیوز قطع بار (۱۳):

کلید قطع باری که در آن فشنگ فیوز و یا نگهداری فیوز همراه با فشنگ فیوز کنتاکتهای متحرک کلید قطع بار را تشکیل می‌دهد.

کلید فیوز جداکننده و قطع بار (۱۳):

کلید فیوزی که هر دو خاصیت مربوط به کلید فیوزهای جداکننده و قطع بار را دارا باشد.

کلید قطع بار (۱۳):

یک وسیله مکانیکی قطع و وصل که قادر به وصل، عبور دادن و قطع جریان برق مدار در شرایط عادی می‌باشد. شرایط عادی ممکن است شامل وضعیتی با اضافه بارهای مشخص باشد و همینطور برای زمانی مشخص جریانهایی را در شرایط غیرعادی مدار مانند اتصال کوتاه تحمل کند.

کنترل اطمینان خودکار قطع گاز (۱۴):

وسیله‌ای که در صورت روشن نشدن مشعل دستگاه، گاز ورودی به شعله اصلی یا شعله اصلی مشعل و شمعک هر دو را قطع می‌کند.

کنترل اطمینان شمعک (۱۴):

وسیله‌ای که، در صورت از کار افتادن شمعک یا هر وسیله روشن کننده دیگر مشعل اصلی، و در صورت قطع شعله (flame failure) مشعل اصلی، ورود سوخت را به مشعل اصلی به طور خودکار می‌بندد.

کنترل اطمینان وجود حداقل اکسیژن (۱۴):

وسیله‌ای که با کم شدن اکسیژن فضای محل نصب دستگاه از مقدار تعیین شده، به طور خودکار گاز ورودی به شمعک و شعله اصلی مشعل دستگاه گازسوز را قطع می‌کند.

کنترل اطمینان وجود شعله (۱۴):

وسیله‌ای که در صورت روشن نشدن مشعل دستگاه یا از بین رفتن شعله اصلی، ورود سوخت به شعله اصلی مشعل، یا شعله اصلی مشعل و شمعک آن هر دو را قطع می‌کند.

کنترل حد دمای بالا (۱۴):

وسیله‌ای حساس به تغییرات دما، که وقتی دمای نقطه موردنظر از حد پیش‌بینی شده بالاتر رود، به طور خودکار راه ورود سوخت به مشعل را می‌بندد.

کنترل کننده مکانیکی سرعت (گاورنر) (۱۵):

وسیله‌ای مکانیکی که از طریق سیم بگسل یا زنجیر به سیستم ترمز ایمنی (پاراشوت) کابین یا وزنه تعادل (در صورت وجود) وصل است تا درموقع افزایش سرعت از حد تعیین شده قفل کرده و ضمن فرمان قطع برق موتور آسانسور، سیستم ترمز ایمنی را فعال نماید.

کنترل کننده‌ها (۱۷):

وسایلی که برای تنظیم مقدار گاز، هوا، آب و یا برق در وسایل گازسوز به کار می‌رود. این وسایل دستی، نیمه خودکار و خودکار می‌باشند.

کنترل مضاعف (۲):

بررسی نحوه اجرای عملیات ساختمانی و نظارت در حین اجراء، توسط سازمان نظام مهندسی ساختمان.

کنترل نهایی (۲):

بررسی و اندازه‌گیری کارهای انجام شده ساختمان و تأسیسات آن و انجام آزمایش‌های لازم در مرحله اتمام کار.

کنترل گاز (۱۷):

دستگاهی که برای اندازه‌گیری حجم گاز مصرفی به کار می‌رود.

کندانسور (۱۴):

ر.ک. چگالنده.

کوره بسته (۱۴):

دستگاه گرم کننده هوا، با سوخت مایع یا گاز، محصور در اتاقک مخصوص خود، که هوای مورد نیاز برای احتراق را مستقیماً از خارج دریافت میکند.

کوره هوای گرم (۱۴):

دستگاه گرم کننده کاملاً مستقل که برای فرستادن هوای گرم به فضاهایی از ساختمان طراحی شده باشد.

کولر آبی (۱۴):

دستگاه خنک کننده‌ای که گرمای محسوس هوا را با تبخیر آب در مسیر آن کاهش می‌دهد.

گاز طبیعی (۱۷):

مخلوط پالایش شده هیدروکربورهای گازی (عمدتاً متان) که از پالایشگاه‌ها به نقاط مصرف منتقل می‌شود. در این مقررات هر جا که کلمه گاز آمده به معنی گاز طبیعی است.

گاز مایع (۱۷):

مخلوط هیدروکربورهای مایع سبک شامل بوتان و پروپان که تحت فشار بخار خود به صورت مایع در سیلندر ذخیره می‌شود.

گازهای دودکش (۱۷):

آمیخته‌ای از محصولات احتراق و هوای اضافی.

گچ ساختمانی (۵):

یکی از مواد چسباننده ساختمانی (چسباننده هوایی) که در صورت خالص بودن، سفید رنگ است. گچ ساختمانی از پختن سنگ گچ در گرمای حدود ۱۸۰ درجه بدست می‌آید.

گرمایش پایه (۱۹):

گرمایش اصلی ساختمان که با دمای خارج تنظیم می‌گردد.

گرمایش تکمیلی (۱۹):

گرمایش فرعی ساختمان که برای جوابگویی به نیازهای گرمایی کوتاه مدت، در مواقعی که گرمایش پایه به تنهایی کافی نیست پیش‌بینی می‌گردد.

گرمایش مرکب (۱۹):

گرمایش تشکیل شده از دو مؤلفه پایه و تکمیلی.

گروه کنترل کیفیت (۱۱):

مجموعه‌ای از افراد واجد شرایط با تخصص و تجربه کافی در کاربرد استانداردهای ویژگی‌های هندسی و مکانیکی و شیمیایی مصالح فولادی، جوش، روشهای جوشکاری، عملیات نصب که مجهز به وسایل لازم برای اندازه‌گیری ویژگیهای مورد نظر باشند.

گزارش ناظر (ناظران) (۲):

اعلام رسمی مراحل مختلف عملیات ساختمانی یا تخلف ساختمانی یا وضع و شرایط موجود ساختمان در برگ‌های مخصوص توسط ناظر(ناظران) به مرجع صدور پروانه ساختمان.

گواهی پایان کار (۲):

سند صادر شده توسط مرجع صدور پروانه ساختمانی مبنی بر اتمام ساختمان طبق مقررات و ضوابط شهرسازی و ساختمانی.

گواهی صحت اجرا (۲):

برگ صادر شده توسط مرجع صدور پروانه ساختمان مبنی بر صحت عملیات ساختمانی اجرا شده تا تاریخی که این گواهی صادر می‌شود.

گواهی نحوه کاربری (۲):

برگ صادر شده توسط مرجع صدور پروانه مبنی بر تعیین یا تأیید کاربری ساختمان.

گودبرداری (۲):

عملیات خاکی برای ایجاد گود شامل خاکبرداری، حفاری، پی‌کنی با وسایل دستی یا ماشین‌آلات مکانیکی و غیر مکانیکی.

گیره اتصال به تیرآهن (۱۶):

وسیله‌ای که به قسمت زیرین تیرآهن سقف متصل می‌شود و به منظور خودداری از سوراخ کاری و جوش کاری تیر آهن، برای اتصال آویز به سقف به کار می‌رود.

گیره لوله قائم (۱۶):

وسیله‌ای برای نگاه داشتن لوله قائم در موقعیت معین.

لامپ کم مصرف (۱۹):

لامپ با راندمان بیش از ۴۰ لومن بر وات

لایه (۱۸):

به ساختاری گفته می‌شود که چگالی حجمی آن در جهات مختلف یکسان باشد. مانند اندود گچ، قیرگونی، دیوار آجری

لایی (۱۶):

غلاف محافظی که بین سطح خارجی لوله یا عایق آن و سطح داخلی بست گیره‌ای، به منظور حفاظت لوله یا عایق در برابر خوردگی، الکترولیز، محدود کردن مقدار انتقال گرما، یا توزیع بارهای وارده، نصب می‌شود.

لبه سرریز (۱۶):

لبه سرریز در لوازم بهداشتی و هر دریافت کننده آب، تراز افقی سطحی از آن دستگاه است که وقتی آب از شیر یا لوله در آن بریزد، نمی‌تواند از آن تراز بالاتر رود و از لبه آن سرریز می‌کند.

لحیم‌کاری سخت (۱۴):

روشی در اتصال لحیمی موئینگی، که در آن دمای ذوب مفتول لحیم‌کاری بیشتر از ۴۲۷ درجه سانتیگراد (۸۰۰ درجه فارنهایت) است.

لحیم‌کاری نرم (۱۴):

روشی در اتصال لحیمی موئینگی، که در آن دمای ذوب مفتول لحیم‌کاری کمتر از ۴۲۷ درجه سانتیگراد (۸۰۰ درجه فارنهایت) است.

لرزه‌گیر لوله‌ای (۱۴):

قطعه‌ای لوله‌ای شکل و قابل انعطاف که بین دو قطعه لوله یا فیتینگ نصب می‌شود و مانع از انتقال ارتعاشات دستگاه می‌شود.

لنگر خمشی مقاوم اسمی، M_s (۹):

لنگر خمشی مقاوم اسمی در یک مقطع از اعضای خمشی یا اعضای تحت فشار و خمش، بیشترین لنگر خمشی است که عضو می‌تواند در آن مقطع تحمل کند. این لنگر مساوی با ۱/۱۵ برابر لنگر خمشی مقاوم مقطع در نظر گرفته می‌شود.

لنگر خمشی مقاوم محتمل (۹):

لنگر خمشی مقاوم محتمل مساوی است با لنگر خمشی مقاوم با فرض $f_s = 1.25 f_y$ و $\phi_c = \phi_s = 1$)

f_s مقاومت میلگردهای فولادی می‌باشد)

لوله رابط دودکش (۱۴):

لوله‌ای که گازهای حاصل از احتراق را، از یک دستگاه با سوخت مایع یا گاز، به دودکش قائم منتقل کند. این قسمت از دودکش معمولاً نسبت به سطح افقی شیب‌دار است.

لوازم بهداشتی (۱۶):

لوازمی که در ساختمان یا ملک به طور دائمی یا موقت نصب می‌شوند و آب را از «لوله‌کشی توزیع آب مصرفی ساختمان دریافت می‌کنند. فاضلاب خروجی از این لوازم، مستقیم یا غیرمستقیم، به «لوله‌کشی فاضلاب بهداشتی ساختمان می‌ریزند. ظروف، مخازن و دستگاههایی که در تأسیسات گرمایی، تعویض هوا و تهیه مطبوع یا به منظور تولید، در ساختمانهای تجاری و صنعتی نصب می‌شوند، لوازم بهداشتی محسوب نمی‌شوند.

لوازم بهداشتی خصوصی (۱۶):

لوازم بهداشتی در خانه‌ها، آپارتمان‌ها، حمام یا توالی اتاق خصوصی هتل و متل و در جاهای مشابه که به منظور استفاده یک شخص یا یک خانواده نصب می‌شوند.

لوازم بهداشتی عمومی (۱۶):

لوازم بهداشتی در توالی‌های عمومی مدارس، ورزشگاهها، هتل‌ها، ایستگاههای راه‌آهن، فرودگاهها، ساختمانهای اداری، رستورانها، ساختمانهای عمومی، گردشگاههای عمومی و در جاهای مشابه که تعدادی لوازم بهداشتی طوری نصب شده‌اند که استفاده از آنها برای عموم آزاد است.

لوله افقی (۱۶):

هر لوله یا فیتینگ که نسبت به تراز افق زاویه‌ای کمتر از ۴۵ درجه داشته باشد.

لوله اصلی افقی (۱۶):

لوله اصلی افقی که در پایین‌ترین قسمت شبکه لوله‌کشی فاضلاب قرار دارد و فاضلاب ساختمان را که از

لوله‌های قائم یا لوازم بهداشتی پایین‌ترین طبقه در آن می‌ریزد، به خارج از ساختمان هدایت می‌کند.

لوله خروجی از ساختمان (۱۶):

لوله خروجی از ساختمان (یا ملک) که فاضلاب لوله اصلی افقی ساختمان را به سمت شبکه فاضلاب شهری، دستگاه تصفیه فاضلاب خصوصی، یا هر سیستم دفع، هدایت می‌کند.

لوله خروجی فاضلاب (۱۶):

لوله‌ای که فاضلاب خروجی از لوازم بهداشتی یا دیگر مصرف‌کننده‌های آب، را انتقال می‌دهد.

لوله رابط دودکش (۱۷):

لوله‌ای که وسیله گازسوز را به دودکش مرتبط می‌کند.

لوله فاضلاب (16) (sewage Pipe):

لوله‌ای که فاضلاب توالت و پیسوار را انتقال دهد.

لوله فاضلاب (16) (waste Pipe):

لوله‌ای که هرگونه فاضلاب خروجی از لوازم بهداشتی، غیر از توالت و پیسوار، را انتقال دهد.

لوله فاضلاب بهداشتی (۱۶):

لوله‌ای که هرگونه فاضلاب ساختمان، غیر از آب باران یا آبهای سطحی، را انتقال دهد.

لوله قائم (۱۶):

هر لوله یا فیتینگ که نسبت به تراز افق زاویه ۴۵ درجه یا بیشتر داشته باشد.

لوله قائم آب باران روی دیوار خارجی (۱۶):

لوله قائم آب باران که روی دیوار خارجی ساختمان نصب می‌شود و آب باران بام را به پائین هدایت می‌کند.

لوله قائم فاضلاب (۱۶):

لوله قائمی که فاضلاب را از شاخه‌های طبقات می‌گیرد و در پائین‌ترین طبقه به لوله اصلی افقی فاضلاب منتقل می‌کند.

لوله یا فیتینگ بدون سرب (۱۶):

لوله و فیتینگ فلزی که نسبت سرب آن بیش از ۸ درصد نباشد.

لوله‌کشی داخلی (۱۷):

سیستم لوله‌کشی داخل ساختمان است که رگولاتور گاز را به وسایل گازسوز متصل می‌نماید.

مالک (۲):

شخص حقیقی یا حقوقی که به موجب سند مالکیت صاحب زمین یا ساختمان شناخته می‌شود.

مانع برگشت جریان (۱۶):

هر وسیله یا شیر که از برگشت جریان به شبکه لوله‌کشی آب آشامیدنی جلوگیری کند.

مانع برگشت جریان از نوع شیر اطمینان اختلاف فشار بین دو شیر یک طرفه (۱۶):

این وسیله شامل دو عدد شیر یک طرفه مورد تأیید است که در فاصله بین آنها یک شیر اطمینان اختلاف فشار نصب شده است. دو طرف این وسیله شیر قطع و وصل و بین دو شیر یک طرفه شیرهای برداشت برای آزمایش نصب می‌شود. وقتی فشار بین دو شیر یک طرفه بیشتر از فشار آب بالا دست (ورود آب) باشد، شیر اطمینان باز می‌کند و مقداری آب خارج می‌شود و فشار کاهش می‌یابد و مانع برگشت جریان آب به شبکه لوله‌کشی توزیع آب آشامیدنی می‌شود.

مانع حریق (۲):

صفحه یا پرده‌ای سرتاسری که به صورت قائم (مانند دیوار) یا افقی (مانند سقف) با زمان مشخصی از مقاومت حریق برای جلوگیری از گسترش آتش و دود از فضایی به فضای دیگر به کار گرفته می‌شود. این صفحات همچنین ممکن است برای حریق بند کردن بازشوها نیز مورد استفاده قرار گیرند.

مانع دود (۲):

وسیله جداسازی یا مشخصات مقاوم حریق یا غیرمقاوم در برابر حریق که به صورت افقی یا قائم، مانند دیوار، کف یا سقف به منظور ممانعت از حرکت دود، طراحی و ساخته می‌شود. موانع دود ممکن است برای حفاظت بازشوها نیز به کار گرفته شوند.

مبرد احیا شده (۱۴):

میردی که برای رسیدن به مشخصات یک میرد تازه، از هر طریق از جمله تقطیر، باز تولید شده باشد. مشخصات این میرد با آنالیز شیمیایی باید تأیید شود. احیاء میرد معمولاً از طریق انجام فرآیندهایی امکان‌پذیر است که به کمک باز تولید صنعتی و در کارخانه انجام شود.

میرد بازیافتی (۱۴):

میردی که در هر شرایط، بدون نیاز به آزمایش یا هرگونه فرآیندی، از یک سیستم تبرید خارج شود.

میرد تصفیه شده (۱۴):

میردی که با جدا کردن روغن و گازهای غیرقابل تقطیر و از طریق عبور یک یا چند مرحله‌ای از فیلترهای مناسب (مانند قطعاتی از فیلتر قابل تعویض و خشک‌کن) و کاهش مقدار رطوبت، مواد اسیدی و ذرات خارجی تصفیه شده باشد.

این تصفیه معمولاً در محل کارگاه یا در یک تعمیرگاه محلی صورت می‌گیرد.

میردهای گروه (A14):

از نظر سمی بودن، میردهایی که اگر مقدار تراکم آنها در هوا، بر پایه (TLV-TWA) برابر یا کمتر از 400 ppm باشد، هیچ اثر سمی قابل تشخیصی نداشته باشند.

میردهای گروه (B14):

از نظر سمی بودن، میردهایی که اگر مقدار تراکم آنها در هوا، بر پایه (TLV-TWA) کمتر از 400 ppm باشد، اثر مسمومیت قابل تشخیصی بر افراد داشته باشد.

میردهای گروه ۱ (۱۴):

از نظر قابلیت اشتعال، میردهایی که در هنگام آزمایش در هوا، در فشار ۱۰۱ کیلو پاسکال (۱۴/۷) یوند بر اینچ مربع مطلق، دمای ۲۱ درجه سانتیگراد (۷۰ درجه فارنهایت)، گسترش شعله را نشان نمی‌دهند.

میردهای گروه ۲ (۱۴):

از نظر اشتعال، میردهایی که حداقل تراکم اشتعال (LFL)، بیش از ۰/۱ کیلوگرم بر متر مکعب (۰/۰۰۶۲۵) یوند بر فوت مکعب) در دمای ۲۱ درجه سانتیگراد (۷۰ درجه فارنهایت) و فشار ۱۰۱ کیلو پاسکال (۱۴/۷) یوند بر اینچ مربع مطلق، گرمای ناشی از احتراق کمتر از ۱۹۰۰۰ کیلوژول بر کیلوگرم (۸۱۷۴ بی‌تی‌یو بر یوند) داشته باشند.

میردهای گروه ۳ (۱۴):

از نظر قابلیت اشتعال، میردهایی که حداقل تراکم اشتعال (LFL)، کمتر یا برابر ۰/۱ کیلوگرم بر متر مکعب (۰/۰۰۶۲۵ یوند بر فوت مکعب) در دمای ۲۱ درجه سانتیگراد (۷۰ درجه فارنهایت) و فشار ۱۰۱ کیلو پاسکال (۱۴/۷) یوند بر اینچ مربع مطلق، گرمای ناشی از احتراق برابر یا بیشتر از ۱۹۰۰۰ کیلوژول بر کیلوگرم (۸۱۷۴ بی‌تی‌یو بر یوند) داشته باشند.

محل (در مورد مقررات محلی) (۲):

محدوده جغرافیایی مشخص شامل یک شهر، یک روستا یا حومه آنها.

محوطه باز (۳):

فضایی که تصرفی در آن صورت نگرفته و بوسیله ساختمان محصور نشده باشد. محوطه باز باید برای جای دادن متصرفان بنا کافی باشد و اندازه و محل آن به گونه‌ای باشد که به هنگام بروز حریق، ماموران آتش‌نشانی و ایمنی بتوانند به آن دسترسی داشته و از آن استفاده برند. محوطه باز باید در تمام اوقات شبانه روز از هرگونه موانع خالی باشد.

مجری (۲) و (۱۷):

شخص حقیقی یا حقوقی دارای صلاحیت اجرای ساختمان.

مجرا سازی افقی (۲):

فاصله مشخص بین دیوارهای خارجی بنا تا مرز مالکیت یا سایر بناهای همسایگی، اعم از خصوصی، عمومی و خیابان که به منظور تأمین فضای باز لازم در نظر گرفته می‌شود. (ر.ک. بند ۳-۱-۴ مبحث ۳)

مرجع ذیصلاح (۱۲):

مرجعی که طبق قانون، صلاحیت تدوین، تصویب یا ابلاغ ضوابط و مقررات مشخصی را داشته باشد.

مرجع صدور پروانه ساختمان (۲):

ارگانی که طبق قانون وظیفه صدور پروانه ساختمان و انجام امور مربوط به آن را بر عهده دارد.

مجموعه قالب‌بندی (۹):

مجموعه‌ای که برای نگهداری بتن در شکل مورد نظر به کار می‌رود، مشتمل بر رویه قالب، بدنه قالب، پشت‌بندها، کلافها، چپ و راستها و نظایر اینها.

مجوز علائم تصویری و تابلو (۲۰):

پروانه نصب تابلو است که پس از انطباق آن با مشخصات مجاز، توسط نهاد مسئول صادر و به متقاضی ارائه می‌گردد.

محدوده آسایش (۱۹):

شرایط حرارتی و رطوبتی که حدود ۸۰٪ ساکنین یا استفاده‌کنندگان در آن احساس آسایش می‌کنند.

محدوده دمای متعارف (۱۹):

محدوده دمایی که در فضاهای دارای عملکرد خاص باید حفظ گردد.

محصولات احتراق (۱۷):

آنچه که در نتیجه احتراق به دست می‌آید، به انضمام گازهای بی اثر، به استثنای هوای اضافی، محصولات احتراق نامیده می‌شود.

محفظه احتراق (۱۷):

بخشی از دستگاه گازسوز که عمل احتراق در آن انجام می‌شود.

محل کار (۱۲):

محل کار در محدوده کارگاه ساختمانی که در اختیار کارفرما باشد و کارگران به درخواست و به حساب کارفرمای خود در آنجا مشغول کار باشند و برای انجام کار به آنجا وارد شوند.

مخزن با فشار جو (۱۴):

مخزن سوخت مایعی که برای فشار جو طراحی شده و با هوای آزاد خارج در ارتباط باشد.

مخزن تحت فشار (۱۴):

مخزن بسته‌ای که برای نگهداری مایع، گاز یا مخلوط آنها، در فشار معینی طراحی شده باشد.

مخزن تغذیه (۱۴):

مخزن سوخت مایعی که مستقیماً، یا به کمک پمپ، به مشعل دستگاه متصل باشد و آن را تغذیه کند.

مخزن تغذیه ثقلی (۱۴):

مخزن تغذیه‌ای که سوخت مایع به طور ثقلی و مستقیماً از آن به مشعل دستگاه برسد.

مخزن روزانه (۱۴):

مخزن تغذیه سوخت مایعی، با گنجایش حداکثر ۲۴۰ لیتر (۶۰ گالن آمریکایی)، که برای نصب بین مخزن ذخیره اصلی و مشعل دستگاه طراحی شده باشد و مخزن ذخیره اصلی را از مشعل دستگاه جدا کند.

مدار (مدار الکتریکی در تأسیسات) (۱۳):

مجموعه‌ای از تجهیزات الکتریکی در یک تأسیسات است که از منبع واحدی تغذیه نموده و به کمک وسایل حفاظتی واحدی در برابر اضافه جریانها حفاظت شده باشد.

مراجع ذیصلاح (۱۹):

مراجعی که صلاحیت آنها در زمینه‌های تعیین شده در این مبحث مورد تأیید رسمی باشد.

مراحل کنترل کیفیت (۱۱):

مراحلی از کار که در پایان این مراحل برای ورود به مرحله بعدی تأییدیه مرحله قبل توسط اشخاص یا مؤسسات مسئول کنترل کیفیت ضروری است. این مراحل شامل مراحلی مانند تهیه مواد، برش، موتناژ، جوش، تمیزکاری، رنگ و نصب و غیره می‌باشد. کم یا زیاد کردن تعداد این مراحل بنا به نظر دستگاه‌های فوق الذکر مقدور است.

مرکز سختی (۴):

مرکز سختی (صلبیت) در یک سازه چند طبقه (با فرض رفتار الاستیک خطی) نقاطی در کف طبقات اند که وقتی برآیند نیروهای جانبی زلزله در آن نقاط وارد شوند، چرخشی در هیچ یک از طبقات سازه اتفاق نیفتد.

مساحت زیربنا (۲):

مجموع سطوح ساخته شده در کلیه طبقات ساختمان در یک قطعه زمین.

مشعل (۱۴):

وسایله‌ای برای انتقال نهایی سوخت مایع یا گاز، همراه با هوا، به اتاق اشتعال دیگ، یا هر دستگاه دیگر، که سوخت مایع یا گاز مصرف می‌کند، به منظور ایجاد اشتعال و کنترل آن.

مشعل (۱۷):

وسایله‌ای که گاز یا مخلوط گاز و هوا را برای ایجاد شعله در محفظه احتراق آزاد می‌نماید. مشعل بر دو نوع است:

الف) مشعل اتمسفری: مشعلی است که در فشار گاز کمتر از ۲۵۵ میلی‌متر ستون آب مورد استفاده قرار می‌گیرد و در آن از نیروی فوران گاز برای مکیدن بخشی از هوای لازم برای احتراق (مواد اولیه) استفاده می‌گردد، این مشعل برای احتراق کامل به هوای ثانویه نیاز دارد.

ب) مشعل نیرو: مشعلی که مجهز به دمنده است و گاز یا هوا و یا هر دو با فشار وارد آن می‌گردد.

مصالح علائم تصویری و تابلو (۲۰):

مصالح به کار رفته برای ساخت علائم تصویری و تابلو است که به استثنای تابلوهای موقت، بسته به اندازه و

نوع آن بعنوان یک سازه شهری باید هماهنگ با مصالح مجاز در مبحث پنجم مقررات ملی ساختمان باشد.

معبر عمومی (۳):

خیابان، کوچه یا موارد مشابهی از کاربرد زمین که به طور دایم در تصرف و استفاده عموم قرار گرفته و اساساً از آن طریق بتوان بدون مانع به سایر قسمت‌های شهر رفت و آمد نمود. عرض و ارتفاع مفید معبر عمومی باید حداقل ۳ متر باشد.

معبر قائم دود (۱۴):

معبری که در داخل یک شافت قائم قرار می‌گیرد و محصول احتراق را به هوای خارج از ساختمان منتقل می‌کند.

معمار (۲):

دانش آموخته رشته معماری در مقطع کارشناسی یا بالاتر و دارای پروانه اشتغال به کار مهندسی در رشته معماری.

مفصل پلاستیکی (۹):

مقطعی از عضو که در آن میلگرد کششی به حد جاری شدن رسیده باشد.

مقاومت کل اتصال زمین (مقاومت کل زمین) (۱۳):

مقاومت بین ترمینال اصلی اتصال زمین و جرم کلی زمین.

مقام رسمی ساختمان (۱۲):

مرجعی که طبق قانون مسئول صدور پروانه ساختمان و نظارت و کنترل بر امر ساختمان سازی در محدوده مورد عمل خود باشد.

مقام قانونی مسئول (۳):

مقام دارای صلاحیت قانونی و مسئول، سازمان دفتر یا فردی است که مسئولیت تصویب مصالح، تأسیسات، تجهیزات یا روشها را به عهده بگیرد. مقام دارای صلاحیت قانونی و مسئول که از آن به اختصار مقام قانونی مسئول نام برده می‌شود. در این مقررات با مفاهیمی گسترده به کار برده شده است. زیرا کارگزاران و نمایندگان صلاحیت دار و تصویب کننده به تناسب مسئولیت‌هایشان متفاوت هستند.

هرجا که ایمنی همگانی در اولویت قرار داشته باشد، مقام دارای صلاحیت قانونی و مسئول ممکن است به تناسب درجه اهمیت، یک سازمان دولتی مرکزی، استانی یا محلی، مانند مقام قانونی مسئول حفاظت از حریق، سازمان آتش نشانی، اداره یا گروه آتش‌نشانی، اداره پیشگیری از آتش، اداره حفاظت و بهداشت کار، شهرداری، اداره بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، اداره بازرسی برق ساختمانها و یا هر گروه و تشکیلات دیگری که دارای اختیار قانونی است، باشد. همچنین اداره بازرسی بیمه مرکزی، اداره ارزیابی و زمان‌گذاری یک شرکت بیمه خصوصی و حتی نماینده هر یک از نهادهای فوق می‌تواند مقام قانونی مسئول باشد. در بسیاری موارد ممکن است صاحب ملک یا نماینده تام‌الاختیار او نقش مقام قانونی مسئول را به عهده بگیرد. در تأسیسات متعلق به دولت، ممکن است اداره ایمنی و حتی یکی از کارمندان اداری نظیر افسر فرمانده یا نگهبان، مقام قانونی مسئول باشد.

مقام قانونی مسئول می‌تواند به منظور مورد قبول قرار گرفتن مصالح، لوازم، تأسیسات طرحها یا روشها، از دستورالعملها و استانداردهای ملی یا ضابطه‌های مناسب دیگر استفاده نموده و آنها را برای تصویب، مبنا قرار دهد. در نبود چنین استانداردهایی، مقام یاد شده ممکن است مدارکی دال بر مناسب بودن مصالح، تأسیسات، روشها و نیز کاربرد درست آنها از به کار برنده مطالبه نماید. مقام قانونی مسئول، همچنین ممکن است فهرستها و برچسب‌های سازمانی را که ارزیابی تولیدات را بر عهده دارد و در موقعیتی است که انطباق ارقام لیست شده را با استانداردهای مربوطه مشخص می‌سازد، مورد استناد قرار دهد.

مقاومت (۶):

ظرفیت نهائی یک عضو برای تحمل نیروهای وارده.

مقاومت حرارتی (۱۹):

نسبت ضخامت لایه به ضریب هدایت حرارتی آن، بدیهی است که مقاومت حرارتی یک پوسته تشکیل شده از چند لایه مساوی با مجموع مقاومت‌های هر یک از لایه‌ها خواهد بود.

مقاومت حرارتی قابلیت عایق بودن (از نظر حرارتی) یک یا چند لایه از پوسته و یا کل پوسته را مشخص می‌کند. مقاومت حرارتی با R نشان داده می‌شود و واحد آن $[m^2.k/w]$ است.

(ر.ک. پیوست ۸ مبحث ۱۹)

مکش (۱۴):

اختلاف فشار موجود بین هوای خارج و دستگاه با سوخت مایع یا گاز، که سبب جریان بهم پیوسته هوا و

گازهای حاصل از احتراق، در داخل معبر بین دستگاه و هوای خارج می‌شود.

مکش القایی (۱۴):

مکشی که توسط یک بادزن، نصب شده بین دستگاه با سوخت مایع یا گاز و انتهای دودکش ایجاد شود.

مکش طبیعی (۱۴):

مکشی که بر اثر ارتفاع دودکش و اختلاف دمای هوای خارج و گاز حاصل از احتراق پدید آید.

مکش سیفونی- در لوله‌کشی توزیع آب (۱۶):

برگشت جریان از آبی که معمولاً آلوده تلقی می‌شود، به شبکه لوله‌کشی آب آشامیدنی، بر اثر کاهش فشار این شبکه به کم تر از فشار هوای آزاد. ورود آب آلوده ممکن است از لوازم بهداشتی، استخر، مخازن آب و موارد مشابهی باشد که از شبکه لوله‌کشی آب آشامیدنی تغذیه می‌شوند.

مکش سیفونی- در لوله‌کشی فاضلاب (۱۶):

ایجاد خلاء بر اثر افزایش سرعت جریان فاضلاب یا هر علت دیگر که ممکن است بر آب هوا بند سیفون نزدیک‌ترین لوازم بهداشتی اثر بگذارد و آب داخل سیفون را خالی کند.

ملات (۵):

جسمی خمیری، که از اختلاط مناسب جسم چسباننده مانند دوغاب سیمان و جسم برکننده مانند سنگدانه‌های مختلف ساخته شده و در صورت نیاز به مشخصات و ویژه کاربری از مواد افزودنی در آن استفاده می‌شود.

از ملات برای چسباندن قطعات مصالح بنایی به یکدیگر، تأمین بستری برای توزیع بار، اندودکاری، نماسازی، بندکشی و... استفاده می‌شود.

ملات آبی (۵):

این نوع ملاتها زیر آب یا در هوا به طریق شیمیایی می‌گیرند و سفت و سخت می‌شوند، مانند ملاتهای سیمانی و گل آهک.

ملاتهای آهکی (۵):

ملاتهای ماسه آهک، گل آهک، گچ و آهک، پوزولان آهک و ساروج در این گروه قرار می‌گیرند.

- ملات ماسه آهک: ملاتی هوایی است و برای گرفتن و سفت و سخت شدن به دی اکسید کربن موجود در هوا نیاز دارد.

این ملات برای مصرف لای درز مناسب نیست زیرا دی اکسید کربن هوا نمی تواند به داخل آن نفوذ کند و فقط سطح رویی آن کربناتی می‌شود. از این رو، برای اندود سطح رویه در مناطق مرطوب مناسب است.

- ملات گل آهک و شفته آهک: از ملات گل آهک و شفته آهک برای جلوگیری از نشت کردن آب و همچنین پایدار کردن زمین برای بارگذاری بیشتر استفاده می شود.

- ملات گچ و آهک: از این ملات برای اندود کردن در مناطق مرطوب استفاده می‌شود.

- ملات پوزولان- آهک: برای مناطقی که مقاومت در برابر حمله مواد شیمیایی به ویژه سولفاتها مطرح است، استفاده می‌شود.

چنانچه از گرد آجر به عنوان پوزولان در ساخت این ملات استفاده شود به آن ملات سرخی می‌گویند.

- ملات ساروج: از ملات ساروج به عنوان ملات پایدار در برابر آب و رطوبت استفاده می‌شود.

ملات‌های سیمانی (۵):

خمیر سیمان و ملاتهای ماسه- سیمان، ماسه سیمان- آهک(باتارد)، ماسه- سیمان- پوزولان و ملاتهای اندود سیمانی (سیمان- خاک سنگ- گرد سنگ) در این گروه قرار می‌گیرند و ماده چسباننده آنها دوغاب سیمان است.

ملات‌های قیری(ماسه- آسفالت) (۵):

این ملات از اختلاط قیر مناسب و ماسه به نسبت‌های معین تولید شده و در ساختن لایه رویه پیاده‌روها، پوشش محافظ لایه نمریندی بامها، پر کردن درز قطعات بتنی کف پارکینگ‌ها، پیاده‌روها و... استفاده می‌شود.

ملاتهای گچی (۵):

خمیر گچ و ملاتهای گچ و خاک، گچ و ماسه و پرلیت در این گروه قرار می‌گیرند. ماده چسباننده این ملاتها دوغاب گچ است.

ملاتهای گچی زودگیر هستند و باید به سرعت مصرف شوند.

ملات گچ و پرلیت جاذب صوتی مناسب و عایق حرارتی خوبی است. این اندود خطر گسترش آتش را کاهش داده و به واسطه عایق بودن در کاهش نفوذ حرارت به اسکلت فولادی و بتنی ساختمان هنگام آتش‌سوزی مؤثر است.

ملات‌های گلی (۵):

ملات گل و کاهگل در این گروه قرار می‌گیرند و ماده چسباننده آنها گل رس است. برای جلوگیری از ترک خوردگی ملات گل، به آن کاه می‌افزایند.

ملات هوایی (۵):

این نوع ملات‌ها یا به طریق فیزیکی در هوا خشک می‌شوند و آب آزاد آنها تبخیر می‌شود (مانند ملات گل و کاهگل) یا گیرش آنها به طریق شیمیایی در برابر هوا انجام می‌شود، مانند ملات گچ و ملات آهک هوایی. این ملات‌ها برای گرفتن و سخت شدن و سخت ماندن به هوا نیاز دارند.

ملک (۱۷):

هر زمین یا ساختمانی که در آن از شبکه لوله‌کشی گاز شهری استفاده شده و یا در آینده استفاده خواهد شد.

مناطق ویژه (اعمال کنترل‌های خاص) (۲۰):

ساختمان یا مجموعه یا بخشی از شهر که به لحاظ خصوصیت تاریخی، طبیعی و غیره یا به لحاظ مدیریت واحد و با صلاحدید مراجع ذیربط، رعایت مقررات محدود کننده‌تری برای علائم تصویری و تابلوها، نسبت به سایر مناطق و ساختمان‌ها اعمال گردد.

منطقه (در مورد مقررات منطقه‌ای) (۳):

محدوده جغرافیایی شامل یک یا چند استان یا قسمتی از یک استان یا قسمتهایی از چند استان.

منطقه آتش (۱۴):

قسمتی از فضاهای داخل ساختمان، که از همه طرف (دیوارها، درها، سقف، کف) با جداره‌های مقاوم در برابر آتش، برای زمان معینی، محدود شده و از فضاهای مجاور جدا شده باشد.

منطقه حریق (۳):

بخشی از فضای داخل ساختمان که از اطراف و از سقف و کف به وسیله اعضای ساختمانی مقاوم حریق محدود شود. منطقه حریق با بررسی و اندازه‌گیری عرض، طول و ارتفاع حریق احتمالی ارزیابی می‌شود.

مواد افزودنی (۹):

موادی به غیر از سیمان پرتلند، سنگدانه و آب، که به صورت گرد یا مایع، به عنوان یکی از مواد تشکیل دهنده بتن به کار می‌رود و برای اصلاح خواص بتن کمی قبل از اختلاط به آن افزوده می‌شود. مواد افزودنی را نباید با مواد مضاف، که به مقدار محدود برای کسب خواص ویژه و یا به منظور کمک به امر تولید، در کارخانه با سیمان مخلوط یا همراه با کلینکر در حین تولید آسیاب می‌شوند، اشتباه کرد.

مواد افزودنی تسریع‌کننده (۹):

موادی که برای تسریع در گیرش بتن، یا تسریع در کسب مقاومت بتن در سن کمتر، یا به هر دو منظور به کار می‌رود.

مواد افزودنی حباب ساز (۹):

ماده‌ای که در بتن حبابهای بسیار ریز هوا ایجاد می‌کند، حبابهای هوا پایایی بتن را در برابر رطوبت و یخ‌زدن‌ها و آب‌شدن‌های مکرر افزایش می‌دهند. به علاوه مقاومت بتن را در برابر پوسته‌شدگی سطحی ناشی از یخ‌زدن‌های شیمیایی زیاد می‌کنند. همچنین با مصرف این مواد کارایی بتن تازه و نفوذ ناپذیری بتن سخت شده به میزانی قابل توجه بیشتر می‌شود و در صورت مصرف مقدار مناسب، جدا شدن دانه‌ها و آب انداختن بتن کاهش می‌یابد یا از بین می‌رود.

مواد افزودنی کاهنده آب (۹):

موادی که برای تقلیل مقدار آب مصرفی در شرایط یکسان روانی بتن، یا افزایش روانی بتن در شرایط یکسان میزان آب مصرفی به کار می‌رود.

مواد افزودنی کندگیرکننده (۹):

موادی که برای به تأخیر انداختن گیرش بتن به کار می‌رود.

مواد خمیری کننده و روان ساز (۹):

موادی که برای بهبود کارایی بتن تازه به کار می‌روند از این مواد در بهبود مخلوطهای خشن، در پرداخت با ماله آهنی، بتن‌ریزی اعضای با تراکم زیاد آرماتور، پمپاژ و بتن‌ریزی با لوله استفاده می‌شود. این گروه مواد افزودنی، سیال کننده‌ها با روان‌سازهای اعلا را هم شامل است. با استفاده از روان‌سازهای اعلا، بتنی فوق‌العاده روان به دست می‌آید.

مواد سوختنی (۱۴):

موادی که از چوب، کاغذ فشرده، الیاف گیاهی، پلاستیک و دیگر مواد مشابه ساخته شده، یا از این مواد

روکش شده باشد، چه در مقابل شعله و در شدن مقاوم باشند یا نباشند، چه پوشش دیگری داشته یا نداشته باشند، به هر حال در تماس با شعله آتش خواهند گرفت و خواهند سوخت.

مواد نسوختنی (۱۴):

موادی که غیر از « مواد سوختنی باشند. مواد « نسوختنی با مواد « نسوز تفاوت دارند.

موتورخانه (۱۴):

اتاقی که در آن سیستمهای تبرید یا اجزای آن قرار گرفته و در آن الزامات ایمنی رعایت شده باشد.

موتورخانه (۱۵):

فضایی که موتور گیربکس یا سیستم رانش آسانسور و تابلو کنترل و غیره را در خود جای میدهد و ابعاد آن به ازای ظرفیتهای مختلف در جداول استاندارد قید شده است (ر.ک. پیوست ۲ مبحث ۱۵)

مورد تأیید (۱۴) و (۱۶):

مورد تأیید مسئول امور ساختمان در شهرداری، یا هر مقام قانونی دیگر.

مهار (۱۴) و (۱۶):

وسیله‌ای برای ثابت نگهداشتن لوله در یک نقطه، از نظر موقعیت، امتداد و جهت، در شرایط دمای معین و بار وارد به آن.

مهندس برق (۲):

دانش آموخته رشته مهندسی برق در مقطع کارشناسی یا بالاتر و دارای پروانه اشتغال به کار در رشته مهندسی تأسیسات برقی.

مهندس عمران (۲):

دانش آموخته رشته مهندسی عمران در مقطع کارشناسی یا بالاتر و دارای پروانه اشتغال به کار مهندسی در رشته ساختمان.

مهندس مکانیک (۲):

دانش آموخته رشته مهندسی مکانیک در مقطع کارشناسی یا بالاتر و دارای پروانه اشتغال به کار مهندسی در رشته تأسیسات مکانیکی.

مهندس ناظر (۱۲):

شخصی حقیقی یا حقوقی که طبق قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان دارای پروانه اشتغال به کار مهندسی از وزارت مسکن و شهرسازی است و در حدود صلاحیت خود مسئولیت نظارت بر تمام یا قسمتی از عملیات ساختمانی موضوع بند (۱۲-۱-۳-۲) مبحث دوازدهم را به عهده دارد.

مهندس ناظر گاز (۱۷):

شخص حقیقی یا حقوقی که صلاحیت وی مورد تأیید وزارت مسکن و شهرسازی بوده و کنترل، تأیید طرح و محاسبات تأسیسات لوله‌کشی گاز طبیعی و دودکش‌های مربوط به وسایل گاز سوز ساختمانها، نظارت بر اجرای عملیات لوله‌کشی و نصب تجهیزات گازسوز را بر عهده دارد.

میان طبقه (۳):

طبقه‌ای واقع بین هر یک از طبقات اصلی ساختمان که حداکثر یک سوم مساحت طبقه زیر خود را داشته باشد.

میزان مقاومت حریق (۳):

مدتی که مصالح یا ترکیبی از آن، توانایی مقاومت در مقابل آتشی مستقیم مطابق « آزمایش حریق استاندارد را داشته باشد.

میلی‌متر ستون آب (۱۷):

واحد فشار که برابر است با یک دهم میلی‌بار.

میلی‌متر ستون جیوه (۱۷):

واحد فشار که برابر است با ۱/۳۳ میلی‌بار.

ناحیه بحرانی (۹):

ناحیه‌ای که در آن احتمال ایجاد مفصل پلاستیکی تحت اثر بارهای زلزله وجود داشته باشد.

ناحیه پلاستیکی (۹):

قسمتی از عضو که در آن دوران پلاستیکی صورت می‌گیرد.

نازک‌کاری (۲):

عملیات ساختمانی که برای پوشش بدنه، کف، سقف و غیره انجام می‌شود. شامل اندودکاری، سفیدکاری،

کاشی کاری، پوشش بام، فرش کف، نقاشی و غیره.

ناظر (ناظران) (۲) :

شخص حقیقی یا حقوقی که نظارت بر اجرای عملیات ساختمانی یا تأسیسات ساختمان را در حیطه صلاحیت و ظرفیت اشتغال طبق قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان بر عهده دارد.

نرده محافظ (۳) :

حایل حفاظتی و ایمنی که برای جلوگیری از پرت شدن از ارتفاع طراحی شده باشد.

نسبت تغییر مکان طبقه (۴) :

نسبت تغییر مکان نسبی طبقه به ارتفاع طبقه.

نشست هوا (۱۹) :

ورود و یا خروج هوا در ساختمان از منافذ و مجراهایی غیر از محل‌های پیش‌بینی شده که باعث تعویض هوا می‌شود.

نظارت ادواری (۲) :

نظارت بر اجرای ساختمان توسط مرجع صدور پروانه ساختمان در زمان‌های تعیین شده.

نظارت عالی (۲) :

بررسی و کنترل اسناد طراحی، پروانه ساختمان، مجوزها، عملیات اجرایی، نحوه نظارت مستمر ادواری و کنترل مضاعف توسط وزارت مسکن و شهرسازی طبق ماده ۲۵ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان.

نظارت مستمر (۲) :

نظارت بر اجرای ساختمان از طریق حضور در مراحل اصلی احداث بنا توسط ناظر و بررسی عملیات اجرایی شامل تخریب، پی‌سازی، بتن‌ریزی‌ها، ساخت و نصب اسکلت، آغاز و اتمام سفت‌کاری، تأسیسات مکانیکی و تأسیسات برقی و نازک‌کاری (با توجه وظایف تعیین شده) و در هر صورت حداقل یک بار در هفته در کارگاه ساختمانی و کنترل عملیات اجرایی (به غیر از مدت تعطیل کارگاه).

نظارت مقیم (۲) :

نوعی از نظارت مستمر که در آن ناظر در کلیه ساعات اجرای کار (اعم از روز یا شب) در کارگاه حضور دارد و کلیه عملیات اجرایی با حضور ناظر (ناظران) انجام می‌شود.

نفوذ هوا به داخل (۱۴) :

نفوذ هوای خارج به داخل ساختمان، از راه درزهای پنجره‌ها، درها و هر شکاف دیگری در دیوار، کف یا سقف ساختمان.

نقشه (۲) :

نمایش ترسیمی قسمت‌ها و اجزای ساختمان یا عوارض پویسته زمین و پستی و بلندیها بر روی کاغذ، پلاستیک و نظایر آن که به نسبت معینی کوچک شده، دارای مقیاس مناسب باشد.

نقشه های کارگاهی (۱۱) :

نقشه‌هایی که بر اساس نقشه‌های محاسباتی برای سهولت اجرا تهیه می‌گردد. این نقشه‌ها دارای جزئیات مفصلتری نسبت به نقشه‌های محاسباتی می‌باشند. در این نقشه‌ها برای هر عضو یک شماره تعیین می‌گردد و جزئیات دقیقتری برای این عضو با ذکر کلیه ابعاد هندسی آن با مقیاس مناسب ترسیم می‌گردد. همچنین کلیه اتصالات با ذکر مواردی مانند ابعاد و طول و نوع جوش و یا تعداد و اندازه و طول پیچ و مهره به طور کامل ترسیم می‌گردد. این نقشه‌ها معمولاً توسط سازنده اسکلت فولادی متناسب با امکانات و تجهیزات لازم تهیه می‌شود و فهرستی از مشخصات و مقدار کلیه قطعات ضمیمه آنها خواهد بود.

نقشه های محاسباتی (۱۱) :

نقشه‌هایی که مشخصات کلیه یروفیل‌ها و مقاطع سازه از قبیل ابعاد کلی مقطع، فاصله محور تا محور ستون‌ها و تراز روی تیرها و سایر ابعاد کلی سازه و اجزای آن قید شده باشد به نحوی که با استناد به آنها بتوان نقشه‌های کارگاهی را تهیه نمود. این نقشه‌ها همچنین حاوی اطلاعات کلی در مورد اتصالات جوشی و پیچ و مهره‌ای و سایر اطلاعات ضروری مهندسی می‌باشد.

نقشه های نصب (۱۱) :

نقشه‌هایی که توسط سازنده اسکلت فولادی تهیه و برای نصب اعضا در محل خود و در پای کار استفاده می‌شود. این نقشه‌ها اطلاعات کافی در مورد نصب هر قطعه و موقعیت آن نسبت به قطعات دیگر را مشخص می‌نماید.

نقطه مصرف (۱۷) :

نقطه‌ای که در مسیر یا انتهای لوله‌کشی داخلی قرار گرفته و وسایل گازسوز به آن متصل می‌شود.

نگهدارنده ریلها (۱۵):

رابطی که ریلها را به سازه و دیواره چاه آسانسور متصل می‌کند و برای اتصال آن از بست مخصوص و پیچ و مهره استفاده می‌شود.

نماینده قانونی مالک (۲):

شخص حقیقی که برابر وکالتنامه رسمی از طرف مالک حقیقی یا برابر وکالت یا نمایندگی رسمی مالک حقوقی، در امور ساختمان اقدام می‌کند.

نمودار استاندارد (A 18):

نمودار استاندارد A نموداریست که عملکرد مورد نیاز یک مدار الکترونیکی را تعریف می‌کند. هدف از این عملکرد، که براساس تجربه بدست آمده، این است که مدار مذکور بتواند واکنش شنوایی انسان را با سهولت و دقت کافی در صدا سنجی تقلید کند. نمودار مذکور براساس مقادیر تغییرات نسبی مدار بر حسب بسامد در جدول ۱-۱-۱۸ مندرج و در شکل ۱-۱-۱۸ رسم گردیده است. (ر.ک. ۱۸-۱-۳-۱۲)

نمودارهای برسنج ترجیحی نوفه (18) (PNC):

نمودارهای PNC برای درجه‌بندی بیناب (طیف) نوفه به منظور تأمین و ارزیابی وضوح گفتار استفاده می‌شوند. این نمودارها براساس مقادیر تراز فشار صدا در بسامد مرکزی بندهای یک هنگامی در جدول ۲-۱-۱۸ مندرج و تعدادی از آنها که در مبحث ۱۸ مقررات ملی ساختمان استفاده شده در شکل ۲-۱-۱۸ رسم شده‌اند.

نوار پوششی (۹):

به قسمتی از سیستم دال گفته می‌شود که در دو سمت محور ستونهای واقع در یک ردیف در پلان قرار می‌گیرد و به محورهای طولی گذرنده از وسط چشمه‌های مجاور محدود شود.

نوار ستونی (۹):

به قسمتی از نوار پوششی گفته می‌شود که در دو سمت محور ستونها واقع شود و عرض آن در هر سمت محور برابر با $L/25$ و یا هر کدام کوچکتر است، باشد. این نوار شامل تیر بین ستونها در صورت وجود، نیز می‌شود.

نوار کناری (۹):

در سیستم تیر - دال نواری از دال است که در هر سمت تیر در نوار ستونی قرار می‌گیرد.

نوار میانی (۹):

نواری از سیستم دال است که در حد فاصل دو نوار ستونی قرار می‌گیرد.

نوع (حامل) انرژی (۱۹):

در این مبحث، انرژی به دو نوع است: برقی و غیر برقی (شامل انواع مختلف مصرف مستقیم انرژی فسیلی و...)

نوفه (۱۸):

هرگونه صدای ناخواسته می‌باشد.

نوفه زمینه (۱۸):

به نوفه موجود در فضای مورد نظر اطلاق می‌گردد. منشاء آن می‌تواند خارجی، مانند نوفه وسایل ترابری یا داخلی مانند صدای ناشی از تأسیسات و یا همه‌همه افراد باشد.

نیروی انسانی ماهر (۱۱):

اعضای گروه ساخت و نصب که هر یک به تناسب وظیفه محوله باید دارای تخصص، تجربه و توان کافی بنا به تأیید مراجع ذیربط باشند.

واحد زندگی (واحد مسکونی) (۳):

فضا، اتاق یا اتاقهایی که به عنوان محل زندگی یک شخص یا خانواده در نظر گرفته شده و دارای وسایل زندگی باشد.

واحد مسکونی (۱۹):

یک واحد خانه متشکل از یک اتاق یا بیشتر که امکانات کامل و مستقل (خواب، خوراک، پخت و پز و بهداشت) برای زندگی یک نفر یا بیشتر در آن فراهم باشد.

واحد (16) (drain fixture unit): DFU

در لوله‌کشی فاضلاب داخل ساختمان، DFU واحدی است برای اندازه‌گیری مقدار جریان فاضلاب لوازم بهداشتی مختلف، در هر یک از لوازم بهداشتی، مقدار DFU تابع حجم فاضلاب آن، طول مدت زمان یکبار تخلیه آب آن و فاصله زمانی متوسط بین دو بار ریزش پیاپی آب در آن است.

واحد SFU (16) (supply fixture unit) :

در لوله‌کشی توزیع آب مصرفی ساختمان، SFU واحدی است برای اندازه‌گیری و محاسبات احتمال هیدرولیکی مصرف آب در لوازم بهداشتی مختلف، در هر یک از لوازم بهداشتی، مقدار SFU تابع حجم آب مصرفی، طول مدت زمان یکبار مصرف (بازماندن شیر)، و فاصله زمانی متوسط بین دو بار باز شدن پی‌آپی شیر است.
وزنه تعادل (۱۵) :

وزنه یا ترکیبی از وزنه‌ها که برای متعادل کردن وزن کابین و بخشی از ظرفیت آسانسور بکار می‌رود.

وسایل و تجهیزات (۱۲) :

کلیه ماشین آلات، داربستها، نردبانها، جان پناه‌ها، سکوها، راهروها و تسهیلات مشابه و به طور کلی وسایل حفاظتی و حمایتی که در کارگاه ساختمانی به کار گرفته شوند.

ولتاژ تماس (۱۳) :

ولتاژی که به هنگام بروز خرابی در عایق‌بندی، بین قسمت‌هایی که همزمان قابل لمس می‌باشند، ظاهر می‌شود.

یادآوری ۱- طبق قرار، از این اصطلاح فقط در ارتباط با حفاظت در برابر تماس غیرمستقیم استفاده می‌شود.
یادآوری ۲- در بعضی موارد، مقدار ولتاژ تماس ممکن است به وسیله امیدانس شخصی که در تماس با این قسمت‌ها است، به مقداری قابل ملاحظه، تحت تأثیر قرار گیرد.

وسیله قطع خودکار گاز (۱۴) :

وسیله‌ای که در صورت بالاتر رفتن دمای آب گرم در یک سیستم تولید و توزیع آب گرم‌کننده، از حد دمای پیش‌بینی شده، با عمل آن شیر قطع خودکار گاز بسته می‌شود.

هادی (۱۶) :

وسیله‌ای که حرکت لوله را فقط در امتداد معینی امکان پذیر می‌سازد.

هادی حفاظتی (۱۳) :

هادی‌ای که برای حفاظت در برابر برق گرفتگی لازم می‌باشد و هر یک از اجزای زیر را از نظر الکتریکی به هم وصل می‌کند:

بدنه‌های هادی

قسمت‌های هادی بیگانه

ترمینال اصلی اتصال به زمین

الکتروود زمین

نقطه زمین شده منبع تغذیه

نقطه خنثی مصنوعی

هادی خنثی (۱۳) :

هادی‌ای که به نقطه خنثی سیستم وصل بوده و می‌توان در انتقال انرژی الکتریکی از آن استفاده کرد.

هادی مشترک حفاظتی / خنثی (۱۳) :

هادی‌ای زمین شده که به صورت اشتراکی هر دو وظیفه هادی‌های حفاظتی (PE) و خنثی (N) را انجام دهد.

هادی همبندی برای هم ولتاژ کردن (۱۳) :

هادی حفاظتی‌ای که همبندی برای هم ولتاژ کردن را تضمین می‌کند.

هال انتظار (۲) :

فضای مشترک و همگانی در بناهای تجمعی که به منظور سپری کردن اوقات پیش از موعد برای ورود به یک سالن اجتماعات در نظر گرفته می‌شود.

هال ورودی (۲) :

فضای مشترک و همگانی در بناها که به منظور کنترل و ایجاد تسهیلات برای ورود و خروج افراد در نظر گرفته می‌شود.

هتل (۲) :

بنایی که اتاق‌های آن به منظور سکونت مسافران مورد استفاده قرار گیرد. این تعریف، شامل هتل و سایر بناهای مشابهی که قصد ارائه امکانات سکونتی موقت را دارند نیز می‌گردد.

هسته عضو فشاری (۹) :

قسمتی از سطح مقطع عضو، محصور بین پشت تا پشت میلگردهای عرضی محصور کننده.

همبندی برای هم ولتاژ کردن (۱۳) :

اتصالات الکتریکی که پتانسیل بدنه‌های هادی و قسمت‌های هادی بیگانه مختلف را اساساً به یک سطح

می‌آورد.

هوا (۱۴):

هوایی که به منظور احتراق، تعویض، کنترل دما، رطوبت و پاکیزگی و غیره، بطور طبیعی یا مکانیکی در فضاهای ساختمان جریان می‌یابد.

هوابند سیفون (۱۶):

فاصله قائم بین کف نقطه ریزش آب از سیفون به داخل شاخه افقی لوله فاضلاب و سقف لوله سیفون در پائین‌ترین قسمت آن، (ر.ک. شکل صفحه ۲۰ مبحث ۱۶)

هوابندی (۱۹):

جلوگیری از ورود یا خروج هوا از طریق پوسته و یا درزهای عناصر تشکیل دهنده آن.

هواکش (۱۷):

به مکنده به روش طبیعی و یا مکانیکی برای تخلیه هوای اتاق یا محل نصب دستگاه گازسوز گفته می‌شود.

هواگیری (۱۷):

جایگزین کردن هوای درون دستگاه یا لوله‌کشی‌ها با گاز و یا برعکس جایگزین کردن گاز درون دستگاه یا لوله‌کشی‌ها با هوا یا گازهای دیگر مانند گازهای بی اثر.

هواکش تر (۱۶):

لوله هواکشی که برای انتقال فاضلاب هم مورد استفاده قرار گیرد.

هواکش جداگانه (۱۶):

لوله‌ای که هواکش سیفون یکی از لوازم بهداشتی است. این لوله در تراز بالاتر از آن دستگاه به شبکه لوله‌کشی هواکش متصل می‌شود، یا جداگانه تا خارج از ساختمان ادامه می‌یابد.

هواکش حلقوی (۱۶):

یک شاخه افقی هواکش که به امتداد لوله قائم فاضلاب متصل می‌شود.

هواکش حوضچه فاضلاب (۱۶):

لوله هواکشی که از حوضچه یا چاهک فاضلاب، یا لوازم بهداشتی مشابه، جداگانه به خارج از ساختمان تا هوای آزاد ادامه یابد.

هواکش قائم (۱۶):

هر لوله هواکش قائم که در وهله اول به منظور جریان هوا از هر قسمت شبکه لوله‌کشی فاضلاب به خارج، یا از خارج به آن، طرح و نصب شود.

هواکش کمکی (۱۶):

یک هواکش کمکی که اجازه می‌دهد جریان هوای بیشتری بین لوله‌کشی فاضلاب و لوله‌کشی هواکش برقرار شود.

هواکش کمکی اصلی (۱۶):

یک لوله که از لوله قائم فاضلاب به لوله هواکش قائم، به منظور جلوگیری از تغییرات فشار در لوله قائم فاضلاب، متصل می‌شود. شیب این لوله به سمت لوله قائم فاضلاب است.

هواکش لوله قائم فاضلاب (۱۶):

ادامه لوله قائم فاضلاب به سمت بام، پس از بالاترین اتصال شاخه افقی فاضلاب. این قسمت از لوله قائم فقط به عنوان هواکش کار می‌کند.

هواکش مداری (۱۶):

یک شاخه افقی هواکش است که برای دو، تا حداکثر هشت سیفون لوازم بهداشتی نصب می‌شود و از خروجی سیفون بالا دست‌ترین لوازم بهداشتی آغاز و به لوله قائم هواکش متصل می‌شود.

هواکش مشترک (۱۶):

هواکشی که برای دو عدد از لوازم بهداشتی، به طور مشترک به کار رود که معمولاً مجاور هم یا پشت به پشت هم و در یک طبقه ساختمان قرار دارند.

هوای احتراق (۱۴):

هوای لازم برای آنکه احتراق در یک دستگاه با سوخت جامد، مایع یا گاز، بطور درست و مطمئن و با رعایت الزام ایمنی انجام گیرد.

هوای احتراق (۱۷):

هوایی که برای احتراق گاز در قبل و بعد از مشعل با گاز مخلوط می‌گردد.

هوای استاندارد (۱۴):

هوای با دمای ۲۱ درجه سانتیگراد (۷۰ درجه فارنهایت) و فشار ۱۰۱/۳ کیلوپاسکال (۲۹/۹۳ اینچ جیوه).

هوای اضافی (۱۷) :

هوایی که علاوه بر هوای مورد نیاز سوخت، از محفظه احتراق عبور می‌کند و برای سوخت کامل لازم است.

هوای بازگردانی شده (۱۴) :

هوایی که از یک فضای تهویه مطبوع شده، به منظور استفاده دوباره به عنوان هوای رفت برگردانده می‌شود.

هوای برگشت (۱۴) :

هوایی که از یک فضای تهویه مطبوع شده بر می‌گردد و بازگردانی یا تخلیه می‌شود.

هوای بیرون - تازه (۱۴) :

ورود هوای بیرون به داخل فضاهای ساختمان، که قبلاً در داخل ساختمان گردش نکرده باشد.

هوای تخلیه (۱۴) :

هوایی که از یک فضا برگردانده می‌شود و دیگر مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.

هوای دریافتی از بیرون (۱۴) :

هوایی که برای جبران هوای تخلیه شده از بیرون به داخل ساختمان وارد می‌شود.

هوای رفت (۱۴) :

هوایی که به هر فضا، یا مجموعه‌ای از فضاهای ساختمان، به منظور تعویض هوا، کنترل دما، رطوبت، پاکیزگی و غیره فرستاده می‌شود.

هوای مطبوع (۱۴) :

آن قسمت از هوای ورودی به فضا از خارج، به اضافه هوای بازگردانی شده، که به منظور تأمین شرایط مطلوب هوا در فضای معین بهبود کیفیت یافته است.

هود (۱۴۱) :

نوعی وسیله دریافت کننده هوا که به یک سیستم تخلیه مکانیکی متصل است و به منظور جمع‌آوری و رفع هوای گرم، بخار آب، دود، بو، چربی و گازهای دیگر ناشی از احتراق، در بالا یا نزدیک دستگاه‌های پخت یا هر دستگاه دیگری که از این نوع گازها را از خود متصاعد می‌کند، نصب می‌شود.

هود نوع (۱۴۱۱) :

هود آشپزخانه مخصوص جمع‌آوری و دفع بخار آب، گرما، بو، روغن و دود.

هود نوع (۱۴۱۱) :

هود عمومی آشپزخانه برای جمع‌آوری و دفع بخار آب، گرما، بو، و مانند آنها.

یوک کابین (۱۵) :

قاب نگهدارنده ای که کف کابین، ترمزهای ایمنی، کفشک‌ها و سیم بکسل‌ها به آن متصل می‌شوند.